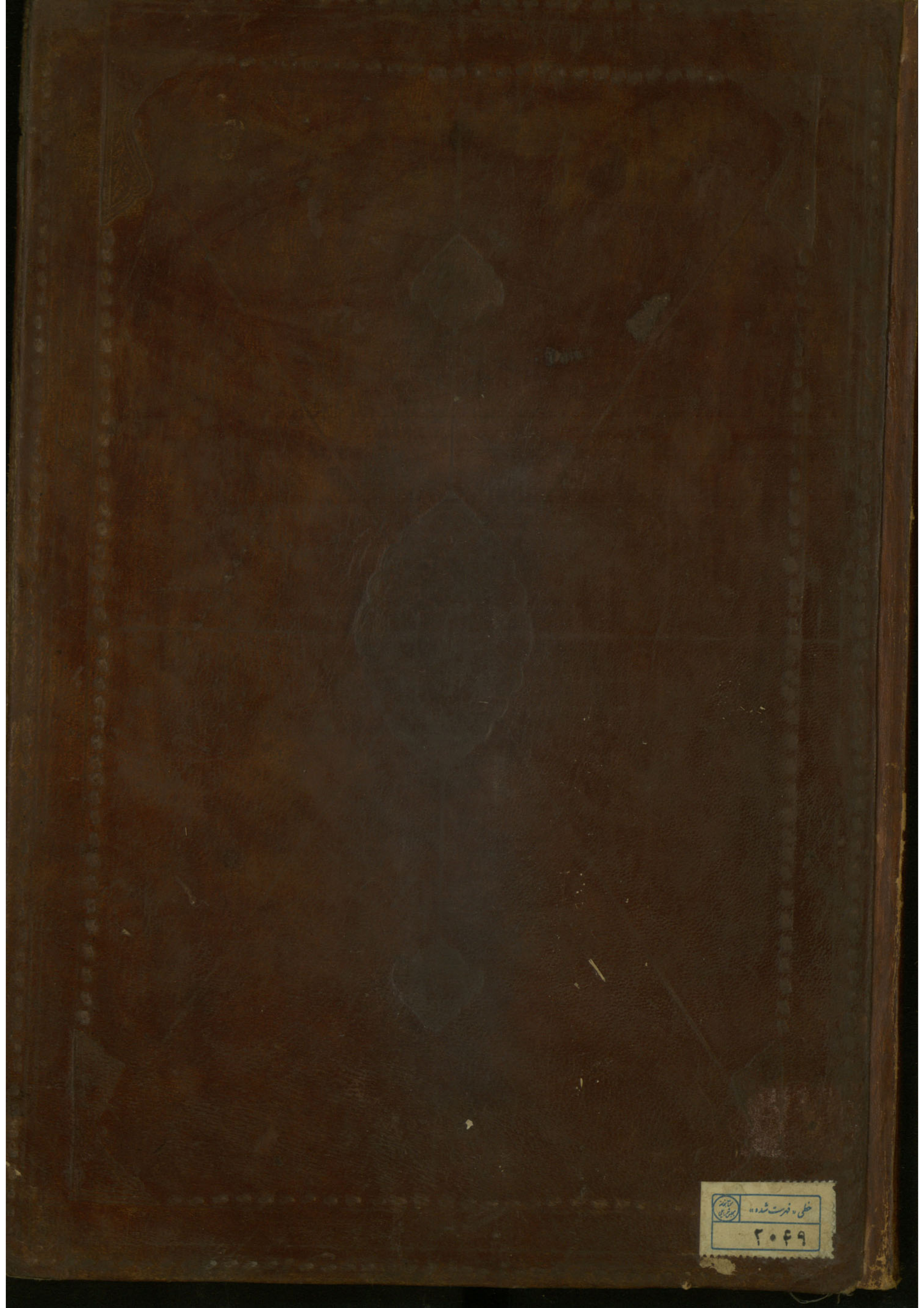
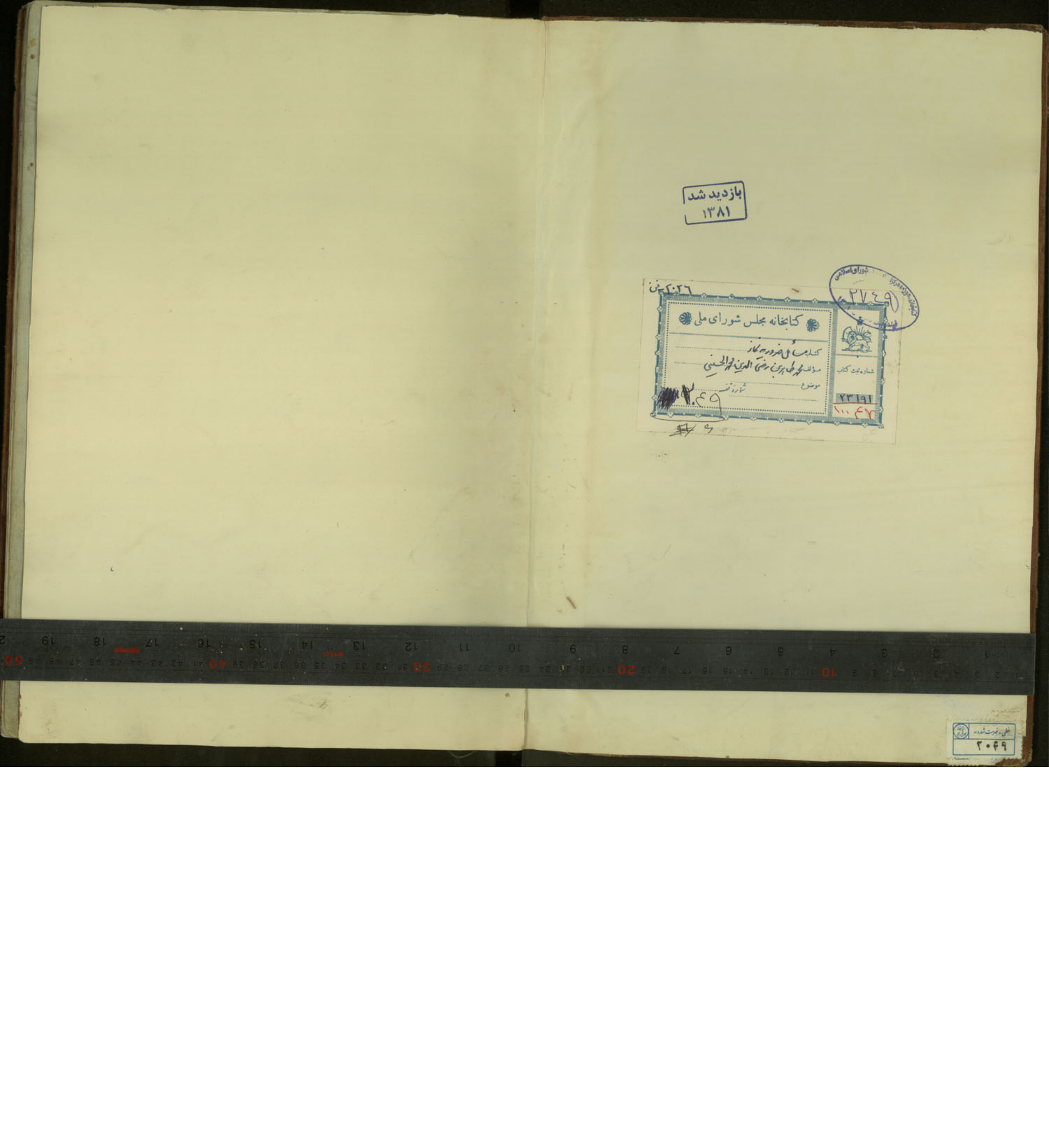
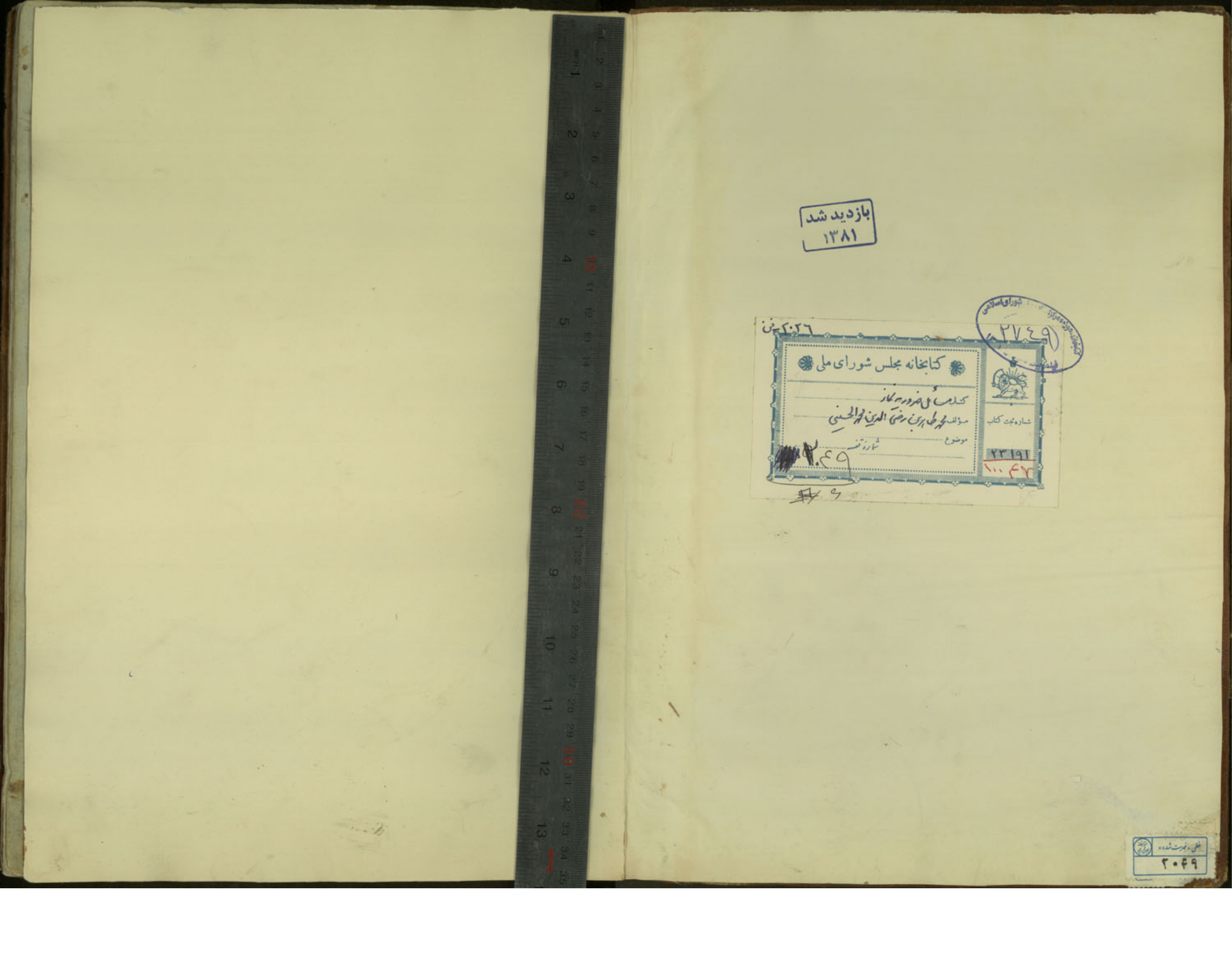


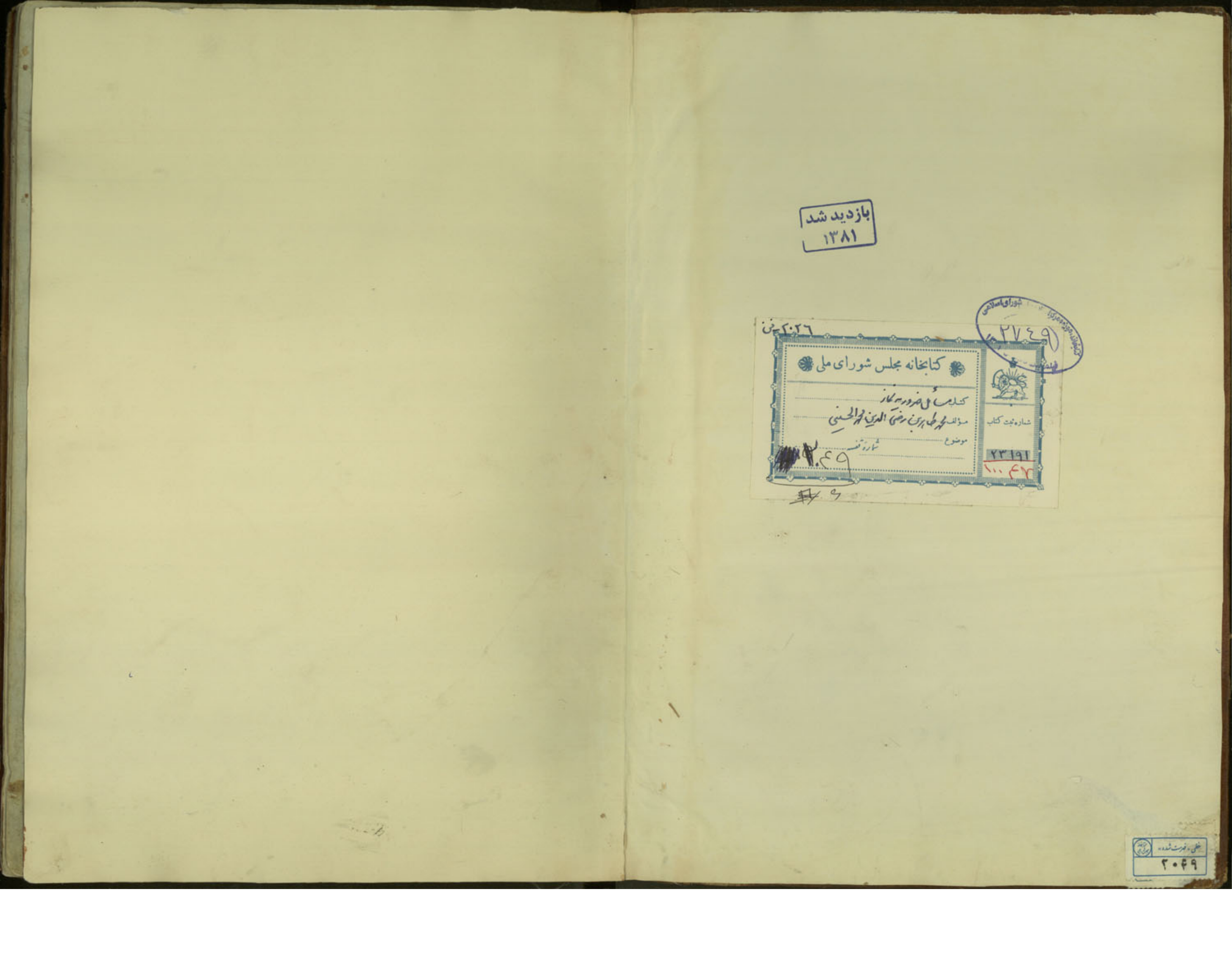
کتابخانه مجلس شورای ملی
خطی «فهرست شده»
۲۰۴۹

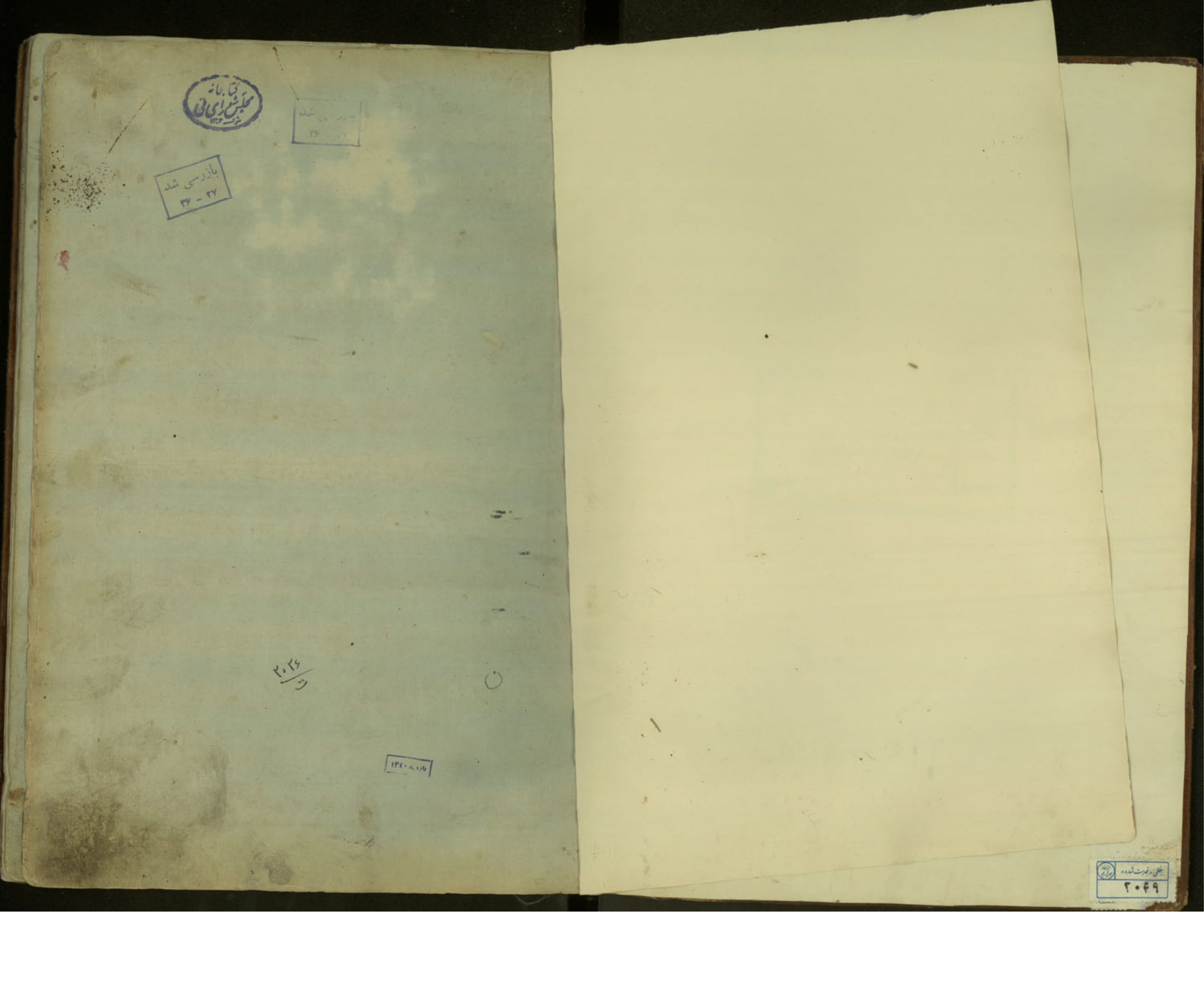


بازدید شد
۱۳۸۱
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب
مؤلف
موضوع
شماره قفسه
شماره ثبت کتاب
۲۳۱۹۱



بازدید شد
۱۳۸۱
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب
مؤلف
موضوع
شماره قفسه
شماره ثبت کتاب
۲۳۱۹۱
شورای اسلامی
۲۷۴۹۱


بازدید شد
۱۳۸۱
کتابخانه مجلس شورای ملی
مؤلف محمد طاهر بن رضی الدین محمد الحسینی
موضوع
شماره ثبت کتاب
۲۳۱۹۱
۲۷۴۶۹
۲۰۴۹





هذا رسالهٔ … بسم الله الرحمن الرحیم … محمد طاهر بن رضی الدین محمد حسینی

بعد از حمد مالک الملکی تعالی شانه و عظم برهانه که بهبوب نسیم صبا رحمت بی نهایتش خاشاک
و شبهه را از فضای خاطرها رفته و از تقاطر سحاب عنایت بیغایتش زنک معصیت هزار ساله را از صفحهٔ
دلها باب مطلق قبول توبه و انابت شسته قدیمی که نفوس مقدسه و عقول قادسه با آنکه بارشاد طریق ظلمانی
معبر عین الحیوة حقیقت سرافرازی یافته اند در بیدای ادراک کنه کمالش ترانه سنج زمزمهٔ سبحانک لا علم لنا کردند
و در زاویهٔ هیمان و حیرت خزیده اند حکیمی که نظاهر آثار قدرتش را سبب استبصار کوته نظران کنیسهٔ امکان و تواتر
اخبار رحمت عالمیان شمولش را مصباح محفل ضمیر بالغ نظران بیت الحرام عرفان ساخته * علیمی که رقبهٔ بدر منیر
بطوق عبودیتش آراسته و جبههٔ آفتاب عدیم النظیر بسجدات شبانروزی آستان درگاه جلالش
منور و پیراسته گشته * خلق کونین لمعه‌ایست از لمعات اشعهٔ لوای قدرتش و ایجاد خافقین ترجمه‌ایست
از کتاب مبسوط حکمت بی نهایتش * الذی کل دون صفاته تحبیر اللغات و ضل هنالک تصاریف الصفات
و حار فی ملکوته عمیقات مذاهب التفکیر و انقطع دون الرسوخ فی علمه جواهر التفسیر بیت خدائی که
هستی مر او را سزاست * بجز هستی او فنا بر فناست * طرازندهٔ پیکر آفتاب * نگارندهٔ نقش مردم بر آب
تعالت نعماؤه و جلت آلاؤه و صلوات صدر آرای محفل کاینات و واسطهٔ آفرینش موجودات

صح

شمع فروزان بزم جلالت * آفتاب درخشان آسمان رسالت * که تا مهر و ماه فروغ از رخش نبیند و خند
چراغ نور نیفروختند و تا نظر بجمال جهان آرای او روشن نساختند بنور شمع یا قد نیفراختند هلال عید از
نعل براق آسمان مثالش اثری و پرتو خورشید از شعلات طور جلالش شرری * الذی قد تشرف بتشریف قاب
قوسین او ادنی و المزین بزینة فاوحی الی عبده ما اوحی که جا باشد قدرش مجال تمثیل است بیت شمعی که بپایهٔ تختش
مقام جبرئیلست * و آل و اطهار او سیما برده کشای اسرار لاهوت حلال مشکلات ناسوت و الی خطه لو اجتمع
الناس علی حب علی بن ابیطالب لما خلق الله النار و المنصوص بنص انما ولیکم الله من الملک الجبار بیت
وصی احمد مرسل که بی محبت او * بروز حشر نکردند انبیا مغفور * علیه من الصلوة اتمها و من التسلیمات
ازکاها بر ضمیر منیر خورشید نظیر ارباب الالباب و اصحاب معرفت و آداب مخفی نماناد که چون اکثر کتب فقهیه که رقم زده
تالیف علمای اعلام و نگاشته خامهٔ فضلای بلاغت فرجام گشته بلغت تازی سمت ترتیب یافته
بخاطر فاتر این عاری از طریق رسوم طاهر ابن رضی الدین محمد الحسینی محمد طاهر رسید که مسائل ضروریه
نماز را به ترتیبی جدید در سلک تحریر در آورد و چون در اکثر مسائل اختلاف میان علمای دین رضوان الله علیهم اجمعین
واقع بود مبنی را برای شهید اول و ثانی قدس الله روحهما گذاشته مشهوری علما را قدوه ساخته ذریعه
تلثیم آستان فلک سان کرامی گوهر خزانهٔ صنع یزدان قرة العین دودمان ماصفوت و امتنان محفل آرای
اورنگ شاهنشاهی و شهریاری چهره گشای رخسارهٔ معدلت و بختیاری فروغ رخسارهٔ نبوت و امامت ثمرهٔ شجرهٔ وصایت و ولایت
پیرایهٔ جمال پادشاهی و مصدوقهٔ مفاد ظل الهی که بطنطنهٔ جلالش کاخ مینا بمثابهٔ طاق کسری از ظهور
آثار دین محمدی شکست خورده و سومنات معاندین رنگ آتشکدهٔ فارس غریق بحر فنا شده سلطان حسین
آنکه قدرش بچرخ برین میزند طعنه * سلیمان مکانی که از بیم قهرش * گریزان شد از طینت باد مستی
خلد الله ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و احسانه امید که دانشوران اگر بر خطائی اطلاع یابند
بذیل الصلاح بپوشانند والله المعین و الیه نستعین و این کتاب مشتمل است بر مقدمه و سه باب و خاتمه اما مقدمه

در بیان وجوب و فضیلت نماز و بیان نجاسات و مطهرات و احکام آنها **باب اول** در بیان مقدمات نماز و آن شش
چیز است چنانکه بعد از این مذکور میشود **باب دویم** در بیان مقارنات نماز و آن هشت چیز است **باب سیم** در بیان خللی
که در نماز واقع شود و آن مشتمل بر هفت فصل است **فصل اول** در بیان خللی که عمداً و سهواً نماز را باطل کند **فصل دویم** در بیان خللی
که عمداً نماز را باطل کند نه سهواً **فصل سیم** در بیان خللی که نماز را باطل نکند و تدارک و سجدهٔ سهو لازم نکردد **فصل چهارم**
در بیان خللی که تدارک فقط لازم شود بدون سجدهٔ سهو **فصل پنجم** در بیان خللی که هم تدارک لازم کردد و هم سجدهٔ سهو
فصل ششم در بیان خللی که سجدهٔ سهو لازم شود بدون تدارک **فصل هفتم** در بیان خللی که موجب نماز احتیاط
کردد با سجدهٔ سهو یا بی سجدهٔ سهو **خاتمه** در بیان واجبات نمازهای دیگر غیر نماز یومیه **اما** مقدمه نماز یومیه واجبست
بنص و اجماع و کسی قایل بخلاف آن نشده و کسی که ترک نماز را حلال داند کافر است و در کذاردن نماز ثواب عظیم است
و در حدیث بطریق اهل بیت وارد شده که نماز فریضه بهتر است از بیست حج و هر حجی بهتر است از خانهٔ که پر از طلا باشد
و آنرا در راه خدا تصدق کنند تا همه آن بر طرف شود و در حدیث دیگر از اهل بیت وارد است که بنده نزدیک نمیشود
بخداوند عالمیان بهیچ چیز بعد از شناختن خدا که افضل از نماز باشد و واجبست نماز بر هر بالغ و عاقلی مکر زن حایض و
صاحب نفاس که تا بر آنحالند نماز از ایشان ساقط است و شرط است در صحت نماز اسلام نه در واجب بودن آن یعنی نماز بر کافر
نیز واجبست اما اگر آنرا بکذارد صحیح نیست و واجبست پیش از فعل نماز معرفت خدا و آنچه صحیح است بر آن و آنچه ممتنع است
از او و باید معتقد بود بعدل او و حکمت او و باید که معتقد بود به نبوت پیغمبر ما محمد و امامت دوازده امام و اقرار بجمیع
آنچه پیغمبر آورده و باید که کل آنها را بدلیل بداند نه بتقلید پس مکلف بنماز در زمان غیبت معصوم از رعیت دو صنف اند یا مجتهد
است و لازم او است دلیل بر هر فعلی از افعال نماز و یا مقلد است و مقلد را کافی است فرا کرفتن از مجتهد هرچند بواسطه یا
بوسایط باشد اما باید که آن واسطه و وسایط همه عادل باشند پس اگر کسی اعتقاد نداشته باشد بآنچه مذکور شد و مسائل
نماز را فرا نکرفته باشد از مجتهد هرچند بواسطه یا بوسایط باشد نماز او صحیح نخواهد بود و چون صحت نماز موقوف بطهارتست لهذا بیان
نجاسات و مطهرات و احکام آنها را بر سایر مسائل مقدم داشته در مقدمه کتاب ذکر نمودیم و نجاسات ده چیزند موافق مشهور و بعضی یازده چیز کفته‌اند

وسبب اختلاف آنست که بعضی شیرهٔ انکور که بجوش آید و دو حصهٔ آن نرفته باشد داخل نجاسات
شمرده‌اند و بعضی نشمرده‌اند اما رفتن دو حصهٔ آنرا از جملهٔ مطهرات میدانند فقیر موافق
مشهور نجاست را بیان نمودم و در آخر شیرهٔ انکور را نیز احتیاطاً مذکور ساختم و در این

جدول بیان نجاسات شده بعون الله تعالی

اول بول	دویم غایط	سیم خون
از هر حیوانی که کوشت او حرام باشد و رک جهنده داشته باشد یعنی کو رک او بریده شود خون بجهد	از هر حیوانی که کوشت او حرام باشد و رک جهنده داشته باشد و اکر کوشت او حلال باشد بول و غایط او پاک است	از هر حیوانی که رک جهنده داشته باشد و کفته‌اند که خونی که در عروق کوسفند بعد از رفتن خون ذبح باقی مانده پاک است
چهارم منی	پنجم میته یعنی مرده	ششم سک
از هر حیوانی که رک جهنده داشته باشد خواه کوشت او حلال و خواه حرام باشد که منی او نجس است	از هر حیوانی که رک جهنده داشته باشد خواه کوشت او حلال باشد و خواه حرام مکر مردهٔ مسلمان که او را غسل داده باشند که او پاکست	و کفته‌اند سکی که در خشکی میباشد نجس است اما سکی که در آب میباشد پاک است
هفتم خوک	هشتم کافر	نهم هر مست کننده که در اصل روان باشد
و او نیز نجس است اما آن خوکی که در خشکی میباشد و خوک آبی را علما کفته‌اند که پاک است	نجس است خواه ذمی و خواه حربی و خواه اهل کتاب موافق مشهور و بعضی از علمای یهود و نصاری را پاک میدانند اما اکثر آنها را نیز نجس میدانند	نجس است مثل شراب و غیره و اکر مست کننده باشد که در اصل خشک باشد پاکست هرچند که او را آب داخل کنند و روان شود
دهم بوزه که در حکم مست کننده است	یازدهم شیرهٔ انکور بعد از جوشیدن	و پیش از رفتن دو حصهٔ آن
و بوزه را بیشتر از آب جو میسازند و کویا از چیزهای دیکر هم میسازند و بعضی از فقها این را از جملهٔ نجاسات شمرده‌اند اما رفتن دو حصهٔ آنرا از جملهٔ مطهرات میدانند		

جدول در بیان مطهرات و بعضی آنها را ده چیز و بعضی دوازده چیز شمرده‌اند و فقیر دوازده [illegible] بیان میکنم چون اکثر علما این دوازده چیز را مطهر شمرده‌اند

اول آب	دویم زمین	سیم آفتاب
و آن پاک کننده اکثر نجاستها باشد که قبول پاک شدن داشته باشد و بعضی از نجاسات پاک نکردد مثل سک و خوک و کافر	و آن پاک کنندهٔ کف و کف پا و ته موزه است هر کاه بروی زمین راه روند و از آنها عین نجاست بر طرف شود یعنی عین نجاست برطرف شود	و آن حصیر و بوریا و زمین و درخت و هر چیزی که نقل و تحویل نتوان داد پاک کند اما باید که از تابیدن آن خشک کند و عین نجاست باقی نماند
چهارم آتش	پنجم استحاله یعنی از حالی بحالی شدن	ششم نقص یعنی کم شدن
و آتش هر چیزی را که بسوزاند و خاکستر یا زغال کند پاک کردد و اکر از کل نجس خشت سازند و آنرا [illegible] اظهر بقای نجاست زغال و [illegible] پاکی آن خلاف کرده‌اند و شیخ طوسی آنرا پاک میداند	مثل آنکه مرده که خاک شود پاک شود و منی کوسفند و غیره نجاست اما چون از آن حیوانی پاک حاصل شود پاک کردد	مثل آنکه شیرهٔ انکور چون از جوشیدن دو حصهٔ آن برود و یک حصه بماند پاک شود و از جمله چون آب [illegible] بکشند پاک شود
هفتم انتقال یعنی نقل کردن از جائی بجائی	هشتم انقلاب یعنی برکشتن چیزی بچیزی	نهم برطرف شدن عین نجاست
مثل خون آدمی نجس است اما چون بشکم پشه یا کیک یا شپش رود پاک کردد و این را انتقال کویند	مثل شراب که نجس است و چون سرکه شود پاک کردد پس شراب سرکه برکشته و این را انقلاب میکویند	یعنی اکر حیوانی نجس شود و عین نجاست از او زایل شود پاک کردد خواه آن حیوان از نظر غایب شود یا نشود و اما آدمی این حکم ندارد
دهم مسح بجسم پاک	یازدهم اسلام	دوازدهم تبعیت
و آن در صورتیست که اطراف مخرج غایط آلوده باشد پس آن بمالیدن سنگ یا کلوخ یا پاره یا پنبه یا سر چوب پاک کردد و شستن آن درکار نیست	و از جملهٔ مطهرات اسلام است و اسلام پاک کنندهٔ بدن مسلمان از نجاست کفر و در پاکی جامه آن خلاف کرده‌اند و اکثر بر آنند که پاک نکردد	و تبعیت نیز از جملهٔ مطهرات است مثل آنکه مسلمانی طفل کافری را اسیر کند پس آن طفل به تبعیت آن مسلمان پاک کردد

وچون اکثر نجاستها باب میشود لهذا فقیر احکام آبها را بتفصیل ذکر نمودم موافق رأی شیخ شهید علیه الرحمه از کتاب شرح لمعه وآب بر سه قسم است اوّل آب مطلق دوّم آب مضاف سیّم آب اسار وآب مطلق بر چهار قسم است اوّل جاری دوّم آب ایستاده سیّم آب چاه چهارم آب باران وآب ایستاده یا زیاده بر کر است یا بقدر کر یا کمتر از کر وکر در وزن هزار و دویست رطل عراقیست موافق مشهور و رأی شیخ شهید وقدر هر رطلی صد و سی درم است موافق مشهور و درم درهمی که میزنند اند بوزن چهل وهشت جو متوسطه است یعنی جوی که نه بسیار بزرگ باشد ونه بسیار کوچک بلکه میانه باشد در بزرگی وکوچکی پس هر رطلی شش هزار و دویست و چهل جو متوسطه است و یک کر هفت هزار هزار و یکصد و چهل جو متوسطات وآبی که سه وجب و نیم در طول و سه وجب و نیم در عرض و سه وجب و نیم در عمق باشد کر است موافق مشهور و بمساحت چهل و دو وجب و هفت ثمن وجب است بوجب مستوی الخلقه و در این جدول تعریف آب مطلق و مضاف و اسار شده و بیان حکم هر یک نیز بعد از این در این جدول ها خواهد شد

وآب مطلق آبیست که در عرف وعادت آنرا آب گویند بی آنکه او را قید کنند بچیزی	وآب مضاف آنست که باضافه بچیزی گفته شود مثل گلاب وآب لیمو وغیره	وآب اسار آب قلیلی است که حیوانی عضوی از اعضای خود را باو رسانیده باشد

جدول در بیان پاکی و پاک کنندگی این سه آب و بیان نجاست و طهارت هر یک

واما آب مطلق در اصل پاک و پاک کننده اکثر نجاستها بود که قبول پاک شدن بآب مطلق داشته باشد	وآب مضاف پاک باشد اما پاک کننده نجاست نباشد و پاک کننده نجاست حکمی نیز نباشد موافق مشهور	وآب اسار در پاکی ونجاست وکراهت تابع حیوانیست که با او ملاقات کرده است اگر آن حیوان پاکست او نیز پاکست والا فلا

جدول در بیان طریق نجس شدن هر یک از این سه آب و طریق پاک شدن هر یک

وآب مطلق نجس میشود هرگاه که رنگ یا بو یا مزه آن بنجاست تغییر کند خواه قلیل باشد و خواه کثیر و طریق نجاست و طهارت آن بعد از این مذکور میشود و اگر قلیل باشد برسیدن نجاست نجس گردد هرچند که تغییر نکند	وآب مضاف برسیدن اندک نجاستی نجس میشود خواه بقدر کر یا زیاده بر کر یا کمتر از کر باشد و پاک میشود هرگاه که متصل شود بآب کثیر مطلق وآب مطلق شود	وآب اسار اگر سؤر حیوان نجس باشد نجاست و اگر سؤر حیوان پاک باشد حکم آب قلیل مطلق دارد که برسیدن نجاست نجس گردد و چون بآب کثیر مطلق ملاقات کند پاک گردد

جدول در بیان اقسام آب مطلق [illegible] در نجس شدن و پاک شدن هر یک

وآب جاری آبی را گویند که از زمین بجوشد غیر آب چاه	وآب ایستاده یا کر است و زیاده بر آن یا کمتر از کر و بیان حکم هر دو شده		وآب باران یا در باریدنست یا ایستاده و بیان حکم هر دو شده		وحکم آب چاه غیر حکم آبهای دیگر است
نجس میشود هرگاه که رنگ یا بو یا مزه آن بنجاست تغییر کند خواه آب جاری روان باشد و خواه ایستاده و برسیدن نجاست نجس نگردد هرچند که کمتر از کر باشد موافق مشهور	اگر کر یا زیاده بر کر باشد یا رنگ یا بو یا مزه آن بنجاست تغییر نکند نجس نگردد	واگر کمتر از کر باشد برسیدن نجاست نجس شود هرچند که رنگ یا بو یا مزه آن متغیر بنجاست نشود	اگر در باریدن باشد حکم آب جاری دارد که تا بو یا مزه یا رنگ آن متغیر بنجاست نشود نجس نگردد	واگر ایستاده باشد اگر آب جمع شده آن بقدر کر یا زیاده بر کر باشد حکم آب کر دارد واگر کمتر باشد حکم آب کمتر از کر دارد	ودر نجس شدن آب چاه برسیدن نجاست خلاف کرده اند نجس شدن مشهور است آنکه آب چاه برسیدن نجاست نجس میشود هرچند بقدر کر یا زیاده بر کر باشد
و پاک میشود آب جاری هرگاه که تغییر او برطرف شود خواه بسبب امر خارج و اگر رنگ یا بو یا مزه آب خود بخود بگردد مادام که آنرا آب مطلق گویند پاک و پاک کننده باشد	و پاک شود هرگاه که تغییر او برطرف شود و ملاقات کند بکر پاک اما باید برطرف شدن تغییر یا پیش از ملاقات کر باشد یا با ملاقات کر	و پاک میشود هرگاه که ملاقات کند بکر پاک یا متصل بآب جاری گردد بنحوی که آنرا اتصال گویند	و پاک میشود هرگاه که تغییر او برطرف گردد خواه بباریدن باران وخواه بچیز دیگر	ودر پاکی نیز حکم آب کر نجس بآب کر و کمتر از کر نجس دارد و بیان حکم هر دو پیش از این شد	وچون قدر معینی که از برای هر نجاستی مقرر فرموده اند کشیده شود پاک گردد و حکم آب چاه بعد از این بتفصیل بیان خواهد شد

جدول

جدول در بیان حکم آب چاه وآن چنانست که از برای هر نجاستی معین کرده اند که چه قدر آب باید کشید تا چاه پاک گردد و چون آنمقدار آب بکشند چاه پاک شود و از برای بعضی نجاستها که معین نشده که چه قدر آب باید کشید تا چاه پاک شود اکثر علما برآنند که تمام آب چاه را باید کشید پس اگر چاهی باشد که هرچند آبرا بکشند تمام نشود باید که چهار مرد تراوح کنند یعنی دو مرد آب بکشند تا مانده شوند دو مرد دیگر بیایند وآب بکشند تا مانده شوند دو مرد دیگر بیایند وآب بکشند تا مانده شوند وبعد از آن باز آن دو مرد اول بکشند وهمچنین آب بکشند یک روز تمام از طلوع آفتاب تا غروب و چاه پاک گردد واگر آب چاه متغیر شود بنجاستی که او را مقدری باشد پس اگر در اثنای کشیدن آب مقدر تغییر او برطرف شود باید که آب مقدر را بکشند واگر آب مقدر را بکشند وهنوز تغییر باقی باشد آنقدر آب بکشند که تغییر او برطرف شود و جمیع آنچه که بعد از این در جدول مذکور میشود که اگر در چاه افتد فلان قدر آب باید کشید در صورتیست که آن حیوان در چاه بمیرد واگر زنده بیرون آید آن حکم ندارد وجمیع هر حیوانی حکم بزرگ آن دارد در کشیدن آب چاه

اگر شتر در چاه افتد و بمیرد	اگر گاو نر در چاه افتد و بمیرد	اگر شراب در چاه بریزد هرچند اندک باشد
تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید
اگر مست کننده که در اصل روان باشد بچاه بریزد	اگر بوزه در چاه بریزد	اگر خون حیض یا نفاس در چاه بریزد
تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید
اگر خون استحاضه در چاه بریزد	اگر منی در چاه بریزد و این در لمعه نیست اما مشهور است	اگر خر در چاه افتد و بمیرد و بعضی استر را نیز گفته اند
تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید	بقدر یک کر آب باید کشید
اگر گاو ماده در چاه افتد و بمیرد	اگر اسب در چاه افتد و بمیرد	اگر انسان در چاه افتد و بمیرد
بقدر یک کر آب باید کشید	بقدر یک کر آب باید کشید	هفتاد دلو آب باید کشید
اگر خون بسیار مثل خون ذبح گوسفند در چاه بریزد	اگر غایط تر در چاه افتد	اگر خرگوش در چاه افتد و بمیرد
پنجاه دلو آب باید کشید	پنجاه دلو آب باید کشید	چهل دلو آب باید کشید
اگر گوسفند در چاه افتد و بمیرد	اگر روباه در چاه افتد و بمیرد	اگر سگ در چاه افتد و بمیرد
چهل دلو آب باید کشید	چهل دلو آب باید کشید	چهل دلو آب باید کشید
اگر گربه در چاه افتد و بمیرد	اگر خوک در چاه افتد و بمیرد	اگر بول مرد در چاه بریزد
چهل دلو آب باید کشید	چهل دلو آب باید کشید	چهل دلو آب باید کشید
اگر آب باران ممزوج ببول باشد و عذره و فضله سگ در چاه بریزد	واگر عذره خشک در چاه افتد و از هم نپاشد	واگر کبوتر وانچه در جثه از او بزرگتر در چاه افتد و بمیرد
سی دلو آب باید کشید	ده دلو آب باید کشید	هفت دلو آب باید کشید
اگر موش در چاه افتد و بمیرد و باد کند	اگر بول پسر که سن او زیاده بر دو سال باشد و بالغ نشده باشد در چاه بریزد	اگر جنبی که بدنش خالی از نجاست عینی باشد در چاه غسل کند
هفت دلو آب باید کشید	هفت دلو آب باید کشید	هفت دلو آب باید کشید
اگر سگ در چاه افتد و زنده بیرون آید	اگر فضله مرغ نجاست خوار در چاه افتد	اگر خون کم مثل خون ذبح کبوتر در چاه بریزد
هفت دلو آب باید کشید	پنج دلو آب باید کشید	ده دلو آب باید کشید
اگر مار در چاه افتد و بمیرد	واگر گنجشک وامثال آن از کبوتر کوچکتر باشد در چاه افتد	اگر موش در چاه افتد و بمیرد و باد نکرده باشد
سه دلو آب باید کشید	یک دلو آب باید کشید	سه دلو آب باید کشید

و شیخ شهید علیه الرحمه در کتابهای دیگر خود گفته که از برای استر نیز یک کر آب باید کشید	و فقها گفته اند که اگر بول پسر شیرخواره که اکثر غذای او شیر باشد در چاه بریزد یک دلو آب باید کشید

واز جملهٔ نجاستها بعضی بیک شستن پاک کردد و بعضی را دو مرتبه باید شست تا پاک کردد و بعضی را سه بار باید شست تا پاک کردد و بعضی را یکبار بخاک باید مالید و دو بار باب باید شست و بعضی را هفت مرتبه باید شست تا پاک کردد و بیان هر یک از اینها درین جدولها شد

نجاستی که بیک شستن پاک کردد	نجاستی که دو بار باید شست	نجاستی که سه بار باید شستن تا پاک کردد	نجاستی که یکبار بخاک باید مالید و دو بار باید شست تا پاک کردد	نجاستی که هفت بار باید شست تا پاک کردد
و آن بول پسر شیرخواره است که اگر بدن یا جامه بآن نجس شود و خواهند که او را باب قلیل طهارت دهند بیک آب ریختن پاک کردد و جامه را احتیاج بفشردن نیست	و آن بکرتبه شستن در جمیع نجاسات بعد از ازالهٔ عین نجاست الا بول که در صورتیست که جامه بغیر بول پسر شیرخوار نجس شود و خواهند که او را باب قلیل طهارت دهند یکبار آب باید ریخت و فشرد و بار دیگر آب بریزند پاک کردد و اگر بدن باشد دو بار آب باید ریخت	و آن میت است که سه مرتبه آنرا غسل باید داد یکبار باب سدر و یکبار باب کافور و یکبار باب خالص پاک و غسل میت نیز مثل غسل جنابت که هم غسل ترتیبی و هم غسل ارتماسی توان داد	و آن در صورتیست که سگ ظرفی را بلیسد و خواهند که او را باب قلیل طهارت دهند اولا او را بخاک باید مالید و دو مرتبه باید شست و باب کثیر یکبار باید خاک مالیدن در آب نیز معتبر و نجست اما احوط بعد از آنکه یکبار بخاک باید مالیده باشد	و آن در صورتیست که خوک ظرفی را بلیسد و خواهند که او را باب قلیل طهارت دهند و همچنین اگر ظرف در شراب افتد سه مرتبه کافیست نجس شود و موش نیز این حکم دارد و بعضی هفت مرتبه شستن را سنت میدانند
واز جملهٔ نجاستها پنج	نجاست است کرد در نماز	معفوند و شستن آنها	در نماز در کار نیست	و در این جدول بیان آنها شد
اول	دوم	سیم	چهارم	پنجم
کسی که جراحت یا دملی داشته باشد که خون از آن روان باشد و نه ایستد پس با آن خون نماز میتوان کرد تا و قتی که آن دمل یا جراحت به شود و احتیاج بشستن آن نیست هرچند که آن خون زیاده بر درهم بغلی باشد	خونی که کمتر از درهم بغلی باشد با آن خون نماز میتوان کرد و درهم بغلی را گفته اند مقدار بند بالای شصت است و بعضی گفته اند مقدار گودی کف دست و باید که آن خون غیر خون حیض و استحاضه و نفاس باشد و بعضی گفته اند که غیر خون سگ و خوک و کافر باشد و غیر این سه خون باشد که مذکور شد	[illegible]	جامه که ما لا یتم الصلوة به تنهائی یعنی عورت را بتنهائی نپوشاند مثل بند زیر جامه و بند جاقشور و عرقچین و غیره اگر نجس باشد نماز با آن میتوان کرد و گفته اند هرچند که آن نجس نجس حیض و استحاضه و غیره نجس شده باشد نماز صحیح است	هر نجاستی که ازالهٔ آن متعذر باشد نماز با آن میتوان کرد مثل آنکه کسی یک جامه داشته باشد و آن نجس شده باشد و آب نباشد که آنرا بشوید و سرما بسختی باشد که برهنه نماز نتواند کرد با آن جامه اگر نماز کند نمازش صحیح باشد

در بیان حکم آب غساله و غساله حکم محل دارد یعنی آن آب که چیز نجسی را بشویند یعنی هرگاه که چیز نجسی را بشویند آبی که از شستن او جدا شود و اگر آن آب ببدن یا جامه برسد آنرا دو بار باید شست و اگر آب باشد که از شستن دویم جدا شود و ببدن یا جامه برسد آنرا یکبار باید شست و این موافق قول [illegible]

در بیان حکم آب استنجا و آب استنجا آبی را گویند که با موضع غایط داشته باشند و آب استنجا پاک است هرگاه متغیر بنجاست نشده باشد و ملاقات بنجاستی از خارج نکرده باشد غیر نجاست مخرج غایط موافق قول محقق

در بیان حکم آبی که بآن وضو ساخته باشند و آبی که آنرا در وضو استعمال کرده باشند هم پاک است و هم پاک کننده یعنی مرتبهٔ دیگر با آن وضو میتوان کرد و ازالهٔ نجاست نیز بآن توان نمود

در بیان حکم آبی که غسل کرده و آب قلیل که آنرا در غسل استعمال کرده باشند پاک است بشرط آنکه پیشتر ازالهٔ نجاست از بدن کرده باشد و آیا بار دیگر بآن رفع حدث میتوان کرد در آن خلافست و احوط آنست که بار دیگر بآن رفع حدث نتوان کرد بنابر محقق و اقتداء قول احوط واجبست

در بیان حکم آب مشتبه بنجس اگر کسی را دو ظرف آب باشد و یکی از آنها نجس شود و بر آن شخص مشتبه شود و نداند که کدام ظرف نجس و کدام پاک است واجبست که از هیچ کدام وضو نسازد و اگر بغیر از آن دو آب آب دیگر نداشته باشد باید که تیمم کند و وضو بهیچ یک از آنها نسازد

در بیان حکم آب مشتبه بمضاف و اگر دو آب باشد یکی مطلق و یکی مضاف و مشتبه شود گفته اند که از هر یک وضو علیحده باید ساخت زیرا که یکی از این دو وضو صحیح خواهد بود تمام شد احکام آبها و بعد از این بیان نمازهای واجب و بیان مقدمات نماز خواهد شد بتوفیق الله تعالی

[illegible]

واما نماز یا واجبست یا سنت و در اینجا بیان نمازهای واجب میشود و اقسام نماز واجب هفت است چنانچه در این جدول بیان شد

اول	دویم	سیم	چهارم
نماز وقت شبانه روزی که نماز صبح و ظهر و عصر و شام و خفتن است	نماز دو رکعتی روز جمعه که آن نماز در روز جمعه بجای نماز پیشین است	نماز عیدین که روز عید ماه مبارک رمضان و عید قربانست	نماز آیات یعنی که رفتن آفتاب و ماه و زلزله و بادهای سرخ و سیاه و هر امر آسمانی که باعث ترس باشد
پنجم	ششم	هفتم	هشتم
نماز طواف خانهٔ خدا و آن نیز دو رکعت نماز است و بعد از این بتفصیل مذکور میشود	نماز میت و شروط و واجبات آن نیز بعد از این بتفصیل بیان خواهد شد	نماز نذر مثل آنکه کسی نذر کند که دو رکعت نماز بجا آورد بر او لازم کردد که آنرا بجا آورد	نماز شبیه بنذر مثل نمازی که بعهد یا بقسم لازم کرده یا کسی نماز میتی را اجاره کند یا نمازی که از پدر فوت شود بر پسر قضای آن لازم کردد

وآنچه تعلق بنماز دارد بر دو قسم است یا واجبست یا سنت و در اینجا بیان واجبات میشود باب اول در مقدمات نماز یعنی چیزی چند که پیش از نماز بجا باید آورد تا نماز صحیح باشد و آنها شش چیزند چنانچه مجملاً در این جدول بیان آنها شده است

اوّل	دویم	سیم
طهارتست و طهارت اسم است از برای چیزی که سبب مباح بودن نماز کردد از وضو و غسل و تیمم	برطرف کردن نجاسات از بدن و جامه و طریق ازالهٔ آنها از بدن و جامه بعد از این مذکور خواهد شد انشاء الله	پوشیدن مرد عورتین را و پوشانیدن زن جمیع بدن را بغیر رو و کفدستها و پشت پاها و احکام لباس نیز مذکور خواهد شد
چهارم	پنجم	ششم
رعایت کردن وقت که هر نمازی را در وقت آن بجا آورند و بیان وقت نمازها بعد از این خواهد آمد	رعایت مکان یعنی مکانی که در آن نماز کنند باید که مکانی باشد که نماز کردن در آن صحیح باشد چنانکه بعد از این بیان خواهد شد	رعایت قبله کردن یعنی باید که جهت قبله را معلوم کند اگر معلوم نباشد و رعایت استقبال آن کنند چنانکه بیان خواهد شد

مقدمهٔ اول در بیان طهارت که آن وضو و غسل و تیمم است و موجبات وضو و غسل چهارده چیزند یعنی این چهارده چیز باعث وضو ساختن یا غسل[٢] میشوند و از این جمله هشت چیز باعث وضو ساختن کردد و چهار چیز باعث وضو و غسل باشد و دو چیز باعث غسل کردن کردن[٢]

چنانکه هر یک از این جدول معلوم میشود جدول در بیان چیزهائی که باعث وضو ساختن میشود

اول	دویم	سیم	چهارم
بول که از موضع معتاد بود یا غیر موضع معتاد که موضع معتاد شود چنانکه فقها ذکر کرده اند	غایط که از موضع معتاد بود و او نیز مثل بولست که اگر غیر موضع معتاد موضع معتاد شود همان حکم دارد	باد که از موضع معتاد بود و اگر موضع معتاد در غیر موضع معتاد واقع شده باشد حکم موضع معتاد دارد در هر صورت	خوابی که غلبه کند بر چشم و گوش اگر بینا و شنوا باشد و الا آن قدر خواب که بینا و شنوا را ناقض وضو باشد
پنجم	ششم	هفتم	هشتم
هر چیز که عقل را زایل کند خواه مستی باشد و خواه بیهوشی و خواه دیوانگی	استحاضهٔ قلیله و استحاضهٔ قلیله آنست که خون پنبه را آلوده کند اما آنرا فرو نگیرد و از او در نگذرد	یقین در حدث و شک در وضو یعنی یقین داند که حدث از او سر زده است و شک داشته باشد در ساختن وضو	یقین در حدث و وضو و شک در آنکه کدام آخر بوده یعنی یقین داند که حدث از وی سر زده و یقین داند که وضو ساخته اما شک کند در آنکه کدام آخر واقع شده

در بیان چیزهائی که باعث وضو ساختن وغسل کردن میشوند

اول	دویم	سیم	چهارم
حیض واقل آن سه روزاست و اکثر آن ده روز وخون کمتر از سه روز حیض نیست وخونی که از ده روز بگذرد آن زیاده حیض نباشد	نفاس وآن خونیست که بولادت آید یا بعد از آن وپیش از ولادت نفاس نباشد واقل آن لحظه بود واکثر آن ده روز بقول مشهور نعم	استحاضه متوسطه وکثیره واستحاضه متوسطه آنست که خون پنبه را فرو گیرد واز او در نگذرد وکثیره آنست که از پنبه در گذرد	رسانیدن عضوی از اعضا بمیت آدمی هرگاه بخس باشد یعنی بعد از مردن سرد شده باشد واو را غسل نداده باشد یا غیر شهید که آن پاک است
در بیان چیزهائی که باعث	غسل شوند	در بیان موجبات تیمم یعنی	جدول در بیان چیزی چند که سبب وضو وغسل وتیمم میشوند
اول	دویم	اموری که باعث تیمم میشوند	غیر آنچیزهائی که پیشتر مذکور شد
جنابت وآن وضو را باطل کند اما موجب غسل باشد تنها وسبب آن دو چیز است یکی انزال منی خواه در خواب خواه در بیداری دویم پنهان شدن حشفه در قبل یا دبر [illegible] خلاف کرده اند	موت یعنی هرگاه کسی بمیرد ومسلمان باشد یا در حکم مسلمان واجبست که او را غسل بدهند مگر شهید که او را غسل نباید داد	وهر چیزی که سبب وضو ساختن یا غسل کردن گردد باعث تیمم نیز میگردد اما در صورتی که وضو ساختن یا غسل کردن مقدور نباشد پس آن چهارده چیزاست سبب وضو وغسل سبب تیمم میشوند هرگاه وضو ساختن یا غسل کردن مقدور نباشد	وگاه هست که واجب میشود وضو یا غسل یا تیمم بسبب نذر یا عهد یا قسم یا کسی که عبادت میتی را اجاره کرده باشد یا مردی بمیرد ونماز او قضا شده باشد وبر پسر او بجا آوردن آن واجب گردد پس بسبب هر یک از این امور وضو یا غسل یا تیمم واجب گردد

در بیان اموری که وضو یا غسل یا تیمم از برای آنها باید کرد وآنها سه چیزند چنانکه در این جدول بیان شده

اول	دویم	سیم
نمازی که بی طهارت صحیح نیست مگر نماز میت که بی طهارت میتوان کرد با وجود جنابت یا حیض	طواف خانه کعبه که آنرا بی طهارت نمیتوان کرد مگر طواف سنت که آنرا بی وضو میتوان کرد	رسانیدن عضوی از اعضا بخط مصحف که آنرا نیز بی طهارت مس نمیتوان کرد

در بیان اموری که از برای آنها غسل باید کرد واگر غسل کردن مقدور نباشد تیمم باید کرد ووضو را در این صورت دخلی نیست

اول	دویم	سیم
اگر کسی جنب باشد یا از حیض یا نفاس پاک شده باشد وغسل نکرده باشد وخواهد که داخل مسجد مکه یا مدینه گردد واجبست که غسل کند تا داخل آن دو مسجد تواند شد وهمچنین اگر زن استحاضه متوسطه یا کثیره داشته باشد ودر غسل اخلال کرده باشد	هرگاه جنب یا حایض یا زنی که صاحب نفاس باشد یا زنی که استحاضه داشته وغسل نکرده باشد وخواهد در مسجدی مکث نماید هر مسجدی که باشد غیر مسجد مکه ومدینه باید که غسل کند واگر غسل کردن مقدور نباشد تیمم کند تا مکث در مسجد تواند نمود	هرگاه جنب یا حایض یا زنی که صاحب نفاس باشد یا استحاضه داشته باشد خواهد که سوره عزیمه بخواند یعنی سوره که سجده واجب دارد یا خواهد که بعضی از آن سوره ها را بخواند هر چند که یک آیه باشد باید غسل کند واگر غسل کردن مقدور نباشد تیمم کند تا قرائت آن تواند نمود واگر بسم الله نیز بقصد آن سوره خواهد که بگوید باید که غسل کند

جائی که مخصوص غسلست ووضو وتیمم را دخلی نیست	جائی که مخصوص تیممست ووضو وغسل را دخلی نیست
آن در صورتیست که جنب یا حایض یا صاحب نفاس پاک شده باشد یا زنی که استحاضه متوسطه یا کثیره داشته باشد وخواهد که روزه بگیرد باید که پیش از صبح غسل کند واگر غسل کردن مقدور نباشد تیمم کردن بدل از غسل واجب نیست وشیخ شهید علیه الرحمه میگوید که در این صورت اولی آنست که تیمم کند هرگاه که غسل کردن مقدور نباشد در این صورت واجبست که تیمم کند	آن در صورتیست که جنب یا حایض خواهند که از مسجد مکه یا مسجد مدینه بیرون آیند باید که تیمم کنند وبیرون آیند مثل آنکه کسی در یکی از آن دو مسجد بخوابد ومحتلم شود یا زنی در یکی از آن دو مسجد حایض شود باید که تیمم کند وبیرون آید

مقدمه اول نماز در بیان طهارت که آن اسم از برای وضو وغسل وتیمم است وواجبات وضو دوازده چیز است

اول نیت است وباید نیت مقارن شستن ابتدای رو باشد وبحکم نیت بودن تا فارغ شدن از وضو	دویم شستن رو از رستنگاه موی سر تا زنخ در طول ودر عرض آنچه شصت وانگشت میانی فرو گیرد وواجبست در شستن رو از بالا بزیر آید	سیم شستن دستها وباید که آنرا از آرنج شروع کرده تا سر انگشتان بشوید واول دست راست را بشوید وبعد از آن دست چپ را واگر چیزی مانع رسیدن آب باشد ببشره مثل انگشتر تنگ واجبست که آنرا حرکت دهد تا آب بزیر آن برسد
چهارم مسح کشیدن بر موی پیش سر یا بشره آن ببقیه آب وضو ومسح کشیدن سر بقدر یک انگشت هم اگر باشد کافی است وجایز است در مسح سر که از پایین ببالا رود	پنجم مسح بشره پاها از سر انگشتان تا بند پاها بقدر آنکه آنرا مسح کشیدن گویند وباید که مسح پا نیز از تری آب وضو باشد [illegible] کراول پای راست را مسح کند وجایز نیست که از بند پا شروع کرده بزیر آید [illegible] شیخ شهید علیه الرحمه	ششم واجبست ترتیب که اول رو بشوید وبعد از آن دست راست وبعد از آن دست چپ را وبعد از آن مسح سر کند وبعد از آن مسح پاها کشیدن تا ساق واحوط آنست که در پاها نیز چون بعضی ترتیب را شرط میدانند بهتر آنست که اول پای راست را مسح کند وبعد از آن چپ را ترتیب واجب است
هفتم موالات وآن پی در پی کردن افعال وضوست بعینه که اعضای سابقه خشک نشود مگر آنکه بسبب عذری باشد مثل آنکه هوا گرم باشد وآب کم وتا عضوی دیگر را بشوید عضو دیگر خشک شود	هشتم واجبست که خود افعال وضو را بجا آورد واگر کسی دیگر او را وضو دهد وضو باطل گردد مگر آنکه او را عذری باشد مثل آنکه دستهایش شل باشد	نهم باید که آب وضو هم پاک باشد وهم پاک کننده موافق مشهور وگلاب وغیره اگر چه پاک کنند اما پاک کننده نیستند وباید که اعضای وضو نیز پاک باشد
دهم باید که آب وضو مباح باشد اگر وضو با آب غصبی بسازد ودانند که آن آب غصبی است وضو باطل گردد	یازدهم واجبست که آب را بر اعضائی که باید شستن جاری کند که اگر دست را تر کند وبر آن اعضا بمالد وضو باطل گردد واما مسح در دست تر کشیدن کافیست	دوازدهم باید مکانی که در وقت وضو در آن قرار گیرد مباح باشد که اگر وضو بسازد در مکان غصبی ودانند که آنمکان غصبی است ونتواند که در جائی دیگر وضو بسازد وضو باطل گردد

جدول دویم در بیان غسل وواجبات آن دوازده چیزاست

اول نیت است وباید نیت مقارن باشد بشستن جزئی از سر اگر غسل ترتیبی باشد ومقارن باشد بشستن تمام بدن اگر غسل ارتماسی باشد یعنی مقارن فرو رفتن در آب نیت کند	دویم شستن سر وگردنست وآنچه از گوشها ظاهر باشد ورسانیدن آب بزیر موی که مانع باشد از رسیدن آب ببشره	سیم شستن جانب راست وناف وعورتین را باید که با هر دو طرف بشوید تا مابین شستن جانبین مختار است وناف را با هر طرفی که خواهد بشوید
چهارم شستن جانب چپ است وعورتین را با هر طرفی که خواهد بشوید وبهتر آنست که با هر دو طرف بشوید	پنجم واجبست حرکت دادن چیزی که مانع باشد از رسیدن آب ببشره در هر عضوی که باشد مثل انگشتر وغیره	ششم اگر در اثنای غسل حدث اصغری صادر شود غسل را تمام کند ووضو هم بسازد واحتیاطا غسل را اعاده کند حدث در اثنای غسل نکند نه حدث اصغر ونه حدث اکبر
هفتم باید که خود افعال غسل را بجا آورد اگر تواند واگر نتواند جایز است کسی دیگر او را غسل دهد	هشتم ترتیب است چنانکه مذکور شد وپی در پی شستن اعضا در غسل ترتیبی در کار نیست	نهم باید که آب غسل پاک باشد ومضاف نباشد وباید که اعضای غسل پاک باشد
دهم باید که آب غسل مباح باشد که اگر غسل کند با آب غصبی وداند که آن آب غصبی است غسل باطل گردد	یازدهم باید که آب را بر اعضا جاری سازد که اگر دست را تر کند وبر اعضا بمالد غسل باطل گردد	دوازدهم باید که مکان غسل مباح باشد واگر در اثنای غسل در عضوی شک کند بر گردد وآن عضو را با ما بعد بشوید

جدول سیم در بیان تیمم وواجبات آن دوازده چیزاست

اول نیت وباید که مقارن زدن دستها بر زمین نیت کند وبحکم نیت باشد تا فارغ شدن از تیمم	دویم باید که کف هر دو دست را بر زمین زند اگر تواند واگر نتواند آنچه مقدور باشد از دستها بر زمین زند	سیم مسح پیشانی نماید از رستنگاه موی سر تا طرف بالای بینی واحوط آنست که بمجموع هر دو دست [illegible] از بالا مسح کند [illegible]
چهارم مسح پشت دست راست نماید بکف دست چپ از بند دست تا سر انگشتان	پنجم مسح پشت دست چپ نماید بکف دست راست از بند دست تا سر انگشتان	ششم هر چیز که مانع باشد بیرون کند مثل انگشتر وزره وغیره
هفتم موالات یعنی باید افعال تیمم را پی در پی بجا آورد ودر میان آنها فاصله نکند	هشتم ترتیبست که اول دستها را بر زمین زند وبعد از آن مسح پیشانی کند وبعد از آن مسح دست راست وبعد از آن مسح دست چپ	نهم خاکی که بر آن تیمم میکند باید که پاک باشد واعضای تیمم نیز پاک باشد [illegible]
دهم باید که خاکی که بر آن تیمم میکند مباح باشد که اگر دانست خاک غصبی تیمم کند باطل گردد	یازدهم مکانی که در وقت تیمم بر آن قرار میگیرد باید که مباح باشد چنانکه در وضو گذشت	دوازدهم مسح جبهه بکف هر دو دست با هم نماید ومسح هر یک بکف آن دیگر وباید که تمام موضع مسح را فرو گیرد

واگر کسی شک کند در عضوی از اعضای تیمم [illegible] وباید که تیمم بدل از وضو باشد یکبار دست بر زمین باید زد واگر بدل از غسل جنابت باشد دو مرتبه اول دست بر زمین زنند ومسح پیشانی نمایند وبار دیگر دست بر زمین زنند ومسح پشت دستها کنند واگر تیمم بدل از غسلهای دیگر باشد دو مرتبه تیمم باید کرد یک مرتبه بدل از غسل ویک مرتبه بدل از وضو واگر میت را تیمم دهند سه مرتبه تیمم باید داد [illegible] واجب میدانند

مقدمهٔ دویم نماز بر طرف کردن نجاسات از بدن و جامه‌است و واجبات آن سه چیزاست و بیان احکام بیت الخلاء و واجبات آن دو چیزاست چنانکه در این جدول بیان هر دو شده

اول	دویم	سیم	چهارم	پنجم
واجبست ازاله نجاسات غیر معفو از بدن و جامه از برای نماز بآب پاک و پاک کنند چنانکه در مقدمهٔ کتاب مذکور شد	واجبست فشردن جامه هرگاه که آنرا در غیر آب کثیر بشویند در صورتیکه ببول صبی نجس شده باشد چنانکه مذکور شد	واجبست عدد شستنها یعنی بعضی را یکبار شستن کافیست و بعضی را دو بار باید شست و بعضی را سه مرتبه چنانکه پیشتر مذکور شد	واجبست بر کسی که به بیت الخلاء رود عورت را بپوشاند و گفته اند که عورت را از نامحرم باید بپوشاند و پوشانیدن از طفل بی تمیز لازم نیست	واجبست انحراف از قبله نماید بعور یعنی روبقبله و پشت بقبله در بیت الخلاء نشیند واین را در لمعه تصریح کرده است

مقدمهٔ سیم نماز پوشانیدن عورت و لباس نماز گذارست و واجبات آن هشت چیز است چنانکه در این جدول بیان شده

اول	دویم	سیم	چهارم
واجبست بر مرد که در نماز عورتین را بپوشاند خواه نامحرمی باشد و خواه نباشد و هرچند که در خانهٔ تاریک و تنها نماز کند و گفته اند مراد از عورت قُبل و دُبر و خصیه باشد	واجبست بر زن و خنثی که جمیع بدن را در نماز بپوشانند بغیر از رو و کف دستها و پشت پاها و اگر زن بنده باشد پوشانیدن سر واجب نیست و حکم خنثی که نصفه چیز او آزاد نباشد	واجبست بر ساتر که پاک باشد مگر آن چند صورت که در مقدمهٔ کتاب مذکور شد که نجاست آنها بخشیده شده است و با آن نماز میتوان کرد	واجبست که پوست میته نباشد و بعضی گفته اند که اگر پوست میته را دباغی کنند پاک میکردد و اما هم قایلند که با آن نماز نمیتوان کرد
پنجم	**ششم**	**هفتم**	**هشتم**
پوست و پشم و مو و کرک حیوانی نباشد که گوشت او حرام باشد هرچند که آن حیوان پاک باشد مثل شیر و غیره مگر خز خالص و سنجاب که با وجود آنکه گوشت آنها حرام است نماز در پوست آنها جایز است	باید که ساتر غصبی نباشد که نماز در جامهٔ غصبی جایز نیست و محقق گفته که اگر صاحب جامه اذن دهد غیر غاصب را یا غاصب را با وجود غصبیت نماز در آن صحیح است	باید که لباس مرد و خنثی ابریشم خالص نباشد مگر در روز جنگ یا از برای ضرورت و باید که لباس مرد و خنثی طلا نباشد و زن را ابریشم خالص و طلا تجویز کرده اند	چیزی که پشت پا را بپوشاند باید که ساق داشته باشد هرچند که ساق او کوتاه باشد و گفته اند که نماز در چیزی که پشت پا را بپوشاند و ساق نداشته باشد جایز نیست

مقدمهٔ چهارم در بیان رعایت وقت و در این جا بیان وقت پنج نماز یومیه میشود چنانکه در جدول است

اول وقت نماز پیشین	و اول وقت نماز پسین	و اول وقت نماز شام	و اول وقت نماز خفتن	اول وقت نماز صبح
وقت زوالست و معلوم میشود زوال بظاهر شدن سایها از طرف مشرق و آخر وقت آن وقتیست که بداخل شدن نماز مغرب مقدار نماز عصر باقی ماند	وقتیست که از نماز ظهر فارغ شوند و آخر وقت آن وقتیست که نماز مغرب داخل شود یعنی آفتاب غروب کند	وقتیست که سرخی طرف مشرق برطرف گردد و آخر وقت آن وقتیست که نصف شب بمقدار نماز خفتن باقی ماند تاخیر مغرب و عشا از نصف شب اختیاراً جایز نیست اما هرگاه تاخیر نماید تا طلوع صبح نیت ادا میکند	وقتیست که از نماز شام فارغ شوند و آخر وقت آن نصف شب است که اگر نصف آن شب بگذرد و نماز مغرب را نکرده باشد قضا باید کرد	طلوع صبح صادقست که صبح دویم نیز گویند و آخر وقت نماز صبح طلوع آفتابست که چون آفتاب طلوع کند نماز صبح قضا گردد

مقدمهٔ پنجم رعایت مکان نماز است و در آن سه چیز واجبست چنانکه در این جدول بیان شده

اول	دویم	سیم
آنکه غصبی نباشد که نماز در مکان غصبی درست نیست مگر آنکه غصبیت آنرا نداند یا رخصت از مالک گرفته باشد اما در غاصب خلاف کرده اند بعضی بر آنند که نماز غاصب با وجود اذن مالک صحیح نیست و بعضی صحیح میدانند برای غاصب با وجود اذن مالک صحیح است و خلاف ندارد	باید که نجس نباشد اگر محل سجده پاک باشد و مکان سایر اعضا اگر نجس باشد باید که نجاست آن سرایت بمصلی و لباس آن نکند یعنی محل سجده باید مطلقا پاک باشد و سایر اعضا باید که نجاست سرایت نکند	محل سجده باید که زمین باشد یا چیزی که از زمین روید اما باید که بحسب عادت خوردنی و پوشیدنی نباشد

مقدمهٔ ششم

مقدمهٔ ششم نماز رعایت قبله است و در آن سه چیز معتبر است چنانکه در این جدول بیان شده

اول	دویم	سیم
باید که نماز گذار متوجه قبله شود اگر علم بآن داشته باشد و اگر علم نداشته باشد باید که بعلامات جهت قبله را معلوم کند و علامات بعضی از بلاد در جدول بعد از این مذکور میشود	هرگاه که علامات مفقود باشد مثل آنکه ابری باشد که ستارها نمایان نباشد باید که تقلید کند و گفته اند که باید تقلید عادلی کند که دانا باشد بعلامات خواه مرد باشد و خواه زن	باید که هر یک از نمازها را رو بچهار طرف بگذارد اگر جهت قبله را نداند اگر وقت تنگ باشد نماز را رو بهر طرف بگذارد مجزیست و رو بچهار طرف نماز کردن در کار نیست

جدول در بیان علامات قبله چند بلد که در الفیه مذکور است و آنها در این سه جدول بیان شده

علامت قبله اهل عراق	علامت قبله اهل شام	علامت قبله اهل مغرب
آنست که جدی را در وقت ارتفاع یا در وقت انخفاض که در غایت پستی باشد بر دوش راست گیرند و مغرب را بطرف راست و مشرق را بطرف چپ و مقابل عراق عکس این کنند	آنست که طلوع سهیل را میان چشمها و جدی را بر کتف چپ و غایب شدن بنات النعش را پشت گوش راست گیرند و اهل یمن عکس این کنند	آنست که بگردانند ثریا را بطرف راست و عیوق را بطرف چپ و گفته اند که ثریا و عیوق را در وقت طلوع آنها بطرف چپ و راست گیرند و اهل مشرق عکس این کنند

پس این شصت چیز واجبست که مقدم است بر نماز خواه نماز گذار در سفر باشد و خواه در حضر که این شصت چیز واجبند و در سفر و حضر تفاوت نکند و اگرچه بعضی از آنها بدل اند از بعضی دیگر مثل تیمم که بدلست از وضو و غسل پس اگر کسی بسبب ضرورتی تیمم کند بدل از غسل واجبات غسل ساقط گردد و هم چنین وضو

جدول در بیان احکام نماز مسافر و شروطی که باعث قصر نماز میشود

بدانکه سفر باعث قصر نماز میشود بچند شرط که بعد از این مذکور میشود و قصر یعنی دو رکعت کردن نمازهای چهار رکعتی که آن نماز ظهر و عصر و خفتن است و نماز صبح و شام در سفر و حضر تفاوت نکند و سفر گاهی که تمام وقت نماز را فرو گیرد نماز را قصر باید کرد خواه نماز را ادا باشد و خواه قضا پس اگر وقت نماز داخل شود و هنوز کسی بسفر نرفته باشد و مقدار طهارت و نماز تمام بگذرد باید که نماز را تمام بگذارد هرچند که بعد از آن بسفر رود و همچنین اگر بوطن باز آید و از وقت مقدار طهارت و یک رکعت نماز باقی مانده باشد باید که نماز را تمام کند و اگر نمازی در حضر قضا شده باشد و در سفر قضای آنرا بجا آورد باید که تمام کند و اگر در سفر قضا شده باشد و در حضر قضای آنرا بجا آورد باید که قصر کند و سفر باعث قصر نمازاست و در غیر چهار موضع اول مسجد مکه دیم مسجد مدینه سیم مسجد کوفه چهارم حایر کربلای معلا پس در غیر این چهار موضع قصر نماز واجبست و شرطهای قصر نماز پنج چیزاست چنانچه در پنج جدول بیان هر یک از آنها میشود بعون الله تعالی

شرط اول	شرط دویم	شرط سیم	شرط چهارم	شرط پنجم
قصد مسافتست و آن فرسخ شرعیست پس اگر قصد رفتن هشت فرسخ داشته باشد یا قصد چهار فرسخ داشته باشد و خواهد در همان روز یا همان شب برگردد باید که قصر نماز کند	باید که از موضع اقامت آن قدر دور شود که آواز اذان و دیوارها پوشیده شود پس هرگاه که قصد هشت فرسخ داشته باشد و این مقدار از موضع اقامت برود باید که نماز را قصر کند	باید که سفر مباح باشد که اگر سفر معصیت باشد قصر نماز نمیتوان کرد هرچند که قصد هشت فرسخ یا زیاده بر آن داشته باشد و از محل اقامت بقدری دور شود که دیوارها و اذان پوشیده شود	آنکه مسافر در اثنای سفر بوطن خود نرسد و همچنین اگر قصد ماندن ده روز در غیر وطن نماید باید که نماز را تمام کند و همچنین اگر مسافر در اثنای سفر بموضعی برسد که او را در آنجا ملکی باشد اگر باید در آن شش ماه در آنجا توطن کرده باشد خواه آنکه در شش ماه متوالی باشد و خواه متفرق باید که نماز را تمام کند و اگر قصد ماندن ده روز باشد و اگر کسی سی روز در جائی بماند و در اثنا تردد داشته باشد چون سی روز بگذرد باید که نماز را تمام کند هرچند یک نماز را باشد	آنست که کثیر السفر نباشد و کثیر السفر را دو طریق گفته اند یکی آنست که سه سفر کند و در میان آنها ده روز جائی اقامت نکند و قول دیگر کثیر السفر کسی باشد که در عرف او را کثیر السفر گویند مثل ملاح و مکاری پس مادام که کثیر السفر باشد قصر نماز نکند نماز را

باب دویم در بیان مقارنات نماز یعنی افعال نماز و آن هشت چیز است اول نیت دویم تکبیر احرام سیم قرائت چهارم قیام پنجم رکوع ششم سجود هفتم تشهد هشتم تسلیم و بیان هر یک بعد از این بتفصیل خواهد شد

دربیان واجبات رکعت اوّل نماز و در رکعت اوّل نماز شصت و یک چیز واجب است خواه نماز دو رکعتی باشد

وخواه سه رکعتی وخواه چهار رکعتی اوّل نیت است وصفت نیت اینست که نماز فرض ظهر میگذارم مثلاً ادا یا قضا واجب تقرب بخدا و باید که این را در خاطر گذرانیدن وگفتن این لفظها در کار نیست بلکه گفتن این الفاظ مکروه است احتمال ابطال هم دارد وهمراه متصل بتکبیرة الاحرام نماید و واجبات نیت هفت چیز است دوّم تکبیر احرام است یعنی گفتن الله اکبر بعد از نیت بیفاصله و واجبات آن یازده چیز است سیم قراءت یعنی خواندن حمد و سوره بعد از تکبیر احرام و واجبات آن شانزده چیز است چهارم قیام یعنی ایستادن و باید که در حال نیت و تکبیر احرام و قراءت ایستاده باشد و واجبات آن چهار چیز است پنجم رکوع و بعد از قراءت برکوع باید رفت و واجبات رکوع نه چیز است ششم سجود یعنی بعد از رکوع دو سجده باید کرد و واجبات سجود چهارده چیز است و مجموع این واجبات شصت و یک چیز میشود برکعت اول این شصت و یک چیز واجبست و بیان اینها بتفصیل در این دو صفحه جدول بیان میشود بعون الله تعالی

اوّل	باید که در حال نیت و تکبیر و قراءت ایستاده باشد و واجبست کر راست بایستد که اگر در حال اختیار پشت را خم کند نماز باطل است	سیزدهم	باید تکبیر را بعربی بگوید که اگر بعجمی بگوید در حال اختیار باطل گردد مثل آنکه گوید خدا بزرگتر است
دوّم	استقلال یعنی در حال ایستادن تکیه بر چیزی نکند که اگر تکیه بر چیزی کند در حال اختیار باطل گردد	چهاردهم	باید که در میان تکبیر فاصله نکند که اگر فاصله کند بچیزی که آنرا فاصله گویند باطل گردد
سیم	استقرار یعنی قرار گرفتن پس اگر راه رود یا بر راحله باشد هرچند که آنرا بسته باشد در حال اختیار نماز باطل گردد	پانزدهم	باید که تکبیر را مقارن گرداند با نیت که اگر فاصله کند باطل گردد
چهارم	باید که قدمها نزدیک بهم باشد که اگر از هم دیگر دور شود بحیثیتی که از حال ایستادن بیرون رود نماز باطل گردد	شانزدهم	مد میان حروف ندهد که اگر مد دهد همزه الله را بحیثیتی که استفهام شود باطل گردد
پنجم	نیت کند واجبست آن که قصد بجا آوردن نماز معین کند از ظهر و عصر و غیر یعنی معین کند که کدام نماز را که بجا آورد	هفدهم	اکبر را مد ندهد بحیثیتی که جمع شود که اگر چنین کند باطل گردد
ششم	قصد وجوب کند ~~بنیت قصد قربت و تعیین واجبست وقصد وجوب و ندب وادا و قضا هرگاه موقوف بآنها باشد~~ که اگر نماز باشد و در نماز سنتی قصد سنت باید کرد	هجدهم	رعایت ترتیب باید نمود که اگر اکبر الله بگوید مثلاً نماز باطل گردد
هفتم	قصد ادا کند هرگاه که نماز را در وقت خود بجا آورد	نوزدهم	باید که اخراج حروف از مخارج نماید چنانکه در باقی ذکرهای نماز واجبست
هشتم	قصد قضا کند هرگاه که نماز را در خارج وقت بجا آورد	بیستم	واجب است که قطع همزه الله نماید یعنی وصل نکند
نهم	قصد قربت کند یعنی نماز را بجا می آورم از برای قربت بخدا تعالی	بیست و یکم	قطع همزه اکبر نماید یعنی های الله را با همزه اکبر وصل نکند که اگر وصل کند باطل گردد
دهم	باید که نیت را مقارن گرداند با تکبیر احرام یعنی بعد از نیت بیفاصله تکبیر احرام بگوید	بیست و دوم	واجبست تکبیر را چنان بگوید که خود بشنود هرچند تقدیرا باشد
یازدهم	واجبست حکم نیت بودن تا فارغ شدن از نماز و قصد منافی نماز نکند	بیست و سیم	واجبست که بعد از تکبیر احرام حمد و سوره بخواند در رکعت اوّل هر یک از پنج نماز
دوازدهم	بعد از نیت تکبیر احرام بگوید و واجبست تلفظ کردن آن یعنی الله اکبر را بزبان بگوید	بیست و چهارم	رعایت اعرابها و تشدیدها نماید بر وجهی که منقولست بتواتر که اگر قراءت کند بقراءتهای شاذ باطل گردد

در زیادت قصد قربت و تعیین واجب و قصد وجوب و ندب و ادا و قضا هرگاه موقوف بآنها باشد و الا فلا

بیست و پنجم	رعایت ترتیب کلمها و آیتها باید نمود بر وجهی که منقولست بتواتر	چهل و سیم	باید که بعد از ذکر قرار بگیرد که اگر شروع کند در ذکر پیش از آنکه بحد رکوع رسید یا ذکر را در حال سر برداشتن از رکوع تمام کند باطل گردد
بیست و ششم	الفاظ حمد و سوره را پی در پی بگوید که اگر در میان سکوت طویل کند عمدا بحیثیتی که از نماز گذاردن بیرون رود نماز باطل گردد	چهل و چهارم	باید ذکر را چنان بگوید که خود آنرا بشنود و اگر کر باشد چنان بگوید که اگر کر نبودی میشنیدی
بیست و هفتم	رعایت کند که وقف بر آخر کلمه واقع شود نه در اثنای کلمه و محافظت کند نظم کلام را	چهل و پنجم	باید که سر از رکوع بردارد که اگر سر از رکوع بر نداشته عمدا بسجود رود نماز باطل گردد
بیست و هشتم	بلند قراءت کند در جائی که بلند قراءت باید کرد و آهسته قراءت کند در جائی که آهسته باید خواند و بیان آن در آخر جدول میشود	چهل و ششم	باید که بعد از سر برداشتن از رکوع قدری ساکن شود و آنرا حدی نیست بلکه مسمای آن کافیست
بیست و نهم	اول حمد را بخواند و آخر سوره را که اگر عمداً سوره را اول بخواند نماز باطل گردد	چهل و هفتم	باید که سکون بعد از سر برداشتن از رکوع را طول ندهد که اگر آنرا طول دهد بحیثیتی که از مصلی بودن بیرون رود نماز باطل گردد
سی ام	بسم الله در اوّل حمد و سوره بگوید که اگر عمداً ترک بسم الله کند نماز باطل گردد	چهل و هشتم	بعد از رکوع سجده کند بر هفت عضو که آن پیشانی و کف دستها و زانوها و شستهای پاهاست
سی و یکم	باید که یکسوره بعد از حمد بخواند که اگر قران کند سوره را نماز باطل گردد	چهل و نهم	باید که ساکن شود در این کل این هفت عضو اندازد که اگر بعضی مطلقا ساکن نباشد از نماز باطل گردد
سی و دوم	اکمال هر یک از حمد و سوره نماید که اگر تبعیض کند در حال اختیار نماز باطل گردد	پنجاهم	باید که پیشانی را بر چیزی گذارد که سجده کردن بر آن صحیح باشد و آن در مبحث مکان گذشت
سی و سیم	باید که سوره که بعد از حمد میخواند سوره نباشد که در آن سجده واجب باشد و سوره نباشد که بسبب خواندن آن وقت نماز فوت شود	پنجاه و یکم	باید که محل سجده با محل ایستادن مساوی باشد که اگر بلندتر یا پست تر باشد زیاده از چهار انگشت باطل گردد و قدر بخت با چهار انگشت بهم چسبیده گفته
سی و چهارم	بسم الله بقصد سوره معینی بگوید مگر آنکه خواندن سوره معینی بر او لازم شده باشد بالتزام نموده باشد	پنجاه و دوم	باید که عضو سجده را بقدری بگذارد که گذاشتن عضو بر آن صادق باشد که اگر کمتر از آن گذارد باطل گردد
سی و پنجم	نقل از سوره بغیر آن نکند هرگاه که از نصف آن گذشته باشد و نقل از هو و توحید و جحد در غیر نماز جمعه	پنجاه و سیم	ذکر سجود را بگوید و آن سبحان ربی الاعلی و بحمده است یا سه مرتبه سبحان الله و اگر مضطر باشد یکبار سبحان الله گفتن کافیست
سی و ششم	باید که اخراج هر حرف از مخرج منقول نماید که اگر مثلا ضاد را از مخرج ظا بگوید باطل گردد	پنجاه و چهارم	باید که بعد از ذکر قرار بگیرد که اگر شروع در ذکر کند پیش از رسیدن بحد سجود یا سر برداشتن پیش از تمام کردن ذکر باطل گردد
سی و هفتم	حمد و سوره را بزبان عربی بخواند که اگر بزبان دیگر ترجمه کند نماز باطل گردد	پنجاه و پنجم	باید که ذکر را بعربی بگوید که اگر آنرا در حال اختیار ترجمه کند باطل گردد
سی و هشتم	و باید که آمین نگوید و اگر جائی باشد که تقیه باید کرد گفتن آمین مضایقه ندارد و بی تقیه گفتن بعضی آنرا حرام و بعضی مبطل میدانند	پنجاه و ششم	باید که ذکر را بیفاصله گوید که اگر فاصله کند در میان کلمهای آن عمداً بحیثیتی که از مصلی بودن بیرون رود نماز باطل گردد
سی و نهم	و باید که بعد از قراءت برکوع رود یعنی آنقدر خم شود که دستها بزانوها برسد و گذاشتن دست واجب نیست	پنجاه و هفتم	باید که ذکر را چنان بگوید که خود آنرا بشنود و اگر کر باشد چنان بگوید که اگر کر نبودی میشنیدی
چهلم	ذکر رکوع را بگوید و آن سبحان ربی العظیم و بحمده است یا سه مرتبه سبحان الله بگوید و اگر مضطر باشد یکبار سبحان الله گفتن کافیست	پنجاه و هشتم	سر برداشتن از سجود است و گفته اند که سر برداشتن از سجده باید که بحد نشستن برسد
چهل و یکم	باید که ذکر را بعربی بگوید که اگر آنرا ترجمه کند باطل گردد و گفته اند در حال اضطرار ترجمه جایز است	پنجاه و نهم	باید که بعد از سر برداشتن از سجده اول قدری ساکن شود و این بعد از سر برداشتن از سجده دوم واجب نیست
چهل و دوم	باید که ذکر را بیفاصله بگوید که اگر فاصله کند بحیثیتی که از نحو ذکر بیرون رود باطل گردد	شصتم	سکون بعد از سجده اول را بسیار طول ندهد و باید که دو سجده بجا آورد بعجز نیت یکسجده و زیاده بر دو سجده جایز نیست

تمام شد شصت و یک واجب رکعت اول نماز بعد از این بیان واجبات رکعت دوم میشود و اگر نماز گذار مرد باشد باید که در دو رکعت نماز صبح و در دو رکعت اول نماز شام و خفتن قراءت را بلند بخواند و در باقی آهسته بخواند و زن در تمام نمازها باید که آهسته قراءت کند خواه نماز صبح و خواه نماز شام و خفتن و خواه ظهر و عصر

و واجبات رکعت دویم نماز چهل و چهار چیز است چون تشهد و تسلیم را داخل رکعت نمیدانستند اما از واجبات نماز میدانستند و واجبات تشهد نه چیز است چون اضافه شود بچهل و سه چیز میشود و اگر نماز دو رکعتی باشد واجبات سلام نیز اضافه شود و آن نیز نه چیزاست پس واجبات نماز دو رکعتی شصت و دو چیز میشود چنانکه در این جدول بیان شده

اول	استدامت حکم نیت یعنی بر حکم نیت بودن و واجبات نیت و تکبیر احرام در این رکعت ساقط است	بیست و یکم	رعایت ترتیب کلمها و آیتها نماید بر وجهی که متواتر است
دویم	قیام است و باید که در حال قرائت قایم باشد و واجب است در قیام استقلال یعنی ایستادن که اگر در حال اختیار ترک [illegible] کند باطل گردد	بیست و دویم	بعد از قرائت برکوع رود و واجب است آنقدر خم شود که دستها بزانوها برسد اما گذاشتن دستها بزانوها واجب نیست
سیم	واجبست در قیام استقلال یعنی تکیه نکردن بر چیزی که اگر در حال اختیار تکیه کند بچیزی نماز باطل گردد	بیست و سیم	گفتن ذکر رکوع است و آن سبحان ربی العظیم و بحمده است یا سبحان الله سه مرتبه بگوید یا یکمرتبه سبحان الله بگوید اگر مضطر باشد
چهارم	استقرار یعنی آرام گرفتن که اگر راه رود یا بر راحله [illegible] یا بر روی چیزی بایستد که قدم بران قرار نگیرد در حال اختیار باطل گردد	بیست و چهارم	ذکر رکوع را بعربی بگوید که اگر ترجمه کند آنرا در حال اختیار باطل گردد
پنجم	باید که قدم نزدیک بهم باشد که اگر از هم دور باشند بقدری که از حد ایستادن بیرون رود باطل گردد	بیست و پنجم	ذکر را بیفاصله بگوید که اگر فاصله کند میان الفاظ آن بحیثیتی که از حد ذکر بگذرد باطل گردد
ششم	خواندن حمد و سوره و در این رکعت نیز خواندن حمد و سوره هردو با هم واجب است	بیست و ششم	قرار گرفتن بقدر ذکر که اگر شروع در ذکر کند پیش از رسیدن بحد رکوع یا تمام کند آنرا پیش از سر برداشتن باطل گردد
هفتم	رعایت نمودن اعرابها و تشدیدها بر وجهی که متواتر است که اگر قراءت کند بقراءتهای شاذه باطل گردد	بیست و هفتم	ذکر را چنان بگوید که خود آنرا بشنود و اگر کر باشد چنان بگوید که اگر شنوا بودی میشنیدی این نقدر بس است
هشتم	بیفاصله خواندن کلمها و آیها بر وجهی متواتر که اگر سکوت طویل کند یا در اثنای قراءت غیر حمد و سوره چیزی دیگر بخواند عمداً باطل گردد	بیست و هشتم	سر برداشتن از رکوع که اگر بسجود رود و سر از رکوع برنداشته باشد باطل گردد مگر آنکه فراموش کرده باشد
نهم	رعایت کند که وقف بر آخر کلمها واقع شود و محافظت کند نظم کلام را که اگر ساکت شود بهر کلمه باطل گردد	بیست و نهم	بعد از سر برداشتن از رکوع قدری ساکن شود و آنرا حدی نیست بلکه مسمای آن کافیست
دهم	بلند خواندن در جایی که بلند باید خواند و آهسته بخواند در جایی که آهسته باید خواند چنانکه پیشتر گذشت	سیام	سکون بعد از سر برداشتن از رکوع را طول ندهد که اگر آنرا طول دهد بحدی که از نماز گذار بودن بیرون رود نماز باطل گردد
یازدهم	حمد را بر سوره مقدم دارد که اگر عمداً سوره را پیش از حمد بخواند باطل گردد و اگر از روی فراموشی مقدم دارد باید که بعد از حمد سوره بخواند	سی و یکم	بعد از رکوع بسجود رود و واجبست سجده کردن بر هفت عضو چنانکه در رکعت اول مذکور شد
دوازدهم	بسم الله در اول هر یک از حمد و سوره بگوید که اگر عمداً ترک گفتن بسم الله کند باطل گردد	سی و دویم	باید سنگینی خود را بر کل این هفت عضو اندازد که اگر بر بعضی مطلق سنگینی نیندازد باطل گردد چنانکه پیشتر بیان شد
سیزدهم	بعد از حمد یک سوره بخواند که اگر دو سوره را مقارن کند بقولی نماز باطل گردد و بعضی این را مکروه میدانند و بعضی حرام	سی و سیم	پیشانی را بر چیزی گذارد که سجده کردن بران صحیح باشد چنانکه در مبحث مکان نماز گذشت
چهاردهم	هر یک از حمد و سوره را تمام بخواند که اگر تبعیض کند در حال اختیار عمداً باطل گردد	سی و چهارم	محل سجده باید که با محل ایستادن مساوی باشد و اگر بلندتر یا پستتر باشد باید زیاده بر یک خشت نباشد و آنرا گفته اند که چهار انگشت بهم چسبیده است
پانزدهم	سوره که بعد از حمد میخواند سوره عزیمه نباشد و سوره نباشد که بسبب خواندن آن وقت نماز فوت شود	سی و پنجم	گذاشتن اعضای سجده بر زمین بقدری باید که گذاشتن بران صادق باشد که اگر کمتر باشد باطل گردد
شانزدهم	قصد بسم الله برای سوره معین نماید که بعد از حمد مگر اگر سوره معین برو لازم شده باشد یا التزام نموده باشد	سی و ششم	ذکر سجود را بگوید و آن سبحان ربی الاعلی و بحمده است یا سه مرتبه سبحان الله و اگر مضطر باشد یکمرتبه سبحان الله کافی باشد
هفدهم	نقل از سوره بسوره دیگر نکند هرگاه که از نصف آن سوره گذشته باشد و از سوره توحید و جحد [illegible]	سی و هفتم	قرار گرفتن بقدر ذکر در حال سجده که اگر سر بردارد پیش از تمام شدن ذکر یا شروع کند در ذکر پیش از رسیدن بحد سجود باطل گردد
هجدهم	اخراج هر حرفی از مخرج منقول نماید که اگر ضاد را از مخرج ظا بگوید یا لام [illegible] بگوید باطل گردد	سی و هشتم	ذکر را بعربی بگوید که اگر ذکر سجود را در حال اختیار ترجمه کند باطل گردد
نوزدهم	حمد و سوره را بزبان عربی بگوید که اگر آنرا بزبان دیگر ترجمه کند و بخواند باطل گردد	سی و نهم	موالات ذکر یعنی ذکر را بیفاصله بگوید که اگر فاصله کند میان کلمات آن بقدری که از مصلی بودن بیرون رود باطل گردد
بیستم	[illegible]	چهلم	ذکر را چنان بگوید که خود بشنود و اگر کر باشد یا مانعی داشته باشد بقدر بگوید چنانکه مذکور شد

چهل و یکم	سر برداشتن از سجده و گفته اند که سر برداشتن باید که بحد نشستن برسد و کافی نیست مطلق سر برداشتن	چهل و دویم	بعد از سر برداشتن از سجده اول قدری ساکن شود هرچند که اندک باشد و بعد از سجده دویم ساکن شدن واجب نیست
چهل و سیم	سر برداشتن بعد از سجده اول را طول ندهد که اگر عمداً آنرا طول دهد بحدی که از نماز گذار بودن بیرون رود باطل گردد	چهل و چهارم	سجده دیگر مثل سجده اول بجا آورد و آنچه در سجده اول واجب بود در ثانی هم واجبست بغیر سکون بعد از سر برداشتن از سجده

تمام شد واجبات رکعت دویم نماز و بعد از سجده دویم باید که تشهد بخواند خواه نماز دو رکعتی باشد و خواه سه رکعتی و واجبات تشهد نه چیزاست چنانکه در این جدول بیان آنها میشود

اول	نشستن از برای خواندن تشهد که اگر نشسته آنرا نخواند عمداً و اختیار نشسته خواندن داشته باشد نماز باطل گردد	دویم	قرار گرفتن بعد خواندن تشهد و گفته اند که اگر شروع کند در تشهد پیش از آنکه بحد نشستن رسد یا برخیزد پیش از تمام کردن آن نماز باطل گردد
سیم	گفتن دو شهادت و آن شهادت بوحدانیت خدا تعالی و رسالت پیغمبر صلی الله علیه و آله است	چهارم	واجبست بعد از دو شهادت صلوات فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه و آله
پنجم	واجبست بعد از صلوات بر پیغمبر صلوات فرستادن بر آل پیغمبر ص	ششم	تشهد را بعربی بگوید و گفته اند که اگر کسی عربی آنرا نتواند گفت و وقت نماز تنگ باشد جایز است که ترجمه کند
هفتم	رعایت کردن ترتیب آنرا که اول دو شهاده را بگوید و بعد از آن صلوات بر پیغمبر فرستد و بعد از آن بر آل او	هشتم	باید که تشهد را بیفاصله بخواند که اگر فاصله کند سکوت طویل که از نماز گذار بودن بیرون رود نماز باطل گردد
نهم	تشهد منقول را بخواند و آن اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل علی محمد و آل محمد و اگر بجای اشهد مثلا اعتقد بگوید [illegible] و واجبست که تشهد را چنان بگوید که خود بشنود [illegible]		

الفاظ تشهد را [illegible] بگوید

اگر نماز سه رکعتی باشد یا چهار رکعتی بعد از تشهد برخیزد برکعت سیم و اگر نماز دو رکعتی باشد بعد از تشهد باید که تسلیم بجا آورد و این جدول در بیان تسلیم است و واجبات آن نه چیزاست چنانکه در این جدول بیان شده

اول	نشستن از برای تسلیم و گفته اند که اگر در حال اختیار عمداً ترک نشستن کند نماز باطل گردد	دویم	قرار گرفتن بعد تسلیم که اگر آنرا واقع سازد بدون طمأنینه عمداً در حال اختیار نماز باطل گردد
سیم	رعایت ترتیب کند میان کلمات آن که اگر عمداً ترتیب میان کلمات آن بجا نیاورد نماز باطل گردد	چهارم	باید که آنرا بعربی بگوید و اگر عربی آنرا نداند و وقت نماز تنگ باشد تا آنرا بیاموزد نماز فوت شود ترجمه میتوان کرد
پنجم	باید که تسلیم را بعد از تشهد بجا آورد و واجب نیست قصد بیرون آمدن از نماز هرچند که اگر قصد کند احوط است	ششم	موالات یعنی بیفاصله کلمات آنرا بگوید و گفته اند که اگر عمداً فاصله کند میان کلمات آن بکلامی نماز باطل گردد
هفتم	واجبست که یکی از این دو عبارت را بگوید السلام علیکم و رحمة الله و برکاته یا بگوید السلام علینا و علی عباد الله الصالحین و اگر عبارت اول را بگوید اولی است از برای آنکه سبب بیرون آمدن از نماز است احوط جمع مابین عبارتین است یا تقدیم السلام علینا و علی عباد الله الصالحین		
هشتم	رعایت کند آن چیزی را که مذکور شد که اگر سلام را [illegible] باطل گردد	نهم	[illegible] و واجبست که سلام را چنان بگوید که خود بشنود هرچند بقدر باشد

بعلاوه [illegible]

تمام شد نماز دو رکعتی و واجبات آن صد و بیست و سه چیز است چنانکه بتفصیل مذکور شد و اگر نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی باشد بعد از تشهد و پیش از تسلیم برخیزد برکعت سیم و واجبات رکعت سیم هرگاه که قرائت حمد کند سی و نه چیز میشود از برای آنکه واجبات خواندن سوره ساقط میگردد و بیان واجبات آن را نیز در جدول مینمایم هرچند ذکر آن موجب تکرار میشود اما چون با دو رکعت اول تفاوت دارد ذکر آن نمودم و جدول رکعت سیم نماز این است

اول	قیام و باید که در حال قرائت ایستاده باشد تا آنکه برکوع رود و واجبست ایستادن در حال اختیار و پشت را خم نکردن	دویم	استقرار یعنی آرام گرفتن که راه نرود و بر راحله نباشد چنانکه مذکور شد
سیم	استقلال یعنی تکیه بر چیزی نکردن در حال اختیار	چهارم	نزدیکی قدمها که قدمها از یکدیگر بسیار دور نباشد چنانکه گذشت

پنجم	استدامت حکم نیت یعنی قصد چیزی		که منافی نماز باشد نکند
ششم	خواندن حمد تنها بدون سوره	بیست و سیم	سر برداشتن از رکوع بعد از تمام شدن ذکر
هفتم	رعایت اعرابها و تشدیدها بر وجه منقول متواتر	بیست و چهارم	قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از رکوع
هشتم	رعایت ترتیب کلمها و آیتها بر وجه متواتر	بیست و پنجم	طمانینه را بعد از رکوع بسیار طول ندادن
نهم	موالات یعنی پی در پی خواندن و فاصله نکردن	بیست و ششم	بسجود رفتن و سجده کردن بر هفت عضو
دهم	واقع ساختن وقفها بر آخر کلمها و محافظت نظم کلام	بیست و هفتم	تکیه کردن بر اعضا و سنگینی خود را بر محل آنها انداختن
یازدهم	آهسته خواندن قرائت خواه مرد باشد و خواه زن	بیست و هشتم	گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده کردن بر آن صحیح باشد
دوازدهم	بسم الله در اول حمد خواندن	بیست و نهم	مساوی بودن محل سجده با محل ایستادن
سیزدهم	اکمال حمد یعنی تمام خواندن آن	سی ام	گذاشتن هفت عضو بر زمین بقدری که گذاشتن بر آن صادق باشد
چهاردهم	اخراج حروف از مخارج مقرر نمودن	سی و یکم	ذکر مقرر سجود را گفتن چنانکه گذشت
پانزدهم	تلاوت نمودن حمد بعربی و ترجمه نکردن	سی و دوم	قرار گرفتن در حال سجود بقدر ذکر
شانزدهم	ترک آمین گفتن مگر در صورت تقیه	سی و سیم	بعربی گفتن ذکر و ترجمه نکردن آن
هفدهم	رکوع کردن یعنی خم شدن بحدی که دستها بزانوها برسد	سی و چهارم	موالات در ذکر یعنی فاصله نکردن در آن
هیجدهم	گفتن ذکر رکوع چنانکه پیشتر مذکور شد	سی و پنجم	شنوانیدن ذکر بنفس خود را هرچند تقدیراً باشد
نوزدهم	بعربی گفتن ذکر و ترجمه نکردن در حال اختیار	سی و ششم	سر برداشتن از سجود که بجلوس بر سد
بیستم	موالات یعنی فاصله نکردن در میان اجزای ذکر	سی و هفتم	قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از سجده اول
بیست و یکم	قرار گرفتن بقدر تمام شدن ذکر	سی و هشتم	طمانینه مذکور را بسیار طول ندادن
بیست و دوم	شنوانیدن ذکر بنفس خود را هرچند تقدیراً باشد	سی و نهم	سجده دیگر مثل سجده اول بجا آوردن

اگر نماز چهار رکعتی باشد بعد از سجده دویم برخیزد برکعت چهارم و اگر نماز سه رکعتی باشد بعد از سجده دویم بنشیند و تشهد و تسلیم بجا آورد چنانکه در رکعت دویم بیان شد پس واجبات نماز مغرب سه رکعتی با تشهد و تسلیم صد و هفتاد و یک چیز میشود و رکعت چهارم نیز مثل رکعت سیم است الا آنکه در نماز سنی و در رکعت سیم تشهد و تسلیم بجا باید آورد و در نماز چهار رکعتی بعد از رکعت چهارم و در سایر واجبات تفاوت نکند پس در نماز چهار رکعتی دویست و ده چیز واجب خواهد بود هرگاه که قرائت حمد کرده شود و جایز است که در رکعت سیم و چهارم بجای حمد تسبیحات اربع بخواند و تسبیحات اربع اینست سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و یک روایت اینست که این مجموع یک مرتبه بگوید که بجای تسبیح گفته شود و روایت دیگر است که سه مرتبه بگوید یا در مرتبه اول و دویم الله اکبر را نگویند و در مرتبه سیم بگوید که ده تسبیح گفته شود و روایت دیگر آنست که مجموع را سه مرتبه بگوید که دوازده تسبیح گفته شود و اول اصح و آخر احوط است بحقیقت صورت آخر را احوط میدانند و واجبست که اگر بجای حمد تسبیح بخوانند ترتیب و موالات بجا آورد و بعضی ...

واجبات رکعت اول نماز	واجبات رکعت دویم نماز	واجبات رکعت سیم نماز	واجبات رکعت چهارم نماز
شصت و یک چیز است	چهل و چهار چیز میشود بی تشهد و تسلیم	سی و نه چیز میشود بی تشهد و تسلیم	سی و نه چیز بی تشهد و تسلیم

و اگر بجای حمد در رکعت سیم و چهارم تسبیح بخوانند در هر رکعتی سی و دو چیز واجب خواهد بود

واجبات نماز دو رکعتی با تشهد و تسلیم	واجبات سه رکعتی با تشهد و تسلیم	واجبات هر یک از نمازهای چهار رکعتی
صد و بیست و سه چیز است	صد و هفتاد و یک چیز است	دویست و ده چیز است

پس در پنج نماز شبانه روزی در حضر هفتصد و بیست و چهار چیز واجبست و واجبات این پنج نماز در سفر ششصد و شصت و سه چیز میشود چون در رکعت آخر از نماز ظهر و عصر و خفتن ساقط میشود و اگر در رکعتهای آخر نمازها تسبیح بجای حمد بخواند هفتصد و هفتاد و پنج چیز است در حضر و ششصد و پنجاه و شش چیز است در سفر و بیست و پنج چیز منافیات نماز اند که بعد از این مذکور میشود چون آنها را با واجبات نماز جمع کنند هزار و نه چیز میشود از برای انکه شصت چیز مقدمات نماز اند و نهصد و بیست و چهار چیز مقارنات یعنی افعال نماز و بیست و پنج چیز منافیات این مجموع هزار و نه چیز میشود تمام شد واجبات نماز یومیه و بعد از این خللی که در نماز واقع شود بیان میکنیم و منافیات نیز در ضمن آن بیان خواهد شد انشاء الله و چون منافیات چند چیز را با هم یک منافی شمرده اند بیست و پنج چیز میشود اگر هر یک را علیحده می‌شمارند بیشتر میشود و فقیر هر یک را علیحده بیان نمودم

باب سیم در بیان احکام خللی که در نماز واقع شود و این بر چند قسم است

چنانکه بعد از این مذکور میشود و اولاد را اینجا بیان چیز چند میکنیم که دانستن آنها ضرورت و بباید دانست که چیزها که در نماز رعایت آنها در کار است یا داخل در حقیقت نماز است یا خارج از نماز است و آنکه داخل در حقیقت نماز است یا رکن است یا واجب غیر رکن

و رکن آنست که بسبب زیادتی و کمی آن عمداً و سهواً غالباً نماز باطل گردد و بیان ارکان بعد از این خواهد شد	و واجب غیر رکن اگر عمداً زیاد و کم کند نماز باطل گردد و از روی فراموشی زیاد یا کم کند نماز باطل نگردد

و آنکه خارج از حقیقت نماز است یا شرط صحت نماز است یا چیز چند است که در نماز ترک آنها باید نمود

و چیزهائی که شرط صحت نماز است مثل طهارت از حدث و برطرف کردن نجاست از بدن و جامه و سایر مقدمات نماز است چنانکه پیشتر مذکور شد	و چیزهائی که در نماز ترک آنها باید نمود آنها را منافیات نماز گویند مثل ترک سخن گفتن و ترک فعل کثیر و غیر چنانکه بعد از این مذکور خواهد شد

در بیان خلل و عمد و سهو و شک و غیره خلل زیادتی و کمی است که در نماز واقع شود و واقع شدن آن یا بعنوان عمد است یا سهو یا شک و عمد آنست که کسی چیزی را داند و قصداً آنرا بجا آورد و سهو آنست که خلل را از روی فراموشی واقع سازد و شک آنست که در چیزی تردد داشته باشد که آنرا بجا آورده یا نیاورده و جهت و طرف گمان او مساوی باشد و اگر در کردن و نکردن چیزی تردد داشته باشد و گمان او بیکطرف بیشتر باشد آن طرفی را که گمان او بیشتر است آنرا ظن میگویند و طرفی را که گمان کمتر باشد وهم میگویند و علم آنست که کسی چیزی را داند و جهل آنست که نداند پس اگر اصل چیز را داند مثل آنکه خواندن حمد و سوره را داند آنرا علم باصل گویند و اگر وجوب آنرا داند که خواندن حمد و سوره در نماز واجبست آنرا علم بحکم شرعی گویند و اگر داند که نخواندن حمد و سوره مثلاً عمداً نماز را باطل میکند این را علم بحکم وضعی گویند و اضطرار آنست که کسی چیزی را از راه ناچاری واقع سازد و اختیار در مقابل اضطرار است و چون این امور معلوم شد پس خللی که در نماز واقع شود بر دو قسم است یک قسم آنست که نماز را باطل میکند و قسم دیگر آنست که باطل نمیکند و آن قسمی که نماز را باطل میکند آنها را منافیات نماز و نواقض آن و آن نیز بر دو قسم است

اول آنست که عمداً و سهواً نماز را باطل کند مثل حدث کردن در نماز و فعل کثیر و غیره	دویم آنست که عمداً واقع شود نماز باطل گردد و اگر سهواً واقع شود باطل نگردد مثل سخن گفتن و غیره

و خللی که نماز را باطل نکند بر پنج قسم است چنانکه مجملاً در این جدولها بیان شده و بعد از این بتفصیل بیان خواهد شد

اول آنکه بسبب آن چیزی لازم نگردد یعنی نه تلافی باید نمود نه سجده سهو و نماز صحیح باشد	دویم آنست که تلافی باید نمود و اما سجده سهو لازم نگردد و نماز صحیح باشد
سیم آنست که هم تلافی باید نمود و هم سجده سهو و نماز صحیح باشد	چهارم آنست که سجده سهو لازم شود بدون تلافی و نماز صحیح باشد
پنجم آنست که باعث نماز احتیاط گردد یا سجده سهو یا هر دو و بیان این هفت شق در هفت جدول خواهد شد بعون الله تعالی	

فصل اول در بیان خللی که عمداً و سهواً مبطل نماز است و آنها را منافیات نماز گویند و بعضی سهواً سبب باطل شدن نماز میشوند اگر وقت باقی باشد و حکم اختیار و اضطرار و غیره را نیز بمناسبت مقام بیان نمودم

اول	اگر دانسته و قصداً باشد	اگر بسبب فراموشی باشد	اگر از روی اختیار باشد	اگر بسبب اضطرار باشد
حدث کردن در نماز خواه حدث اکبر و خواه حدث اصغر و بیان حدث در موجبات وضو و غسل بتفصیل مذکور شد	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد و خواه وقت بیرون رفته باشد پس اگر وقت باقی باشد نماز را اعاده و الا قضا باید نمود	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد و شیخ ابن بابویه بر آنست که اگر حدث در نماز بعد از سر برداشتن از سجده آخر واقع شود واجبست که وضو بسازد و نماز را تمام کند	نماز باطل گردد از برای آنکه یا عمدا است حکم عمد دارد و اگر یا سهو است حکم سهو دارد و اگر بنداند که حدث مبطل نماز است نماز باطل گردد چون جاهل معذور نیست	نماز باطل گردد مگر آنکه سلسل بول داشته باشد یا مبطون باشد باید که از برای هر نمازی وضوی علیحده بسازد و اگر در اثنای نماز حدث سر زده وضو بسازد و نماز را تمام کند بقول مشهور و قول مشهور اصح است
دویم	اگر عمداً یعنی دانسته و قصداً باشد	اگر سهواً یعنی بسبب فراموشی باشد	اگر نجاست آب را نداند	اگر نداند که طهارت با آب نجس نباید کرد
وضو ساختن یا غسل کردن با آب نجس و با آن وضو و غسل نماز گذاردن و گفته اند که تیمم کردن بخاک نجس نیز این حکم دارد	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد اگر وقت باقی باشد اعاده و الا قضا باید نمود	نماز باطل گردد خواه نجاست آب را فراموش کند و خواه فراموش نکند که وضو با آب نجس نماید گردد بان وضو با نماز خواه مجموع نماز... کند	نماز باطل گردد پس اگر وقت نماز باقی باشد و علم بنجاست آب بهم رساند باید که نماز را اعاده کند و اگر بعد از بیرون رفتن وقت علم بهم رساند قضا باید نمود	نماز باطل شود موافق مشهور و جمعی علما اجماع کرده اند بر اینکه هر چه عدا مبطل نماز باشد اگر از روی جهل بمسئله نیز واقع شود نماز باطل گردد
سیم	اگر عمداً باشد	اگر از روی فراموشی باشد	اگر غصبی بودن آنرا نداند	اگر نداند که طهارت با آب غصبی باطل است
وضو ساختن یا غسل کردن با آب غصبی یا تیمم کردن بخاک غصبی بی اذن مالک و با آن طهارت نماز گذاردن	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد و خواه وقت بیرون رفته باشد پس در وقت اعاده و در خارج وقت قضا باید نمود	یک قول آنست که اگر وقت باقی باشد اعاده نماز باید کرد و الا قضا نباید کرد و قول دیگر مطلقا نماز باطل گردد و قول دیگر مطلقا نماز صحیح است و این قول مشهور است	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد و ظاهرا در این مسئله خلافی میان علما نباشد	ظاهرا نماز باطل باشد چون عمد طهارت با آب و خاک غصبی مبطل نماز است اگر از روی جهل بمسئله نیز واقع شود مبطل است

چهارم	اگر عمداً پشت بقبله کند	اگر از روی فراموشی باشد	اگر بسبب ظن پشت بقبله کرده باشد	اگر بسبب اضطرار پشت بقبله کرده باشد
پشت بقبله کردن در نماز یعنی تمام بدن از قبله گردانیدن بقولی و بقول دیگر گردانیدن رو بتنهائی کافی است	نماز باطل کردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد خواه تمام نماز را پشت بقبله گذارده باشد خواه در بعضی از نماز واقع شود	نماز باطل کردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد وبقول دیگر اگر وقت بیرون رفته باشد نماز صحیح است	مثل آنکه جهت قبله را نداند [illegible] نماز باطل است [illegible]	اگر در جنگ [illegible] رو بقبله کردن در بعضی از نماز [illegible] باشد نماز صحیح است
پنجم	**اگر عمداً باشد**	**اگر از روی فراموشی باشد**	**اگر از روی ظن باشد**	**اگر از روی جهل باشد**
کردانیدن رو از نماز بجانبی از قبله که قبله بطرف راست یا بطرف چپ باشد اگر تمام بدن باشد	نماز باطل کردد وخواه وقت باقی باشد وخواه نباشد مگر آنکه مضطر باشد	نماز باطل است اگر وقت باقی باشد واگر وقت بیرون رفته باشد نماز صحیح است	مثل آنکه اجتهاد یا تقلید کرده باشد نماز صحیح است اگر وقت بیرون رفته باشد و بعضی اعاده را لازم میدانند	اگرچون قبله را نداند و معلوم نتواند نمود و نماز را در اول وقت بجا آورده باشد نماز صحیح است
ششم	**اگر عمداً فعل کثیر واقع شود**	**اگر از روی فراموشی باشد**	**اگر جاهل بحکم باشد**	**اگر از روی اضطرار واقع شود**
فعل کثیر هرگاه بحیثیتی باشد که در عرف او را نمازگذار نگویند مثل کشتی کردن و بسیار ضرب کشتن مبطل نماز نگردد	نماز باطل کردد وخواه وقت باقی باشد وخواه نباشد مگر آنکه مضطر باشد	نماز باطل کردد و علم باقی بودن یا باقی نبودن وقت را علما تصریح نکرده اند	یعنی نداند که فعل کثیر نماز را باطل میکند نماز باطل کردد وچون جاهل را معذور نمیدانند	[illegible]
هفتم	**اگر عمداً واقع شود**	**اگر از روی فراموشی واقع شود**	**اگر جاهل بحکم باشد**	**اگر از روی اضطرار واقع شود**
سکوت طولانی هرگاه بحیثیتی باشد که در عرف او را نمازگذار نگویند [illegible] نماز باطل کردد	نماز باطل کردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز باطل کردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز باطل کردد خواه حکم شرعی را نداند وخواه حکم وضعی را	حکم اضطرار بر فقیر ظاهر نشد [illegible]
هشتم	**اگر عمداً واقع شود**	**اگر از روی فراموشی واقع شود**	**اگر بسبب جهل بحکم واقع شود**	[illegible]
زیاده کردن یا کم کردن رکنی از ارکان خمسه که آن نیت و تکبیرة الاحرام و قیام و رکوع و دو سجود است	نماز باطل کردد خواه وقت باقی باشد وخواه وقت نباشد	نماز باطل کردد خواه زیادتی رکن بعمل آید وخواه کمی آن	نماز باطل کردد وخواه حکم شرعی نداند وخواه حکم وضعی را	مثل آنکه [illegible] حکم این بر فقیر ظاهر نشده
نهم	**اگر عمداً واقع شود**	**اگر سهواً واقع شود**	[illegible]	[illegible]
نماز را پیش از داخل شدن وقت بجا آوردن و بیان حکم آن در این جدول میشود	نماز باطل کردد در وقت اعاده و در خارج وقت قضا باید نمود خواه تمام آن را پیش از وقت بجا آورده باشد وخواه بعضی از آن را	نماز باطل کردد بطلان احوط است	نماز باطل کردد وخواه تمام نماز پیش از وقت بجا آورده باشد [illegible] وخواه بعضی از آن را	[illegible]
دهم	**اگر عمداً واقع شود**	**اگر سهواً واقع شود**	**اگر نجاست مکان را نداند**	**اگر جاهل بحکم باشد**
واقع ساختن نماز در مکان نجس اگر مسجد نجاست باشد هرچند که نجاست آن سرایت نکند [illegible]	نماز باطل است در موضع سجده مطلقاً [illegible] اعاده [illegible] قضا باید نمود	نماز باطل کردد اگر وقت باقی باشد واگر باقی نباشد بعضی صحیح و بعضی باطل میدانند	نماز صحیح است و بعضی گفته اند اگر وقت باقی باشد اعاده باید نمود و مشهور صحت است	یعنی نداند که نماز در مکان نجس جایز نیست نماز باطل کردد
یازدهم	**اگر عمداً واقع سازد**	**واگر سهواً واقع سازد**	**اگر نجاست جامه را نداند**	**اگر از روی اضطرار واقع سازد**
واقع ساختن نماز در جامه نجس هرگاه نجاستی باشد که بخشیده نشده باشد و ازاله آن نتواند نمود چنانکه پیشتر مذکور شد	نماز باطل کردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد پس در وقت اعاده و در خارج وقت قضا باید نمود	نماز باطل است اگر وقت باقی باشد موافق مشهور	نماز صحیح است اگر وقت بیرون رفته باشد واگر وقت باقی باشد بعضی برآنند که اعاده نماز باید کرد	نماز صحیح است هرگاه کندن جامه و ازاله نجاست مقدور نباشد
دوازدهم	**اگر عمداً واقع سازد**	**واگر سهواً واقع سازد**	**اگر غصبیت جامه را نداند**	**واگر جاهل بحکم باشد**
واقع ساختن نماز در جامه غصبی [illegible]	نماز باطل کردد وخواه وقت باقی باشد وخواه نباشد پس در وقت اعاده و در خارج وقت قضا لازم کردد	بعضی نماز را مطلقاً باطل میدانند و بعضی مطلقاً صحیح میدانند و بعضی در خارج وقت صحیح میدانند [illegible] مطلقا	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز باطل کردد چون جاهل را معذور نمیدانند
سیزدهم	**اگر عمداً واقع سازد**	**اگر سهواً باشد**	**اگر غصبی بودن را نداند**	**اگر از روی اضطرار واقع سازد**
واقع ساختن نماز در مکان غصبی بی اذن مالک وحکم این نیز مثل حکم جامه غصب است	نماز باطل کردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	یک قول نماز باطل است اگر وقت باقی باشد قول دیگر مطلقاً باطل است قول دیگر مطلقاً صحیح است و این مشهور است	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز صحیح است مثل آنکه شخصی را در مکان غصبی حبس کرده باشند
چهاردهم	**اگر عمداً باشد**	**اگر سهواً باشد**	**اگر نداند که پوست میته است**	**اگر نداند که پوست میته است**
واقع ساختن نماز در پوست میته و از این جدول احکام آن ظاهر میشود [illegible] در فصل دویم بیان کرده	نماز باطل کردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد مگر آنکه مضطر باشد	نماز را صحیح میدانند خصوصاً اگر وقت بیرون رفته باشد صحت معلوم نیست	وبعد از آنکه نماز ظاهر شود صحیح است اگر آن را از دست مسلمان یا در بلاد اسلام از مجهولی گرفته باشند	وبعد از نماز ظاهر شود نماز باطل است اگر از دست کافر یا در بلاد کافر از مجهولی گرفته باشد

پانزدهم حفظ نکردن عدد رکعتهای نماز یعنی نماز گذار نداند که چند رکعت از نماز بجا آورده مثل آنکه نداند که در رکعت اول یا دویم یا سیم یا چهارم از نماز است باطل کردد و گفته اند که نماز در صورتی باطل است که ظن او بطرفی غالب نباشد کاکر ظن او بطرفی غالب باشد بنا را بر آن میگذارد و نماز را تمام میکند والله اعلم بالصواب

شانزدهم شک در دو رکعت اول از نمازهای چهار رکعتی و شک در رکعتهای نماز دو رکعتی مثل نماز صبح و جمعه و کسوف و غیره و شک در عدد رکعتهای نماز مغرب باعث باطل شدن نماز است و گفته اند اگر بطرفی ظن بهم رساند نماز باطل است واگر ظن بطرفی بهم رساند بنا را بر آن میگذارد و نماز صحیح است بنا بر مشهور و بعضی گفته اند که در دو رکعت اول علم باید و ظن کافی نیست

هفدهم کم کردن یک رکعت یا زیاده بر آن از نماز و سهواً بخاطر آمدن آن بعد از فعل منافی که عمداً و سهواً نماز را باطل کند مثل پشت بقبله کردن و غیر نماز باطل کردد واگر بعد از فعل منافی بخاطر آید که از منافی عمداً نماز را باطل کند نه سهواً مثل حرف زدن و غیره میان علما خلاف است و مشهور آنست که آنچه ترک کرده بجا آورد و نماز صحیح است و بعضی نماز را باطل میدانند در تکلم صحیح است و در غیر تکلم محل کلام است

هیجدهم اگر کسی یک رکعت در نماز زیاد کند سهواً و بعد از رکعت چهارم بقدر تشهد ننشسته باشد نماز باطل است واگر بعد از رکعت چهارم بقدر تشهد نشسته باشد نماز صحیح است برای شهید اول و بعضی گفته اند اگر تشهد خوانده باشد نماز صحیح است والا باطل است و مشهور بطلان نماز است مطلقا

نوزدهم حفظ نکردن دو رکعت اول نماز بسبب باطل شدن نماز است و گفته اند فرق میان این شق و شک در دو رکعت اول نماز آنست که در شک گاهی کردن و گاهی نکردن آن بخاطر میرسد و هیچ طرف ترجیح ندارد بر دیگری و در این شق مطلق بخاطر نمیرسد که چند رکعت کرده و فرق میان این دو شق کردن خالی از اشکالی نیست

بیستم از جمله منافیات نماز آنست که نماز گذار مشغول الذمه باشد بچیزی و قادر باشد بادای آن و ادای آن فوراً واجب باشد مثل دین و امانت که مطالبه آن کنند و رد عین مغصوب و غیره پس تا بری الذمه نشود نماز او صحیح نباشد و این در صورتیست که وقت نماز وسعت داشته باشد که اگر وقت تنگ شده باشد گفته اند که نماز صحیح است اگرچه با تنگی وقت نیز گفته اند که احتمال منافات دارد و اظهر عدم بطلان مطلقا

بیست و یکم از جمله منافیات بالغ شدن در اثنای نماز و مراد از بالغ شدن در اینجا آنست که پسر بلوغ برسد یعنی اگر مرد باشد پانزده سال او تمام شود واگر زن باشد نه سال و بلوغ را دو ئیدن موی ظهار نیز گفته اند اما در اینجا بیا دیدن آن و مراد از بلوغ جنب شدن نیست از بهر آنکه آن حدث است پس هرگاه در اثنای نماز بالغ شود نماز باطل کردد و باید که نماز را اعاده کند به نیت وجوب

فصل دویم در بیان خللی که عمداً اگر واقع شود نماز باطل کردد نه سهواً و اینها نیز از جمله منافیات نماز اند و بیان اینها در این جدول شده و حکم اختیار و اضطرار و غیره نیز بمناسبت مقام بیان میشود

اول	اگر عمداً چنین کند	اگر از روی فراموشی	اگر اختیار چنین	اگر مضطر باشد
گذاشتن یک دست بر دیگری یعنی بطریق سنیان دست بسته نماز کردن و این را تکفیر گفته اند و تکفیر دست راست را بر دست چپ گذاشتن است و بعضی دیگر گفته اند فرقی نیست خواه دست راست را بر دست چپ گذارند یا بالعکس وخواه دستها را بالای ناف گذارند یا بزیر ناف	نماز باطل کردد وخواه داند که دست بستن مبطل نماز است خواه نداند و بعضی دست بستن را در نماز حرام میدانند نه مبطل	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد وخواه وقت بیرون رفته باشد	اگر عمداً باشد نماز باطل کردد واگر سهو باشد نماز صحیح است	نماز صحیح است هرگاه از برای تقیه دست بسته نماز کند و همچنین است اضطرار غیر تقیه
دویم	**اگر عمداً سخن کوید**	**اگر از روی فراموشی**	**اگر اختیار باشد**	**اگر مضطر باشد**
سخن گفتن در نماز بدو حرف یا زیاده بر آن هرگاه که قرآن و دعا و تسلیم نباشد و گفته اند اگر حرفی بگوید که افاده معنی تمام کند حکم سخن گفتن دارد مثل قاف یعنی نگاه دار و این فعل امر است از وقی [illegible]	نماز باطل کردد مگر آنکه دعا یا قرآن یا ذکر یا سلام باشد	نماز صحیح است هرچند که غیر قرآن و دعا و ذکر سلام باشد	اگر با عمد باشد نماز باطل است [illegible]	نماز باطل کردد اما بر او گناهی نباشد برای مجتهد الزمانی
سیم	**اگر عمداً باشد**	**اگر از روی فراموشی**	**اگر از روی اختیار**	**اگر مضطر باشد**
خوردن چیزی یا آشامیدن آب و غیره نماز را باطل کند مگر در نماز وتر هرگاه کسی تشنه باشد و خواهد که روزه بگیرد و ترسد که اگر نماز را تمام کند صبح طلوع کند جایز است که آب بیاشامد و نماز را تمام کند و بعضی بسبب خوردن و آشامیدن نماز را باطل نمیدانند مگر آنکه منافی دیگر بعمل آید	اگر عمداً باطل کردد برای شهید علیه الرحمه [illegible] از علما	نماز صحیح است مگر آنکه منافی دیگر بعمل آید [illegible]	نماز باطل است هرگاه با عمد باشد واگر با سهو باشد صحیح است	نماز صحیح است اگر در نماز وتر باشد و اضطرار در غیر نماز وتر حکمش ظاهر نشد
چهارم	**اگر عمداً واقع شود**	**اگر بسبب فراموشی باشد**	**اگر اختیار باشد**	**اگر مضطر باشد**
بقهقهه خندیدن در نماز و گفته اند خنده بقهقهه آنست که با آواز باشد و اما تبسم نماز را باطل نکند و آن خنده ایست که با آواز نباشد اگرچه تبسم کردن در نماز مکروه است اما مبطل نیست	نماز باطل کردد و تبسم نماز را باطل نکند اما مکروه است	نماز صحیح است هرچند بقهقهه خندیده باشد	نماز باطل است هرگاه عمداً واقع شود واگر با سهو واقع شود نماز صحیح است	یعنی خنده بر وجهی برسد که محافظت خود نتواند کرد نماز باطل کردد برای شهید ثانی
پنجم	**اگر عمداً گریه کند**	**اگر بسبب فراموشی باشد**	**اگر اختیاری باشد**	**اگر مضطر باشد**
گریه کردن از برای امور دنیا مثل آنکه گریه کند از برای ضیاع مال یا فوت شدن قبیلی و مانند آن و اما گریه از برای امور آخرت مثل ذکر بهشت و دوزخ یا ترس خدا از افضل عبادات بلکه سنت است بتکلیف خود را بگریه داشتن اما باید که مشتمل بر دو حرف یا زیاده بر آن نباشد	نماز باطل کردد هرگاه از برای امور دنیا گریه کند	نماز صحیح است اگرچه از برای امور دنیا باشد	نماز باطل است اگر عامد باشد واگر ساهی باشد نماز صحیح است	یعنی گریه از برای امور دنیا بر وجهی برسد که محافظت خود نتواند نمود نماز باطل کردد برای شهید ثانی

ششم ترک واجبی از واجبات نماز خواه آن واجب رکن باشد وخواه غیر رکن واحکام ترک رکن وسایر واجبات نماز از روی فراموشی در جدولهای بعد از این بتفصیل بیان خواهد شد	اگر عمداً ترک کند	اگر سهواً ترک کند	اگر جاهل باشد بحکم شرع	اگر بحکم وضعی نداند
	نماز باطل کرد د خواه رکن باشد وخواه واجب غیر رکن	نماز صحیح است اگر ترک رکنی از ارکان نماز نکرده باشد	نماز باطل است اگر عمداً ترک کند خواه رکن باشد وخواه غیر رکن غیر جهر واخفات	نماز باطل کردد اگر عمداً ترک کند خواه رکن باشد وخواه رکن غیر جهر واخفات
مفتم	اگر عمداً زیاد کند	اگر سهواً زیاد کند	اگر جاهل بحکم شرعی باشد	اگر جاهل بحکم شرعی باشد
هشتم زیاد کردن واجبی از واجبات نماز خواه رکن باشد وخواه غیر رکن وکفته اند اگر طمانینه بعد از سر برداشتن از رکوع یا طمانینه بعد از سر برداشتن از سجده اول را زیاد کند وبحدی برسد که از نماز کذار بودن بیرون رود نماز باطل نکردد بقول شهید ثانی رحمه الله	نماز باطل کردد خواه رکنی باشد وخواه واجب غیر رکن	نماز صحیح است اگر زیادتی رکن واقع نشده باشد	نماز باطل است اگر عمداً زیاد کند واگر سهواً زیاد کند نماز باطل است اگر رکن بعمل آید	نماز باطل است با عمد یا سهو ونماز باطل است اگر زیادتی رکن بعمل آید
	اگر عمداً واقع شود	اگر سهواً واقع شود	اگر اختیاراً واقع شود	اگر مضطر باشد
نهم انحراف از قبله وکفته اند اگر انحراف بتمام بدن واقع شود نماز باطل است واگر برو واقع شود تنها وبحد استدبار نرسد نماز باطل نکردد اما مکروه است بی بقبله کردن سهواً مبطل است خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد وبیمین ویسار اگر وقت باقی باشد وانحراف سهواً مبطل نیست خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد احکام مذبوره ثابت نیست واحتیاط در مسئله باید کرد	نماز باطل کردد اگر بتمام بدن باشد نه تنها براو	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	اگر عمداً باشد نماز باطل کردد واگر با سهو باشد نماز صحیح است	نماز صحیح است هرگاه در جنگ باشد چنانکه در استد با دیگر شت
	اگر عمداً چنین کند	اگر سهواً چنین کند	اگر جاهل بحکم باشد	اگر جاهل بحکم وضعی باشد
دهم عقص شعر یعنی مردی موی سر خود را در میان سر جمع کند وکره زند ونماز کند واگر زن چنین کند ونماز کند نماز او باطل کردد وبعضی کفته اند نماز کردن مردان با چنین حالی حرام است اما نماز باطل نکردد وبعضی مکروه میدانند وبعضی قایل بکراهت شده اند نم	نماز باطل کردد برای شهید اول علیه الرحمه	نماز صحیح خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز باطل است اگر با عمد باشد واگر با سهو باشد نماز صحیح باشد	نماز باطل است با عمد باشد و با سهو نماز صحیح است
	اگر عمداً چنین کند	اگر سهواً چنین کند	اگر جاهل بحکم باشد	اگر جاهل بحکم وضعی باشد
یازدهم تطبیق وآن چنانست که دستها را بر هم نهند ودر حال رکوع آنها را در میان رانها کذارند ودر این نیز خلاف کرده اند بعضی نماز را باطل میدانند وبعضی حرام میدانند اما نماز را باطل نمیدانند وبعضی مکروه میدانند نم	نماز باطل کردد برای شهید اول علیه الرحمه	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز باطل کردد هرگاه عامل باشد و با سهو نماز صحیح است	نماز باطل کردد هرگاه با عمد باشد وبا سهو نماز صحیح است
	اگر عمداً با برهنه بودن عورت نماز کند	اگر از روی فراموشی با برهنه بودن عورت نماز کند	اگر داند که عورت برهنه است ونماز کند	اگر نداند که عورت برهنه است نماز کند
دوازدهم کشف عورت در نماز یعنی برهنه بودن عورت در نماز اگر عمداً باشد نماز باطل است بشرط آنکه مضطر نباشد واگر سهواً باشد در آن سه قولست یکی آنست که اگر وقت باقی باشد نماز باطل است واگر وقت بیرون رفته باشد صحیح است خواه در تمام نماز برهنه باشد وخواه در بعضی از آن وقول دیگر آنست که اگر در تمام نماز برهنه باشد نماز باطل است واگر در بعضی از نماز برهنه باشد صحیح خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد وبقول دیگر نماز صحیح است خواه وقت باشد وخواه نباشد وخواه در تمام نماز برهنه باشد وخواه در بعضی از آن واین قول مشهور است وجهل نیز حکم سهو دارد	نماز باطل است خواه در تمام نماز باشد وخواه در بعضی از آن وخواه وقت باقی باشد وخواه نباشد اگر مضطر باشد	نماز صحیح است خواه در تمام نماز باشد وخواه در بعضی از آن وخواه وقت باقی باشد وخواه نباشد بنا بر قول مشهور	هرچند جاهل بحکم باشد نماز باطل است اگر مضطر نباشد واگر مضطر باشد نماز صحیح است مثل آنکه ساتری نداشته باشد	اگر سبب ندانستن فراموشی باشد حکم آن بیان شد واگر در اصل نداند نماز صحیح است چنانکه در سهو کذشت

وچون زیادتی وکمی رکنی از ارکان نماز عمداً وسهواً مجملاً بیان شد که مبطل نماز است در این جدول زیادتی ارکان سهواً بیان میشود وکمی رکن سهواً در صورتی نماز را باطل میکند که از محل آن کذشته باشد که تدارک نتواند نمود وزیادتی رکن سهواً در بعضی صورتها مبطل نماز نیست وبیان این احکام در این جدول شده والله المستعان

جدول در بیان ترک بعضی از ارکان نماز بسبب فراموشی	در بیان فوت محل هریک از ارکان وحکم صحت وبطلان	جدول در بیان احکام زیادتی بعضی از ارکان نماز بسبب فراموشی
اگر کسی نیت نماز را فراموش کند یعنی در اصل در خاطر او نباشد که نماز میکند واز برای خدا میکند نه آنکه بلفظ نکفته واین معنی در خاطر او باشد زیرا که نیت بودن همان معانیست در خاطر چنانکه مذکور شد	وچون تکبیر احرام بکوید بخاطر آید نماز باطل کردد خواه رکن دانند وخواه شرط از برای آنکه ترک شرط نماز را باطل کند هرچند سهوا باشد	وزیادتی نیت بنا بر مذهب جماعتی که آن را رکن میدانند باید که نماز را باطل کند از برای آنکه زیادتی رکن نماز را باطل کند هرچند سهواً باشد وبنا بر مذهب جماعتی که زیادتی نیت قبل از شروع در عمل شرط میدانند ممکنست که نماز باطل نکردد واضح برای شهید ثانی آنست که زیادتی نیت که اگر تلفظ بآن نکرده مبطل نماز نباشد خواه رکن باشد وخواه شرط
اگر کسی قیام یعنی ایستادن را فراموش کند ودر قیامی که رکنست خلاف کرده اند بعضی کفته اند که قیام بارکن است وبعضی کفته اند آنچه از قیام مشتمل بر رکنی باشد رکن است پس قیام در حال نیت با قیام در حال تکبیر احرام رکن است وشهید اول قیام متصل برکوع را رکن میداند پس قیامی که بآن رکوع نباشد رکن نخواهد بود	پس اگر قیام در حال نیت را فراموش کند نماز باطل کردد موافق مذهب بعضی واگر قیام در حال تکبیر را فراموش کند نماز باطل کردد موافق مذهب مشهور واگر قیام متصل برکوع را فراموش کند نماز باطل کردد برای شهید اول وجمعی از علما در تمام قیام قبل از رکوع	وزیادتی قیامی که با آن رکن دیگر ضم نکردد نماز را باطل نکند پس اگر کسی بایستد در جایی که باید بنشیند از روی فراموشی وبرکوع نرود نماز باطل نکردد واگر رکن دیگر با آن ضم شود زیادتی آن سهواً نیز نماز را باطل کند مثل آنکه بایستد در جایی که باید نشست وبرکوع نیز برود نماز باطل کردد اینست تحقیق و کیفیت قیام والله اعلم
اگر کسی تکبیر احرام را فراموش کند یعنی بعد از نیت بیفاصله تکبیر بقصد تکبیر احرام نکوید	هروقت بخاطر آید نماز باطل کردد هرچند که رکوع رفته باشد کفته اند سبب باطل شدن نماز فوت مقارنت نیت است	واگر کسی دو تکبیر احرام بکوید نماز باطل کردد هرچند سهواً باشد وکفته اند اگر هر دو را بقصد تکبیر احرام بکوید نماز باطل کردد نه بقصد مطلق ذکر که ذکر ثانی را بقصد ذکر بکوید نماز باطل نکردد برای شهید ثانی نم
واگر کسی رکوع را فراموش کند وکفته اند که هیئت رکوع وقتی حاصل شود که آنقدر خم شوند که دستها بزانوها برسد پس اگر شروع در خم شدن نماید هنوز بآنقدر نرسیده باشد رکن حاصل نشده باشد وذکر رکوع وقرار کرفتن بقدر ذکر وسر برداشتن از رکوع را واجب میدانند وداخل در حقیقت رکوع نمیدانند بنا بر قول مشهور	وچون پیشانی را بر زمین کذارد وبخاطر او آید نماز باطل کردد موافق مشهور وبعضی کفته اند که اگر در رکعت آخر باشد هرچند دو سجده را هم کرده باشد برخیزد ورکوع را بجا آورد وآن سجدها را حساب نکند ونماز را تمام کند	وزیادتی رکوع نماز را باطل کند هرچند سهواً باشد پس اگر در یک رکعت دو رکوع بجا آورد نماز باطل کردد اجماعاً مگر در صورتی که شک کند در رکوع در وقتی که ایستاده باشد باید که برکوع برود وچون رکوع رود هنوز سر بر نداشته اگر بیادش آید که پیشتر رکوع کرده بود وبعضی کفته اند که سر از رکوع بر نداشته بسجود رود ونماز صحیح است اما مشهور بطلان نماز است
واگر کسی دو سجده را فراموش کند وکفته اند که هر دو سجده با هم رکن است واین قول مشهور است پس اگر کسی یک سجده را سهواً ترک کند یا یک سجده را زیاد سهواً بجا آورد نماز باطل نکردد وبر این قول بحث کرده اند که هرگاه رکنیت از مجموع من حیث المجموع حاصل شود میباید که اگر یک سجده را هم ترک کند مجموع من حیث المجموع بعمل نیامده باشد وشهید اول کفته که رکن مسمی سجود است وبر آن نیز بحث می باید واین رساله کنجایش بیان این امور ندارد والله اعلم	وچون در رکعت بعد از برکوع رود بخاطرش آید نماز باطل کردد موافق مشهور واگر یک سجده را فراموش کرده باشد وبعد از رکوع بخاطرش آید نماز باطل نمیشود وحکم آن بعد از این بیان خواهد شد ان شاء الله تعالی	وزیادتی دو سجده در یک رکعت سبب باطل شدن نماز کردد هرچند سهواً باشد پس اگر کسی در یک رکعت چهار سجود بجا آورد نماز باطل کردد اجماعاً واما در نماز جماعت چنین نیست پس اگر کسی از روی فراموشی پیشتر از پیشنماز سر برکوع یا سجود دارد بر میکردد و بار دیگر با پیشنماز برکوع یا سجود میرود وهمچنین اگر بکمان آنکه پیشنماز سر برداشته سر بردارد از رکوع یا سجود باید که برکردد و با پیشنماز سر بر دارد ومشهور آنست که در این صورت سبب زیادتی رکن نماز باطل نکردد نم

منشم دویم خللی است که نماز را باطل نکند فصل سیم در بیان خللی که بسبب آن چیزی لازم نگردد یعنی نه تلافی لازم شود و نه سجدهٔ سهو و نماز صحیح است و آن در صورتیست که واجبی از واجبات نماز غیر رکن را فراموش کند و بعد از گذشتن از محل آن بخاطرش آید و بیان اقسام آن در این جدول بیان شد بعون الله تعالی

در بیان اجزای آن	در بیان فوت محل هر یک از اجزا	در بیان احکام	
اگر کسی خواندن حمد و سوره را فراموش کند	و چون بحد رکوع رسید بخاطرش آید یعنی بقدر خم شده باشد که دستها بزانوها برسد	نه تلافی قرائت باید نمود و نه سجدهٔ سهو موافق مشهور	و نماز صحیح است
اگر کسی خواندن حمد را تنها فراموش کند و سوره خوانده باشد	و چون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجدهٔ سهو نباید کرد بنابر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر کسی در دو رکعت اول نماز خواندن سوره را فراموش کند و حمد تنها بخواند	و چون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجدهٔ سهو نیز لازم نگردد بنابر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر کسی خواندن بعضی از حمد یا بعضی از سوره را فراموش کند خواه آیه باشد یا زیاده بر آن یا کمتر از آن	و چون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجدهٔ سهو نیز لازم نگردد بنابر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر صفتی از صفات قرائت را فراموش کند مثل ترتیب یا ادای حروف از مخارج یا سایر واجبات آن را	و چون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجدهٔ سهو نیز لازم نگردد بنابر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر بلند خواندن را فراموش کند در جائی که بلند باید خواند و آهسته بخواند یا آهسته خواندن را فراموش کند و بلند بخواند	و چون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجدهٔ سهو نیز لازم نگردد بنابر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر ذکر رکوع را بعد از گفتن آن یا قرار گرفتن بقدر ذکر را فراموش کند اما باید که بحد رکوع خم شده باشد	و چون سر از رکوع بردارد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجدهٔ سهو نیز لازم نگردد بنابر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر سر برداشتن از رکوع یا قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از رکوع را فراموش کند	و چون بحد سجود رود بخاطرش آید و حد سجود آنست که پیشانی بزمین رسد	تلافی نباید نمود و سجدهٔ سهو نیز لازم نگردد بنابر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر ذکر سجدهٔ اول یا قرار گرفتن بقدر ذکر یا سجده کردن بر بعضی از اعضا غیر جبهه را فراموش کند	و چون سر از سجدهٔ اول بردارد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجدهٔ سهو نیز لازم نیست بنابر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر نشستن بعد از سجدهٔ اول یا قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از سجدهٔ اول را فراموش کند	و چون بحد سجدهٔ دویم رسد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجدهٔ سهو نیز لازم نگردد بنابر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر ذکر سجدهٔ دویم یا قرار گرفتن بقدر ذکر یا سجده کردن بر بعضی از اعضا غیر جبهه را فراموش کند	و چون سر از سجدهٔ دویم بردارد بخاطرش آید	تلافی نباید کرد و سجدهٔ سهو نیز لازم نگردد بنابر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر واجبی از واجبات نماز را بسبب فراموشی زیاد بفعل آورد اما باید که غیر رکن باشد	و زیاده واجب را محل نباشد که بعد از فوت محل یا بعد از آن بخاطرش آید	سجدهٔ سهو لازم نگردد مگر در چند صورت که بعد از این مذکور خواهد شد	و نماز صحیح است

و سجدهٔ سهو از برای سهوی که در سجده یا نماز احتیاط واقع شود لازم نگردد یعنی اگر در سجدهٔ سهو یا نماز احتیاط چیزی را فراموش کند که اگر در نماز اصل آنرا فراموش کند که موجب سجده گردد در اینجا موجب سجدهٔ سهو نگردد و همچنین نماز احتیاط اگر کسی شک کند که آیا در نماز او سهوی

حاصل شده باشد یا نشده یا شک کند که آیا از او شکی حاصل شده یا نشده چیزی بر او لازم نگردد و اگر کسی سهو بسیار کند بحیثیتی که او را در عرف

کثیر السهو از او ساقط گردد یعنی سجدهٔ سهو و در سقوط سجدهٔ سهو اشکالی هست احوط فعل است و نماز احتیاط بر او لازم نگردد و بعضی گفته‌اند که کثیر السهو است که در سه نماز پی در پی سهو کند یا در یک نماز سه بار سهو از او سر زند

و اگر پیش نماز در چیزی شک کند و ماموم آنرا حفظ کرده باشد آن شک اعتبار ندارد و حکم شک ساقط گردد و همچنین شک کند و اما آنرا حفظ کرده باشد آن شک اعتبار ندارد

و اگر کسی شک کند در چیزی و ظن او بر طرفی غالب گردد عمل بظن نماید و حکم شک ساقط گردد

فصل چهارم

فصل چهارم از قسم دویم در بیان خللی که اگر در نماز واقع شود تلافی آن باید نمود بدون سجدهٔ سهو و آن در صورتیست که واجبی از واجبات نماز را فراموش کند و پیش از آنکه از محل آن بگذرد بخاطر آید باید که آنرا تلافی کند و سجدهٔ سهو نیز لازم نگردد و نماز صحیح باشد و بیان آنها در این جدول شد بعون الله تعالی

در بیان فراموش کردن هر یک از واجبات نماز	در بیان محل هر یک از واجبات نماز	در بیان احکام	در بیان صحت و بطلان نماز
اگر کسی خواندن حمد و سوره را فراموش کند	و هنوز بحد رکوع نرسیده بخاطرش آید یعنی بقدری خم نشده باشد که دستها بزانوها برسد هرچند که شروع در خم شدن کرده باشد	باید که برگردد و قرائت کند	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
اگر کسی خواندن حمد را به تنهائی فراموش کند و سوره را خوانده باشد	و هنوز بحد رکوع نرسیده بخاطرش آید و حد رکوع مذکور شد	باید که برگردد و حمد را بخواند و بار دیگر بعد از حمد سوره را بخواند اگر خواهد همان سوره را بخواند و اگر خواهد سورهٔ دیگر بخواند	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
اگر کسی بعضی از حمد یا سوره را فراموش کند اگرچه یک آیه باشد یا کمتر یا بیشتر یا صفتی از صفات قرائت را فراموش کند	و هنوز بحد رکوع نرسیده بخاطرش آید هرچند که از برای رکوع شروع در خم شدن کرده باشد	برگردد و آنچه را ترک کرده بجا آورد و ما بعد آن را تا ترتیب بعمل آید	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
اگر خواندن بلند قرائت را فراموش کند در جائی که بلند باید خواند آهسته بخواند یا آهسته خواندن را فراموش کند و بلند بخواند	و هنوز بحد رکوع نرسیده بخاطرش آید و حد رکوع بیان شد	محل خلافست بعضی بر آنند که تدارک باید نمود و بعضی بر آنند که تدارک نباید نمود هرچند که پیش از خم شدن از برای رکوع بخاطرش آید و اظهر [illegible]	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
و اگر کسی ذکر رکوع را فراموش کند یعنی بقدر رکوع خم شده باشد و ذکر آنرا فراموش کند	و هنوز از حد رکوع بیرون نرفته بخاطرش آید	باید که ذکر را تدارک کند و بعد از آن سر از رکوع بردارد	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
و اگر کسی رکوع را فراموش کند و مراد از رکوع خم شدنست بحدی که دستها بزانوها برسد	و هنوز بحد سجود نرسیده بخاطرش آید یعنی پیشانی بزمین نگذاشته بخاطرش آید	باید که برخیزد و راست بایستد و بعد از آن برکوع رود و با آن خم شدنی که از برای سجود کرده اکتفا نکند هرچند که از خم شدن بحد رکوع رسیده باشد	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
و اگر سر برداشتن از رکوع یا قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از رکوع را فراموش کند	و هنوز بحد سجود نرسیده بخاطرش آید هرچند که از برای سجود خم شده باشد	باید که برگردد و فراموش شده را تدارک کند و اگر قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از رکوع را فراموش کرده باشد راست بایستد و اندک توقف کند و بسجود رود	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
اگر ذکر سجدهٔ اول را یا قرار گرفتن بقدر ذکر یا سجده کردن بر بعضی اعضاء غیر جبهه را فراموش کند	و پیش از سر برداشتن از سجدهٔ اول بخاطرش آید	باید که آنچیزی را که فراموش کرده تدارک نماید خواه ذکر باشد و خواه سجده بر بعضی اعضا و غیره	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
اگر کسی قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از سجدهٔ اول فراموش کند	و پیش از آنکه سر از برای سجدهٔ دویم بر زمین گذارد و بخاطرش آید	باید که بنشیند و اندکی قرار بگیرد و بعد از آن بسجدهٔ دویم رود	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد

اگر کسی ذکر سجده یا در تک کردن بعد ذکر یا گذاشتن بعضی اعضا بر زمین غیر جبهه را فراموش کند	و پیش از سر برداشتن از سجدهٔ دوم بخاطرش آید	آنچیزی را که فراموش کرده باید که تلافی نماید خواه ذکر باشد و خواه گذاشتن بعضی از اعضا بزمین و خواه غیر آن	نماز صحیح و سجدهٔ سهو لازم نگردد
اگر کسی یک سجده را فراموش کند	و بعد از ایستادن و پیش از رسیدن بحد رکوع بخاطرش آید	برگردد و سجدهٔ فراموش شده را بجا آورد و قرائت را از سر گیرد اگر کرده باشد و اگر بعد از سجدهٔ اول نشسته باشد و قرار گرفته بقصد واجب عمل آورده باشد بار دیگر نشستن و قرار کردن در کار نیست	نماز صحیح و سجدهٔ سهو لازم نگردد بنابر مشهور نم
اگر کسی یک سجده را فراموش کند	و بعد از ایستادن و پیش از رسیدن بحد رکوع بخاطرش آید	برگردد و آن سجدهٔ فراموش شده را بجا آورد و اگر بعد از سجدهٔ اول در اصل نشسته باشد و قرار نگرفته باشد باید که اول بنشیند و اندک قرار بگیرد و بعد از آن بسجود رود	نماز صحیح و سجدهٔ سهو لازم نگردد بنابر مشهور نم
اگر کسی یک سجده را فراموش کند	و بعد از ایستادن و پیش از رسیدن بحد رکوع بخاطرش آید	و بعد از آن سجده که بجا آورده نشسته و قرار گرفته باشد اما نه بقصد واجب که بقصد جلسهٔ استراحت در اینصورت خلافست و برای شهید آنست که همان نشستن و قرار گرفتن کافی است ظاهر اینست	نماز صحیح برای شهید اول و جمعی از علما و سجدهٔ سهو لازم نگردد
اگر کسی هر دو سجده را فراموش کند	و بعد از ایستادن و پیش از رسیدن بحد رکوع رسد بخاطرش آید	باید که برگردد و هر دو سجده را تدارک کند و در اینصورت نیز میان علما خلافست بعضی قایل شده‌اند که نماز باطل میگردد	اما مشهور آنست که نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
اگر کسی یک سجدهٔ رکعت آخر را فراموش کند	و بعد از تشهد و پیش از سلام گفتن بخاطرش آید	باید که برگردد و آن سجده را بجا آورد و تشهد را بار دیگر بخواند	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
اگر کسی دو سجدهٔ رکعت آخر را فراموش کند	و بعد از ایستادن و پیش از رکوع آن یکی بخاطرش آید و آن دیگری شک کند	باید که برگردد و هر دو سجده را بجا آورد و تشهد بار دیگر بخواند	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
اگر کسی یک سجده را فراموش کند و در یک سجده شک داشته باشد	و بعد از تشهد و پیش از سلام گفتن بخاطرش آید	این صورت محل اشکال است رای شهید ثانی بعضی از علما آنست که هر دو سجده را بجا آورد و ظاهر رای مجتهد الزمانی آنست که همان سجدهٔ فراموش شده را بجا آورد و ظاهر است	نماز صحیح است برای مجتهد الزمانی اگر اعادهٔ نماز نیز بکند شاید احوط باشد نم
اگر کسی تشهد اول نماز را فراموش کند	و بعد از ایستادن و پیش از رکوع بخاطرش آید	باید که بنشیند و تشهد را بجا آورد و دوباره خیزد و قرائت را از سر گیرد اگر قرائت کرده باشد و اگر نکرده باشد قرائت کند	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
اگر کسی تشهد آخر نماز را فراموش کند	و پیش از سلام بخاطرش آید	برگردد و تشهد را بجا آورد و بنابر مذهب جماعتی که سلام را سنت میدانند رجوع کند بتشهد مادام که از نماز منصرف نشده باشد	و نماز صحیح است

فصل پنجم در بیان خللی که هم تلافی باید نمود و هم سجدهٔ سهو و بیان آن در این جدول شده

در بیان فراموش کردن افعال نماز	در بیان گذشتن از محل هر یک از افعال	در بیان احکام از تلافی و سجدهٔ سهو	در بیان صحت و بطلان نماز
اگر کسی یک سجده از نماز فراموش کند	و چون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	باید که بعد از نماز تلافی آن سجده نماید و سجدهٔ سهو نیز بجا آورد موافق مذهب مشهور نم	و نماز صحیح است
و اگر کسی یک سجدهٔ رکعت آخر نماز را فراموش کند	و بعد از آنکه سلام گوید بخاطرش آید	باید این سجدهٔ فراموش شده را تلافی کند	و نماز صحیح است
اگر کسی تشهد اول نماز را فراموش کند	و چون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	باید که بعد از نماز تلافی آن تشهد نماید و سجدهٔ سهو نیز بجا آورد موافق مشهور نم	و نماز صحیح است
و اگر کسی تشهد آخر نماز را فراموش کند	و بعد از آنکه سلام گوید بخاطرش آید	باید که تشهد را بجا آورد و سجدهٔ سهو واجب گردد برای بعضی از علما و مجتهد الزمانی گفته‌اند که سجدهٔ سهو احوطست اگرچه دلیلی ندارد	و نماز صحیح است
اگر کسی صلوات فرستادن بر پیغمبر و آل او را در تشهد فراموش کند	و بعد از رکوع بخاطرش آید اگر از تشهد اول باشد و بعد از سلام بخاطرش آید اگر از تشهد آخر باشد	باید که بعد از نماز صلوات فراموش شده را بجا آورد و سجدهٔ سهو نیز بجا آورد موافق برای شهید اول نم و بعضی قضای او را واجب نمیدانند	و نماز صحیح است

فصل دویم در بیان خللی که باعث سجدهٔ سهو گردد بدون تلافی و بیان آن در این جدول شده و احوط برای شهید اول و اکثر علما آنست که سجدهٔ سهو از برای هر زیادتی و کمی که در نماز واقع شود اما باید که آن زیادتی و کمی نماز را باطل نکند

اول اگر کسی از روی فراموشی سلام را در غیر موضع بجا آورد باید که بعد از نماز سجدهٔ سهو بجا آورد و بر این نقل اجماع کرده‌اند مگر محمد ابن یعقوب کلینی که در این صورت قایل بوجوب سجدهٔ سهو نشده است و باقی علما واجب میدانند

دویم اگر کسی از راه فراموشی در اثنای نماز سخن بگوید که مشتمل بر دو حرف باشد یا یک حرف که افادهٔ معنی تمام کند مثل قِ و غیره مگر غیر قرآن و دعا و ذکر و تکبیر سلام باشد باید که بعد از نماز سجدهٔ سهو بجا آورد و در اینصورت خلافی میان علما ظاهر نمیشود

سیم اگر کسی از روی فراموشی بایستد در جائی که باید نشست و بنشیند در جائی که باید ایستاد و باید که بعد از سلام سجدهٔ سهو بجا آورد و این مذهب لیکن احوطست موافق رای شهید و اکثر علما مگر آنکه خواندن تشهد را فراموش کند و برخیزد بقرائت و در آن اثنا بخاطرش آید که تشهد نخوانده بر میگردد و تشهد میخواند باز برمیخیزد بقرائت اگرچه در این صورت هم قیام در موضع قعود شد اما سجدهٔ سهو لازم نگردد چنانکه مذکور شد

چهارم اگر کسی شک کند میان رکعت چهارم و پنجم در نماز چهار رکعتی باید که بعد از سلام نماز سجدهٔ سهو بجا آورد و مفصل احکام این مبحث شک در میان رکعات نماز مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی

در بیان کیفیت تلافی اجزای فراموش شدهٔ نماز و احکام آن از سجده و تشهد و صلوات و غیره احوط است

و اولی آنست که واجب باشد که اجزای فراموش شدهٔ نماز را بعد از نماز بی فاصله بجا آورد برای شهید اول و شرطهائی که در اینها اعتبار دارد در نماز شرطهای از طهارت و پوشیدن عورت و رو بقبله بودن و غیره و اگر چند فعل را در نماز فراموش کرده باشد باید که بعد از نماز اول فعلهای فراموش شده بترتیبی که فراموش کرده بجا آورد و بعد از آن از برای هر یک سجدهٔ سهو بترتیب بعمل آورد و اگر بحد کثیر السهو رسیده باشد زیرا که سجدهٔ سهو از کثیر السهو ساقط میشود

و اگر کسی یک سجده را در نماز فراموش کرده باشد و خواهد که بعد از نماز تدارک آن کند باید که نیت چنین کند

که سجدهٔ فراموش شدهٔ نماز ظهر را مثلاً بجای آورم ادا واجب بقربت بخدا و نیت قضا کند اگر وقت بیرون رفته باشد یا در نماز قضا آنرا فراموش کرده باشد و مقارن نیت پیشانی و سایر اعضا را بر زمین گذارد موافق رای شهید اول و اگر در نمازی که از میت اجاره گرفته باشد

یا در نمازی که از برای پدر میکند چنین سهوی واقع شود نیت چنین کند که بنیابت فلان

مگر در صورتی که ... سجدهٔ سهو ... و بعد از سلام ... قضای سهو ... ترتیب شود ... اول باشد

منیت سجده فراموش شده را بجای آورم بجهت آنکه واجبست بر او باصالت و بر من بنیابت ادا قربة الی الله و باید که سجده بر جبهه و شش عضو دیگر بجا آورد و ذکر سجود و قرار گرفتن بقدر ذکر و سایر واجبات سجود را بجا آورد و باید که محل سجده پاک باشد و از جنسی باشد که سجده کردن بران جایز باشد چنانچه در سجده نماز مذکور شده است

واگر تشهد را فراموش کرده باشد نیت چنین کند که تشهد فراموش شده فلان نماز را بجا می آورم ادا یا قضا

واجب قربة الی الله و بعد از ان تشهد را بخواند و سایر واجبات تشهد را چنانکه مذکور شد بجا آورد و اگر صلوات بر پیغمبر را فراموش کرده باشد مثل تشهد است و سایر احکام تشهد و صلوات مثل احکام سجده فراموش شده نماز است

در بیان کیفیت سجده سهو و احکام آن و سجده سهو که دو سجده اند که بعد از اجزای فراموش شده نماز بعد

سلام نماز بجا باید آورد و واجبست و جوب ثابت نیست لکن احوط است در ان دو سجده آنچه واجبست در سجده نماز از سجده کردن بر هفت عضو و آنکه مسجد پیشانی پاک باشد و از جنسی باشد که سجده کردن بران صحیح باشد و قرار گرفتن بقدر ذکر و غیره و اما ذکر این دو سجده غیر ذکر سجده نماز است و شرط است مراعات شروط مزبوره احوط است وجوب معلوم نیست در این دو سجده با طهارت بودن و پوشانیدن عورت و رو بقبله بودن و غیره و اگر بعد از نماز و پیش از سجده سهو از کسی حدثی صادر شود واجبست که طهارت کند و بعد از ان سجده سهو را بجا آورد و متعدد میشود سجده سهو هرگاه که اسباب متعدد باشد هر چند در یک نماز باشد مثل آنکه کسی در یک رکعت یک سجده را فراموش کند و در رکعت دیگر تشهد را فراموش کند پس بعد از نماز از برای هر یک سجده سهو علیحده باید کرد مگر آنکه بحد کثیر السهو رسد و بعضی از علما گفته اند که در نیت سجده قصد ادا یا قضا کردن در کار نیست و اجود بنای شهید آنست که قصد ادا یا قضا باید نمود و در کتاب بیان یک ادا یا قضا واجب میدانند و بعضی از علما گفته اند که در نمازی که از برای نیت میکنند خواه باجاره باشد و خواه پسر بزرگتر قضای نماز فوت شده پدر کند اگر سهوی واقع شود که باعث سجده سهو باشد باید که در نیت ذکر نیت بکنند و بیشتر بر آنند که ذکر نیت در سجده سهو در کار نیست

در بیان تشهد سجده سهو	در بیان ذکر سجده سهو	در بیان نیت سجده سهو
و چون سر از سجده دوم بر دارد بگوید اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و در تشهد خلاف کرده اند که آیا البته باید که تشهد صغیر بخواند چنانکه مذکور شد یا اگر تشهد کبیر که در نماز میخوانند بخوانند نیز کافیست و احوط برای مجتهد الزمانی آنست که اکتفا بتشهد صغیر کنند چنانکه مذکور شد و بعد از تشهد سلام بجا آورند مثل سلام نماز موافق مشهور و ابو الصلاح خلاف کرده میگوید که سلام بر محمد و آله و سلم باید داد	و در هر یک از سجده گذاردن این ذکر را بگوید بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ صَلَّی اللهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و اگر خواهد که این ذکر را بگوید بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکَاتُهُ هر یک از این دو ذکر را که در سجده سهو بگوید کافیست و طریق دیگر نیز نقل کرده اند	نیت چنین کند که دو سجده سهو بجا می آورم از برای سهوی که در نماز ظهر کرده ام مثلا از برای آنکه واجبست قربة الی الله و مقارن نیت پیشانی را بر زمین گذارد و گفته اند تعیین سبب سجده سهو در کار نیست هرگاه سبب یک چیز باشد و اگر چند چیز باشد واجبست یعنی اگر کسی تشهد را مثلا بتنهائی فراموش کرده باشد واجب نیست که در نیت سجده سهو قصد کند که سجده سهو را از برای تشهد فراموش شده بجا می آورم و اگر تشهد و یک سجده باشد مثلا باید که هر سجده سهوی که بجا می آورد قصد کند که از برای کدام بجا می آورم و شهید در کتاب ذکری تعیین سبب را مطلقا واجب میداند

فصل هفتم در بیان خللی که باعث نماز احتیاط گردد و آن شک در عدد رکعتهای نماز است پس اگر شک کند در عدد رکعتهای نماز دو رکعتی قبل از کامل سجده تین باطلست و احتیاط مذکور هرگاه قبل از سر برداشتن از سجده ثانیه باشد خوبست مثل نماز صبح و جمعه و غیره یا در عدد رکعتهای نماز سه رکعتی باشد مانند نماز شام یا در عدد رکعت اول باشد از نمازهای چهار رکعتی مشهور آنست که نماز باطل گردد چنانکه سابقا مذکور شد و اگر در نماز چهار رکعتی بعد از تحقق دو رکعت اول داشته باشد و در باقی شک کند مشهور از ان دوازده صورت و در این جدول بیان آنها نمودیم چنانکه شهید و علما ذکر نموده اند

	اگر پیش از رفتن بسجود باشد	واگر بعد از رفتن بسجود و پیش از کمال آن باشد	واگر بعد از کامل نمودن دو سجده شک کند
اول			
آنست که شک کند میان دو و سه	نمازش باطل است	احوط برای مجتهد الزمانی آنست که بنا بر سه بگذارد و نماز را تمام کند و دو رکعت نماز احتیاط نشسته بگذارد و نماز را نیز اعاده کند و بدل دو رکعت نشسته یک رکعت ایستاده بگذارد	بنا را بر سه بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از اتمام نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بگذارد و برای شهید اول و برای مجتهد الزمانی آنست که بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط بگذارد [illegible]
دویم	اگر پیش از رکوع باشد	واگر بعد از رکوع و پیش از سجود باشد	واگر بعد از کامل شدن سجده دویم باشد
آنست که شک کند میان سه و چهار	نمازش صحیح است و احکام آن بطریقی که بعد از کامل نمودن سجده دویم بیان میشود	نمازش صحیح است و احکام آن بطریقی است که بعد از کامل نمودن دو سجده دویم مذکور میگردد	باید که بنا را بر چهار بگذارد و آنچه باقی مانده بجا آورد و نماز را تمام کند و بعد از اتمام نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد و دو رکعت نشسته برای مجتهد الزمانی احوط
سیم	اگر پیش از رفتن بسجده دویم باشد	واگر پیش از کامل نمودن سجده دویم باشد	واگر بعد از کامل نمودن سجده دویم باشد
آنست که شک کند میان دو و چهار	نمازش باطل است	احوط برای مجتهد الزمانی آنست که بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد و نماز را اعاده کند	بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام میکند و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده میکند بقول اکثر علما و شیخ ابن بابویه شک میان دو و چهار را مبطل نماز میدانند
چهارم	اگر پیش از رفتن بسجده دویم باشد	واگر پیش از کامل نمودن سجده دویم باشد	واگر بعد از کامل نمودن دو سجده باشد
آنست که شک کند میانه دو و سه و چهار	نمازش باطلست	احوط برای مجتهد الزمانی آنست که بنا را بر چهار میگذارد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت نشسته بجای آورد و نماز را نیز اعاده کند	بنا را بر چهار گذارد و بعد از تشهد و تسلیم اولا دو رکعت نماز احتیاط ایستاده میکند بقول اکثر علما از شیخ و برای شهید اول و بعضی گفته اند دو رکعت نشسته را مقدم باید داشت
پنجم	اگر پیش از رکوع باشد	واگر در اثنای سجود باشد	واگر بعد از سجود باشد
آنست که شک کند میانه دو و پنج	نمازش باطلست	نمازش باطل است	مشهور میان علما آنست که نمازش باطلست و شهید قول احتمال داده است که بنا بر کمتر گذارد و نمازش را تمام کند
ششم	اگر پیش از رکوع باشد	واگر بعد از رکوع باشد	واگر بعد از سجود باشد
آنست که شک کند میانه سه و پنج	برای بعضی علما آنست که باید بنشیند و تشهد و تسلیم بجا آورد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو سجده سهو نیز بجا آورد	مشهور باطل بودن نماز است و برای شهید احتمال داده که بنا را بر کمتر گذارد و نماز را تمام [illegible]	مشهور میان علما بطلان نماز است و شهید علیه الرحمه احتمال داده که بنا را بر کمتر گذارد و نماز را تمام کند
هفتم	اگر پیش از رکوع باشد	واگر بعد از رکوع باشد	واگر بعد از سجود باشد
آنست که شک کند میانه دو و سه و پنج	نمازش باطلست	نمازش باطل است	مشهور بطلان نماز است میان علما و شهید اول احتمال داده است که بنا را بر کمتر گذارد و تمام کند
هشتم	اگر پیش از رکوع یا بعد از ان باشد	واگر پیش از تمام کردن دو سجده باشد	واگر بعد از تمام کردن سجدها باشد
آنست که شک کند میانه دو و چهار و پنج	نمازش باطل است	نمازش باطل است	یک وجه آنست که بنا را بر کمتر گذارد و نماز را تمام کند و وجه دیگر آنست که بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده برای شهید [illegible] و دو سجده سهو نیز بجا آورد
نهم	اگر پیش از رکوع یا بعد از ان باشد	واگر پیش از تمام کردن سجدها باشد	واگر بعد از تمام کردن سجدها باشد
آنست که شک کند میانه دو و سه و چهار و پنج	نمازش باطلست	نمازش باطلست	حکم این نیز حکم صورت هشتم است با زیادتی دو رکعت نماز احتیاط نشسته بجا آورد یعنی بنا را بر چهار گذارد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت نشسته بجا آورد و دو سجده سهو نیز بجا آورد
دهم	اگر پیش از رکوع باشد	واگر بعد از رکوع باشد	واگر بعد از سجود باشد
آنست که شک کند میان چهار و پنج	بنشیند و اگر تشهد نخوانده بخواند و سلام دهد و بعضی گفته اند در دو رکعت نماز احتیاط نشسته یک رکعت ایستاده و دو سجده سهو بجا آورد	بعضی نماز را باطل میدانند و بعضی گفته اند که این رکعت را اگر تمام کند و دو سجده سهو نیز بجا آورد کافی است [illegible] احوط است	باید که تشهد بخواند و سلام گوید و دو سجده سهو بجا آورد
یازدهم	اگر پیش از رکوع باشد	واگر بعد از رکوع باشد	واگر بعد از سجود باشد
آنست که شک کند میان سه و چهار و پنج	بعضی علما گفته اند که بنشیند و تشهد و تسلیم بجا آورد و بعد از ان دو رکعت نماز احتیاط نشسته یا یک رکعت ایستاده و دو سجده سهو	برای مجتهد الزمانی اگر تمام کند دو رکعت نماز احتیاط نشسته یا یک رکعت ایستاده و دو سجده سهو بکند ظاهرا مجزی است و اگر اعاده نیز بکند احوط است	یک وجه آنست که بنا را بر کمتر گذارد و وجه دیگر آنست که بنا را بر چهار گذارد و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده بگذارد و دو سجده سهو بجا آورد و این قول برای شهید اول اقوی است
دوازدهم	آنست که شک تعلق گیرد برکعت ششم و در این صورت بعضی از علما نماز را باطل میدانند و بعضی گفته اند که بنا را بر کمتر گذارد و حکم آن مثل حکم تعلق شک برکعت پنجم است		

در بیان احکام شک در افعال نماز پس اگر کسی شک کند در فعلی از محل آن فعل گذشته باشد داخل

در فعل دیگر شده باشد این شک اعتبار ندارد و اگر محل آن فعل باقی باشد آنرا بجای آورد و نماز صحیح است خواه شک در دو رکعت اول باشد و خواه در دو رکعت آخر و خواه رکن باشد و خواه واجب غیر رکن و چون بعضی از علما گفته اند که هر شکی که در دو رکعت اول واقع شود نماز باطل میشود احوط برای مجتهد الزمانی آنست که عمل بمقتضای شک کرده اعاده نیز بکند خصوصا در صورتیکه شک تعلق برکن دو رکعت اول گرفته باشد و اگر در فعلی شک کند و محل آن باقی باشد و آنرا بجا آورد و بعد از آن بخاطرش آید که آن فعل را پیشتر کرده بود اگر آن فعل رکن باشد مانند تکبیر احرام و رکوع و غیره نماز باطل گردد و اگر غیر رکن باشد از واجبات دیگر ضرر ندارد و اگر بعد از گذشتن از محل شک کند و برگردد و آن فعلی را که در آن شک کرده بود بجا آورد نماز او مشهور آنست که باطل است و هر شکی که بعد از فارغ شدن از نماز عارض گردد اعتبار ندارد خواه در رکعات باشد و خواه در افعال و اگر شک کند که آیا از برای نماز ظهر مثلا نیت ظهر کردم یا نیت عصر جمعی گفته اند بنا را بر نماز ظهر میگذارد و نماز را تمام میکند اگر وقت باشد و بعد از آن نماز عصر را میکند و اگر در خارج وقت باشد بنا را بر عصر میگذارد و این در صورتیست که شک کند در آنکه نماز ظهر است یا عصر و یقین نداند که نماز ظهر را نکرده است و اگر یقین داند که نماز ظهر را نکرده و شک در نیت کند که آیا نیت ظهر کرده یا عصر چنانکه در متن ظاهر مسطور است احوط اعاده است اگر اعاده نماز باید نمود و اظهر برای مجتهد الزمانی آنست که شکش اعتبار ندارد خواه در اثنای نماز باشد و خواه بعد از آن و در این جدول شک در افعال نماز و گذشتن از محل هر یک بیان شده ٠

در بیان شک در افعال نماز	در بیان محل هر یک از اجزای	در بیان احکام از صحت و بطلان نماز و غیره
اگر کسی شک کند در نیت	بعد از آنکه تکبیر احرام گفته باشد	شک آن اعتبار ندارد نماز را تمام کند صحیح است
اگر شک کند در تکبیر احرام	بعد از آنکه شروع در خواندن حمد کرده باشد	شک آن اعتبار ندارد نماز را تمام کند و صحیح است
اگر شک کند در خواندن حمد	بعد از آنکه شروع بسوره کرده باشد	محل خلاف اظهر برای مجتهد الزمانی آنست که ملتفت نشود و احوط آنست که اعاده حمد نیز بکند تم
اگر کسی شک کند در قراءت	بعد از آنکه شروع در قنوت کرده باشد	محل خلاف است احوط برای مجتهد الزمانی آنست که ملتفت نشود
اگر کسی شک کند در قراءت	بعد از آنکه شروع در خم شدن کرده باشد و هنوز بحد رکوع نرسیده باشد	اظهر برای مجتهد الزمانی آنست که اعتبار ندارد و احوط آنست که نماز را تمام کند و اعاده نماز نیز بکند
اگر کسی شک کند در قراءت	و بحد رکوع رسیده باشد	البته ملتفت نشود نماز را تمام کند صحیح است
اگر کسی شک کند در رکوع	در وقتی که ایستاده باشد	باید که رکوع را بجا آورد و نماز را تمام کند صحیح است
اگر شک کند در ذکر رکوع یا درنگ کردن در آن یا سایر واجبات آن	بعد از سر برداشتن از رکوع از برای سجود	در این صورت شک او اعتبار ندارد نماز را تمام کند صحیح است
و اگر کسی شک کند در رکوع	خم شده باشد و هنوز سر بسجده نگذاشته باشد	محل خلاف و احوط برای مجتهد الزمانی آنست که التفات نکرده نماز را تمام کند احتیاط اعاده کند تم
اگر کسی شک کند در رکوع	بعد از رفتن بسجود	ملتفت نشود نماز را تمام کند و صحیح است
اگر شک کند که سجده کرده ام یا در اصل سجده نکرده ام اگر شک کند که یک سجده کرده ام یا دو سجده	و این شک را وقتی کند که نشسته باشد و نشسته باشد	باید که دو سجده بجا آورد نماز را تمام کند و نماز صحیح است باید که یک سجده را بجا آورد و نماز صحیح است
اگر شک کند که درست سر از سجده اول برداشته یا درنگ	و از برای سجده دویم خم شده باشد و هنوز سر بسجده نگذاشته باشد	محل خلاف احوط برای مجتهد الزمانی آنست که ملتفت نشود
بعد از آنرا بجا آورده یا نیاورده	باید که یک سجده را بجا آورد	اولی آنست که درست بنشیند و بعد از آن سجده دویم برود

اگر شک کند در درست سر برداشتن سجده اول یا درنگ کردن در آن	و سر بسجده دویم گذاشته باشد	باید که البته ملتفت نشود و نماز صحیح است
اگر کسی شک کند در سجده	بعد از شروع در برخواستن و هنوز راست نایستاده باشد	خلاف و اظهر برای مجتهد الزمانی آنست که برگردد و سجده ها بجا آورد
اگر کسی شک کند در سجود	بعد از آنکه راست ایستاده باشد	ملتفت نشود نماز را تمام کند صحیح است
اگر شک کند در ذکر سجود یا درنگ کردن در آن یا سایر واجبات غیر گذاشتن جبهه را بر زمین	بعد از سر برداشتن از سجود	شک اعتبار ندارد و نماز را تمام کند صحیح است
اگر شک کند در سجده	بعد از شروع در خواندن تشهد	اشهر و اظهر برای مجتهد الزمانی آنست که اعتبار ندارد
اگر شک کند در تشهد	در اثنای برخواستن	محل خلاف و اظهر برای مجتهد الزمانی آنست که التفات نکند و شاید که اعاده احوط باشد برگردد و تشهد را بخواند
اگر شک کند در تشهد	بعد از راست ایستادن	باید که ملتفت نشود نماز را تمام کند و صحیح است

در بیان واجبات و شروط و کیفیت نماز احتیاط و واجبست در نماز احتیاط آنچه در نماز اصل واجب است

و باید که نیت کند و نیت چنین کند که دو رکعت نماز ایستاده میکنم جهت احتیاط نماز فرض ظهر مثلا از برای آنکه واجبست ادا تقرب بخدا و اگر یک رکعت کند باید که نیت یک رکعت کند و اگر نشسته کند باید که نیت قصد نشستن کند و اگر بعد از وقت باشد قصد قضا کند و بعد از نیت تکبیر بگوید و بعد از آن حمد بخواند بی سوره و آهسته قراءت کند و در این نماز بجای حمد تسبیحات اربع نخواند که مجزی نیست و در سایر واجبات و تشهد و تسلیم مثل نماز اصل است و ظاهرا قنوت ندارد و معتبرست در نماز احتیاط آنچه در نماز اصل معتبر است از طهارت و استقبال قبله و پوشانیدن عورتین و غیره و اگر در میان نماز اصل و نماز احتیاط منافی واقع شود مثل حدث یا پشت بقبله کردن و غیره رای شهید اول آنست که نماز اصل باطل نگردد و بعضی از مجتهدین نماز را باطل میدانند و همچنین اگر وقت بیرون رود نماز باطل نگردد اما در نماز احتیاط نیت قضا باید نمود و اگر بعد از نماز احتیاط یا در اثنای آن ظاهر شود که نماز اصل کم بوده ملتفت نشود برای شهید اول و بعضی گفته اند که در اثنای نماز احتیاط باشد اعاده نماز باید کرد و اگر در اثنای نماز احتیاط ظاهر شود که نماز اصل تمام بوده اختیار دارد خواهد نماز را تمام کند و خواهد قطع کند تمام شد احکام نماز احتیاط بعون الله

در بیان احکام شک پیشنماز و ماموم در نماز جماعت اگر امام در چیزی شک کند و ماموم آنرا حفظ کرده باشد

امام رجوع بیقین ماموم میکند و اگر ماموم شک کند رجوع بیقین امام میکند و شک اعتبار ندارد و ضابطه آنست که صاحب شک رجوع بصاحب یقین یا ظن میکند و صاحب ظن رجوع بصاحب یقین خواه امام باشد و خواه ماموم و احتمالات آن بعد از این در این جدول بیان میشود و اگر شک کند در چیزی خواه در افعال نماز و خواه در عدد رکعتهای نماز و دیگری که نه پیشنماز باشد و نه ماموم ایشانرا خبر دهد بیکی از دو طرف آنچیزی که شک در آن کرده اند اگر از آن گفته ظن بهم رسد بنابر آن میگذارد اگرچه آن شخص عادل نباشد یا طفل باشد و اگر از گفته او ظن بهم نرسد عمل بحکم شک خود میکند اگرچه خبر دهنده عادل باشد موافق مشهور و اگر امام کاری بکند که سبب سجده سهو باشد و ماموم آن کار را نکند سجده سهو بر امام واجب گردد و در وجوب سجده بر ماموم خلاف کرده اند و برای مجتهد الزمانی واجب بودن سجده بر ماموم اقوی است و واجب بودن آن احوط است و اگر ماموم کاری بکند که موجب سجده سهو باشد و امام آنرا نکند که موجب سجده سهو باشد و امام آنرا نکند شکی نیست که بر امام چیزی لازم نگردد و اما در اینصورت بر ماموم سجده سهو واجب باشد یا نباشد خلاف کرده اند اظهر و احوط برای مجتهد الزمانی آنست که واجب باشد و بعد از این در این جدول احتمالات شک امام و بیان ماموم میشود تم

هرکاه امام در چیزی شک کند و ماموم یقین بان داشته باشد	باید که عمل بیقین ماموم کند هرچند که ماموم یکی باشد و عادل نباشد از قول او ظن بهم نرسد	مثل انکه امام شک کند میان سه و چهار و ماموم جزم داشته باشد که سه است باید که امام را تردد به هم رسید باید که امام را خبر دار کرداند بانکه بسم الله یا سبحان الله بکوید یا این ایه را بخواند که شفقوا ... و امام واجب است که عمل بقول آن کند هرچند ظن بهم نرسد
اکر ماموم در چیزی شک کند و امام یقین بان داشته باشد	باید که ماموم رجوع بیقین امام کند	مثل انکه ماموم شک کند میان یک و دو و امام یقین بیکی داشته باشد باید که ماموم تابع امام شود و بشک خود اعتبار نکند و شک در میان یک و دو در این صورت مبطل نماز نیست بقول مشهور
اکر امام شک کند و ماموم ظن داشته باشد	امام رجوع بظن ماموم کند موافق مشهور	مثل انکه امام شک کند میان دو و سه و ماموم ظن بسه داشته باشد ماموم رجوع بظن امام میکند
اکر ماموم شک کند و امام ظن داشته باشد	ماموم عمل بظن امام کند	مثل انکه ماموم شک کند میان چهار و پنج و امام ظن بچهار داشته باشد امام رجوع بظن ماموم میکند
اکر امام در چیزی یقین و ماموم ظن داشته باشد	ماموم رجوع بیقین امام کند	موافق مشهور و بعضی از متاخرین میل کرده اند بانکه از هم جدا شوند صاحب یقین بیقین خود و صاحب ظن بظن خود عمل کند اما مشهور قول اول است
اکر ماموم یقین و امام ظن داشته باشد	امام رجوع بیقین ماموم کند	مشهور آنست که صاحب ظن رجوع بصاحب یقین کند و خلاف متاخرین در این صورت هم جاریست حکم در این مانند جدول فوق است
اکر هریک از امام و ماموم یقین در چیزی داشته باشد اما یقین هریک مخالف آن دیکری باشد	باید که هریک عمل بیقین خود کنند	مثل انکه امام یقین داشته باشد بچهار و ماموم بیقین داشته باشد بسه از هم جدا شوند امام نماز را تمام کند و سلام دهد و ماموم قصد انفراد کرده یک رکعت دیگر کند
اکر هریک از امام و ماموم ظن در چیزی داشته باشد اما ظن هریک مخالف آن دیکری باشد	باید که هریک عمل بظن خود کند	مثل انکه امام ظن داشته باشد بسه و ماموم ظن داشته باشد بچهار ماموم تشهد بخواند و سلام کوید و امام یک رکعت دیکر بجا آورد

واکر امام و ماموم هر دو شک داشته باشند خالی از این نیست که رای ایشان در شک یا موافق است یا مخالف و در صورتی که مخالف باشد امر مشترکی در میان شکهای ایشان هست یا نیست و باز خالی از این نیست که ماموم یا متفق اند یا مختلف و بیان احکام و شقوق هریک در این جدول بیان شده الله ولی التوفیق

اکر شک امام و شک ماموم متفق باشد و شک ایشان مبطل نماز باشد	باید که همه نماز را از سر کیرند	مثل انکه شک کند در میان یک و دو و نماز باطل است چنانکه پیشتر مذکور شد و باید که نماز را از سر کیرند
اکر شک امام و شک ماموم متفق باشد و شک ایشان مبطل نباشد	باید که همه عمل بحکم آن شک کنند	مثل انکه شک کند میان سه و چهار بنا را بر چهار میکذارند و نماز را تمام میکنند و دو رکعت نماز احتیاط نشسته یا یک رکعت ایستاده کنند و ظاهر اکر نماز احتیاط بجماعت بکنند احوط باشد برای مجتهد الزمانی بجماعت کردن نماز احتیاط مانعی ندارد
واکر شک امام و شک ماموم مخالف هم دیکر باشد و اما امر مشترکی در میان شک هر دو باشد	باید که همه رجوع بان امر مشترک کنند و نماز را تمام کنند	مثل انکه امام شک کند میان دو و سه و ماموم میان سه و چهار پس سه امر مشترکست چون هر دو در احتمال سه شریکند بنا را بر سه میکذارند و نماز را تمام میکنند و نماز احتیاط در کار نیست و اکر امام شک کند در میان سه و چهار و ماموم میان دو و سه و چهار امر مشترک میان سه و چهار است بنا را بر چهار میکذارند و نماز را تمام میکنند و دو رکعت نماز احتیاط نشسته بجا می آورند و اکر اعاده نماز نیز بکنند شاید احوط باشد اعاده وجهی ندارد
اکر شک امام مخالف ماموم و شک ماموم مخالف هم باشد و امر مشترک در میان هم باشد	باید که همه رجوع بان امر مشترک کنند	مثل انکه امام شک کند میان دو و چهار و بعضی از مامومین شک میان سه و چهار و بعضی میان چهار و پنج بنا را بر چهار میکذارند و نماز را تمام میکنند و دو رکعت نماز نشسته میکنند و دو رکعت نشسته مخصوص است بامام و بعضی مامومین که شک مابین سه و چهار داشته و اما آن بعض مامومین که شک مابین چهار و پنج داشته دو رکعت نشسته نیز بر ایشان نیست
اکر شک امام مخالف مامومین باشد خواه مامومین متفق باشند و خواه مخالف و امر مشترکی در میان نباشد	باید که جدا شوند و هریک عمل بحکم شک خود کنند	مثل انکه امام شک میان دو و سه و ماموم میان چهار و پنج امام بنا را بر سه میکذارد و نماز را تمام میکند و بعد از نماز یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته میکند و ماموم بنا را بر چهار میکذارد و تشهد میخواند و سلام میدهد و بعد از نماز سجده سهو بجای آورد

کثیر الشک

در بیان احکام کثیر الشک و کثیر السهو در حدی که چون شک بان حد رسد او را کثیر الشک کویند خلاف کرده اند و رای اکثر علما آنست که اکر کسی انقدر شک کند که در عرف کویند که او بسیار شک میکند کثیر الشک است و این قول برای مجتهد الزمانی اقوی است و بعضی کفته اند اکر کسی در سه نماز پی در پی شک کند کثیر الشک است یا در یک نماز سه شک کند و مجتهد الزمانی کفته اند که از بعض احادیث ظاهر میشود که اکر کسی مدتی برین حال باشد که در هر سه نماز یک شک کند او کثیر الشک است و چون سه نماز بی شک بکند از ان حکم بیرون می آید و مشهور قول اول است پس هرکاه کسی کثیر الشک شود حکم شک او ساقط است چنانکه بعد از این در جدول بیان میشود و اکر در جائی بسبب شک سجده سهو واجب باشد بر کثیر الشک واجب نیست و اکر کثیر الشک عمل باحکام شک کند موافق مشهور نامشروع کرده است و اکر در میان نماز تدارک فعلی کند که اعتبار کثرت شک نماید کرد مشهور آنست که نمازش باطل کردد و جدول بیان احکام کثیر الشک این است

اکر کثیر الشک در فعل واجبی از واجبات نماز شک کند	باید که آنرا تدارک نکند هرچند که وقت آن فعل باقی باشد	و اکر بعد از کذشتن از محل آن واجب بخاطرش آید که آنرا نکرده بود یعنی تا در محل آن واجب بود شک داشت در کردن و نکردن و چون از محل آن کذشت بخاطرش آمد که آنرا نکرده نمازش صحیح است و بیاورد چیزی نیست بعد از انکه معلوم حکم او حکم غیر کثیر السهو یکی است
و اکر شک کند در رکنی از ارکان نماز	باید که آنرا تدارک نکند هرچند که از محل آن رکن نکذشته باشد	و اکر بعد از انکه کذشتن از محل آن رکن بخاطرش آید که آنرا نکرده بود نمازش باطل است موافق مشهور و احوط برای مجتهد الزمانی آنست که نماز را تمام کند و اعاده نماز نیز بکند
و اکر شک کند در یک سجده یا شک کند در تشهد	باید که تدارک نکند هرچند که از محل آنها نکذشته باشد	و اکر بعد از نکذشتن از محل بخاطرش آید که آنرا نکرده بود باید که بعد از نماز آنرا بجا آورد و سجده سهو لازم نکردد و مجتهد الزمانی کفته اند که احتیاط سجده سهو نیز بکند تم
و اکر کثیر الشک شک کند در عدد رکعتهای نماز	باید که بنا را بر اکثر کذارد مکر انکه اکثر مبطل باشد که بنا را بر اقل میکذارد مثل انکه در نماز چهار رکعتی شک کند میانه سه و چهار بنا را بر چهار میکذارد که اکثر است و نماز را تمام میکند و نماز احتیاط از او ساقط است و اکر شک کند میان چهار و پنج مثلا بنا را بر چهار میکذارد که اقل واجب است و بعد از نماز سجده سهو از او ساقط است	و اکر کثیر الشک شک کند در رکعتهای نماز و بنا را بر اکثر کذارد در جائی که بنا را بر اکثر باید کذاشت و بعد از ان بخاطرش آید که یک رکعت کم کرده مثل انکه شک کند میانه سه و چهار در نماز چهار رکعتی باید که بنا را بر چهار کذارد و باقی مانده را بجا آورد و نماز را تمام کند پس اکر بعد از ان بخاطرش آید که سه رکعت کرده بود و اکر بعد از نماز مبطلی بعمل نیاورده که عمدا و سهوا نماز را باطل کند مثل حدث و غیره آن رکعت را بجا بیاورد و اکر مبطل چنین بعمل آورده باید که نماز را اعاده کند

در بیان احکام کثیر السهو کثیر السهو را نه در سهو و نه در شک حکمی که مغایر حکم سهو و شک نیست بلکه باید عمل سهو را در سهو و شک را در شک بجا آورد و اکر کسی سهو کند اعمال نماز را فراموش کند بعضی کفته اند که او حکم کثیر الشک ندارد و شک و سهوی که بکند باید که احکام آنرا بجا آورد و این قول برای مجتهد الزمانی اقوی است و بعضی کفته اند که او نیز حکم کثیر الشک دارد و بسیاری سهو باعث آن میشود که شک او نیز اعتبار نداشته باشد و احکام کثیر السهو در این جدول بیان میشود

اکر کثیر السهو واجبی از واجبات نماز را فراموش کند	اکر پیش از کذشتن از محل آن واجب بخاطرش آید که آنرا تدارک کند و نمازش صحیح است	و اکر بعد از کذشتن آن محل بخاطرش آید که آن واجب را نکرده است باید که تدارک نکند و نمازش صحیح است
و اکر رکنی از ارکان نماز را فراموش کند	اکر پیش از کذشتن از محل آن رکن بخاطرش آید که آنرا نکرده باید که آنرا تدارک کند نمازش صحیح است	و اکر بعد از کذشتن از محل آن رکن بخاطرش آید که آن رکن را نکرده است نمازش باطل است
و اکر سجده نماز یا تشهد را فراموش کند	اکر پیش از کذشتن از محل آن بخاطرش آید که آنرا نکرده است باید که آنرا تدارک کند و نمازش صحیح است	و اکر بعد از کذشتن از محل آن بخاطرش آید که آنرا نکرده است باید که بعد از نماز آنرا تدارک کند و اما کفته اند که سجده سهو از او ساقط میشود و اظهر و احوط برای مجتهد الزمانی آنست که سجده سهو را نیز بجا آورد تم

دربیان بقیهٔ احکام شک وسهو وآن درپنج جدول بیان میشود اکنه بباید دانست که شک وقتی اعتبار دارد که هر دو طرف آن مساوی باشد که اکر ظن بیکطرف غالب باشد عمل بآن میباید کرد خواه در دو رکعت اول نماز باشد وخواه در رکعت آخر وخواه در عدد رکعتها باشد وخواه در افعال بنابر مشهور وبعضی کفته اند که در دو رکعت اول علم میباید وظن کافی نیست واکر در دو رکعت اول عمل بظن کند واعاده نیز بکند برای مجتهد الزمانی احوط است واحکام ظن در این جدول بیان شده است

اکر شخصی شک کند درمیان دو وسه در نماز چهار رکعتی	اکر کمانش بدو بیشتر باشد باید که دو رکعت دیکر بکند	واکر کمانش به سه بیشتر باشد یک رکعت دیکر میکند ونماز احتیاط درکار نیست
واکر در نماز چهار رکعتی شک کند درمیان سه وچهار	اکر کمانش به سه بیشتر باشد یک رکعت دیکر میکند	واکر کمانش بچهار بیشتر باشد سلام میکند وچیزی براو نیست وابن بابویه علیه الرحمه کفته که در این صورت سجدهٔ سهو بکند سجدهٔ سهو مستحب است
واکر در نماز چهار رکعتی شک کند درمیان چهار وپنج	اکر کمانش بچهار بیشتر باشد سلام میکوید	واکر کمانش به پنج بیشتر باشد نمازش باطل است مکر آنکه بعد از رکعت چهارم بقدر تشهد نشسته باشد اشتباه ثابت نیست ونماز باطل است مکر آنکه قبل از رکوع باشد که باید بنشیند ونماز را تمام کند

دویم شک در حصول سهو اعتبار ندارد چنانکه در این جدول بیان شده است وچند مسئلهٔ دیکر بمناسبت مقام ذکر نموده م

اکر کسی شک کند که آیا سهوی از او حاصل شده یا نشده براو چیزی نیست وهمچنین اکر شک کند که آیا شکی از او حاصل شده یا نشده براو چیزی نیست	اکر داند که سهوی از او حاصل شده وشک کند که آیا آن سهوی بوده که حکمی دارد یا سهوی بوده که حکمی ندارد باید که ملتفت بآن نشود	اکر در سجدههای سهو یا نماز احتیاط یا افعال فراموش شده نماز شک کند که آیا کرده ام یا نه اظهر برای مجتهد الزمانی آنست که واجب است آنها را بجا آورد نم
اکر یقین داند که شکی در نماز کرده که موجب نماز احتیاط بوده وشک کند که آیا شک میان سه وچهار بود یا دو وچهار بکفته اند که هم دو رکعت ایستاده میکند وهم دو رکعت نشسته نم	اکر بیقین داند که بسبب سهو یکی از این دو چیز را در نماز ترک کرده اما نداند که آن یک سجده بوده یا تشهد احوط برای مجتهد الزمانی آنست که هر دو را بجا آورد ودو سجدهٔ سهو نیز بکند عملاً من بعد برا وقلا نم ا	اکر داند که یا رکوع را ترک کرده یا یک سجده را اما بخصوص نداند که کدام بوده احوط برای مجتهد الزمانی آنست که یک سجده را بکند یا سجدهٔ سهو واعادهٔ نماز نیز بکند وبرای شهید ثانی احتمال قوی دارد که نماز باطل شود نمیشود

سیم در بیان احکام سهوی که در نماز احتیاط یا یا سجدههای سهو یا در اجزای فراموش شدهٔ نماز واقع شود واحکام هر یک از آنها در این جدول بیان شده است

اکر شخصی فعلی از افعال نماز احتیاط را فراموش کند وپیش از کذشتن از محل آن بخاطرش آید باید که آن فعل را تدارک کند مثل آنکه خواندن حمد را فراموش کند وپیش از آنکه بحد رکوع برسد بیادش آید باید که آنرا تدارک کند	واکر فعلی از افعال نماز احتیاط را فراموش کند وبعد از کذشتن از محل بخاطرش آید احوط برای مجتهد الزمانی آنست که احکام نماز اصل را در آن رعایت کند از تدارک ما فات وسجدهٔ سهو برای شهید اول سجدهٔ سهوی که از برای نماز احتیاط واقع شود لازم نکردد	اکر کسی نماز احتیاط یا افعال فراموش شدهٔ نماز یا سجدههای سهو را فراموش کند وبعد از نماز بجا بیاورد وهر وقت که بخاطرش آید بجا آورد و مجتهد الزمانی کفته اند که نیت ادا یا قضا ظاهرا در کار نباشد واما برای شهید اول علیه الرحمه در کار است نم
اکر سجدهٔ فراموش شدهٔ نماز که بعد از نماز تدارک میکند پیش از سر برداشتن از آن بخاطرش آید که فعلی را ترک کرده مثل ذکر وغیره باید که آنرا تدارک کند چون از محل آن نکذشته است	واکر بعد از سجدهها سر برداشتن بخاطرش آید که فعلی را ترک کرده است مثل ذکر یا طمانینه بقدر ذکر وغیره تدارک آن در کار نیست	واکر در تشهد فراموش شدهٔ نماز چیزی را فراموش کند بعد از آن بخاطرش آید که آنرا نکرده باید که آنرا بجا آورد وبعضی کفته اند که تدارک در کار نیست نم
اکر واجبی از واجبات سجدهٔ سهو را فراموش کند اکر پیش از فوت محل بخاطرش آید باید که آنرا تدارک کند واکر بعد از سر برداشتن از سجده بخاطرش آید براو چیزی نیست واحوط برای مجتهد الزمانی آنست که سجده را تمام کند واعاده نیز بکند	واکر در سجدههای سهو یک سجده را فراموش کند وپیش از شروع در تشهد بخاطرش آید باید که آنرا تدارک کند	واکر یک سجده از سجدههای سهو را فراموش کند وبعد از شروع در تشهد بخاطرش آید که آنرا بجا نیاورده وسجدهٔ سهو از برای فراموش کردن سجدهٔ سهو لازم نکردد بلکه تدارک کافیست

چهارم در بیان احکام شکی که در عدد رکعتهای نماز احتیاط یا افعال آن یا در عدد سجدههای سهو یا در افعال آنها در اجزای فراموش شده واقع شود مشهور میان علما آنست که التفات باین شک نباید کرد واکر شک در عدد رکعتهای نماز احتیاط یا عدد سجدههای سهو واقع شود بنا را بر طرف صحیح کذارند چنانکه در این جدولها بیان شده است

اکر کسی شک کند در دو رکعت نماز احتیاط که یک رکعت کرده ام یا دو بنا را بر دو میکذارد ونماز را تمام میکند ونماز احتیاط از برای شک در نماز احتیاط لازم نمیکردد	واکر شک کند که دو رکعت کرده ام یا سه بنا را بر دو میکذارد که صحیح است ونماز را تمام میکند وسجدهٔ سهو لازم نمیکردد	واکر در رکوع یا سجود نماز احتیاط یا سایر واجبات آن شک کند باید که تدارک نکند هرچند که محل آن باقی باشد

واکر در سجدهٔ سهو شک کند که آیا یک سجده کرده ام یا دو بنا را بر دو میکذارد	واکر شک کند که دو سجده کرده ام یا سه بنا را بر دو میکذارد که صحیح است	واکر شک کند در سایر واجبات سجدههای سهو مثل ذکر وغیره تدارک نمیکند هرچند که محل آن باقی باشد واکر انجه وقتش باقی باشد بجا آورد واعاده نیز بکند برای مجتهد الزمانی احوط است
واکر در سجده فراموش شدهٔ نماز که بعد از نماز تدارک میکند شک کند که یک سجده کرده ام یا دو ظاهرا بنا را بر یک میکذارد وکاه باشد که اعاده باید کرد احوط باشد	واکر در ذکر آن یا قرار کرفتن در ذکر یا سایر واجبات سجدهٔ فراموش شده شک کند باید که ملتفت بآن نشود خصوصا اکر محل آن کذشته باشد	واکر در جزئی از اجزای تشهد فراموش شدهٔ نماز شک کند ملتفت بآن نشود چنانکه در سجده مذکور شد

پنجم اکر شک در عدد رکعتهای نماز کرفتن آفتاب وماه یا زلزله یا سایر آیات کند نماز باطل کردد واکر در عدد رکوعها شک کند بنا را بر کمتر میکذارد ونماز را تمام میکند بنابر مشهور واقوی برای مجتهد الزمانی نیز اینست تمام شد مبحث شک وسهو بتوفیق الله تعالی

خاتمه در بیان واجبات نمازهای دیکر غیر از نماز یومیه وآن مشتمل بر ده فصل است فصل اول در بیان احکام نماز قضا

هرکاه از شخصی نمازی از نمازهای یومیه فوت شود واجب است که قضای آنرا بجا آورد مکر بسبب یکی از این شش امر نماز فوت شود که قضا لازم نکردد وبعضی هفت چیز کفته اند وفقیر هفت چیز را در جدول بیان نمودم ودر هر کدام که خلاف بود ذکر خلاف نیز نمودم وامور یکه باعث ساقط شدن قضا میشوند در این جدول بیان میشود

اول	دویم	سیم	چهارم	پنجم
صغر سن وشخصی که بالغ نشده باشد ونمازهائی که پیش از بلوغ از او فوت شود وبعد از آن که بالغ شود قضای آنها براو واجب نباشد	جنون وشخصی که دیوانه شود نمازهائی که در ایام دیوانکی از او فوت شود بعد از آنکه عاقل شود قضای آنها واجب نباشد	حیض ونمازهائی که از زن حایض در ایام حیض از او فوت شود بعد از پاک شدن قضا ندارد واکرچه آن زن کاری بکند که باعث آمدن خون حیض شود	نفاس ونماز فوت شده که ایام نفاس فوت شده قضا ندارد هرچند که آن زن کاری بکند که باعث ولادت وآمدن خون کردد بقول شهید ثانی علیه الرحمه نم	کفر اصلی چون کافر مسلمان شود نمازهائی که در ایام کفر اصلی فوت شده قضا ندارد واکر مرتد شود وباز مسلمان شود قضای نمازهای ایام ارتداد لازم است

ششم	هفتم
اغما یعنی بیهوشی ونمازی که بسبب بیهوشی فوت شود قضا لازم نکردد هرکاه که از اول وقت تا آخر بیهوش باشد موافق مشهور وکفته اند که اکر شخصی چیزی بخورد که بسبب خوردن خواب شود که هر وقت نماز خواب باشد پس اکر میدانست که خوردن آن موجب خواب میشود قضای نماز واجب است واکر نمیدانست که خوردن آن موجب اینچنین خوابی است اما از بواسطه معالجه مرض بقول طبیب حاذق خورده ودوا منحصر در آن بوده یا اکراه بخورد داده باشند قضا براو لازم نکردد والا قضا براو لازم است	هرکاه شخصی محدث باشد وفاقد طهورین مطلقا قضای نماز را باید بکند وتا آخر وقت نماز نه آب باید که وضو یا غسل کند ونه خاک که تیمم کند نماز از او ساقط کردد واما در وجوب قضای آن نماز خلاف کرده اند شهید اول وبعضی از علما اولی وجوب قضا میدانند واشبه برای محقق آنست که قضا لازم نباشد واما اکر از وقت مقدار زمان طهارت ونماز کذشته باشد وعمدا نماز نکرده باشد وبعد از آن آب وخاک بهم نرسد قضای آن نماز واجب است

واز جمله نمازهای واجب نماز جمعه ونماز عید قربان ونماز عید رمضان قضا ندارد وقضای نماز خسوف وکسوف واجب است هرکاه که تمام قرص آفتاب یا ماه کرفته باشد خواه عمدا ترک آن کرده باشد وخواه سهوا وخواه علم بکرفتن آفتاب یا ماه داشته باشد یا نداشته باشد وبعد از بیرون رفتن وقت علم بآن بهم برساند واکر بعضی از قرص کرفته باشد وعمدا یا سهوا ترک کرده باشد قضا واجب کردد برای شهید اول ومحقق واکر علم بآن نداشته باشد وبعد از بیرون رفتن وقت علم بآن بهم رساند قضا واجب نکردد موافق مشهور وبعضی قضای این نماز را مطلقا واجب میدانند وبعضی مطلقا واجب نمیدانند هرچند عمدا ترک کرده باشد بشرطی که تمام قرص نکرفته باشد وباقی احکام نماز قضا هشت چیز است چنانکه بعد از این در جدولها بیان میکردد

اول	دویم
هرکاه نمازی از نمازهای یومیه از شخصی فوت شود وآن شخص در وقت فوت آن بالغ وعاقل وخالی از حیض ونفاس باشد وکافر اصلی نباشد قضای آن واجب کردد وهمچنین نمازی که در وقت خواب یا مستی از شخصی فوت شود قضای آن لازم کردد وحکم آن نمازی که بسبب خواب از شخصی فوت شود پیش از این بتفصیل مذکور شد	رعایت ترتیب در میان نمازهای قضا واجب است یعنی بترتیبی که فوت شده قضای آنرا بجا باید آورد واکر ترتیب آنها را داند واکر ترتیب آنها مجهول باشد جمعی از علما بر آنند که تکرار نماید نماز را تا ترتیب حاصل شود وبعضی کفته اند که ترتیب ساقط میشود واین قول برای شهید اول علیه الرحمه است

سیم	چهارم
واجب است در نماز قضا رعایت عدد یعنی اکر نمازی که در حضر فوت شده باشد قضای آنرا باید که تمام بجا آورد وقصر نکند هرچند که در سفر قضای آنرا بجا آورد واکر نمازی در سفر فوت شده باشد قضای آنرا قصر کند هرچند که در حضر قضای آن کند مکر نماز مغرب که قصر آن نباید کرد مطلقا	باید که رعایت هیات نکند یعنی اکر از شخصی نمازی در حال خوف مثلا فوت شده باشد وقضای آنرا در حال غیر خوف بجا آورد باید که آنرا قصر کند اما نباید که نماز را بهمان هیئت که در حال خوف بجا میآورد بجا آورد وهیات نماز خوف بعد از این مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی

پنجم

هرگاه وقت نماز حاضره تنگ شده باشد واجب است که نماز حاضره را بر نماز قضا مقدم دارند اجماعا و اگر وقت وسعت داشته باشد بعضی از علما واجب میدانند که نماز قضا را بر نماز حاضره مقدم دارند و بعضی گفته‌اند اگر نماز قضا یک نماز ... باشد واجبست که مقدم دارند و بعضی گفته‌اند که مقدم داشتن نماز قضا بر نماز حاضره واجب نیست و مقدم داشتن قضا سنت خواه یک نماز باشد و خواه از همان روز باشد یا نباشد و قول آخر برای شهید اول و ثانی اقوی است

ششم

هرگاه کسی از مکلف نماز بسیار فوت شده باشد و شمار عدد آنرا نداند باید که آنقدر نماز بگذارد که بر ظنش غالب شود که وفا بآن نموده خواه نماز فوت شده چند نماز مختلف باشد یا یک نماز باید نماز فریضه مکرر از او فوت شده باشد و اگر شخصی شک داشته باشد مثلا ده نماز از او فوت شده است یا پنج نماز و اما داند که نماز فوت شده را و منحصر در یکی از این دو عدد است واجبست قضای آن عددی که یقین بیرون آید و همین سند برای شهید ثانی علیه الرحمه یعنی قضای بیست نماز ... نمود و در این صورت و جه بنا بر کمتر نهادن ضعیف است یعنی قضای ... نهادن

هفتم

هرگاه شخصی شروع کند بقضای نمازی و در اثنای آن بخاطرش آید که پیشتر از آن نمازی از او فوت شده است باید که عدول کند بنماز سابق اگر عدول ممکن باشد یعنی عدد رکعت نمازی که میگذارد زیاده بر عدد رکعت نماز سابق نشده باشد و اگر برکعت زاید برخواسته باشد و اما هنوز برکوع نرفته باید که عدول کند و اگر برکوع رفته باشد باید که آن نماز را تمام کند و بعد از آن تدارک نماز سابق اعاده نمازی که کرده لازم نباشد موافق رأی شهید ثانی

هشتم

هرگاه از شخصی نمازی از نمازهای پنجگانه یومیه فوت شده باشد و نداند که کدام نماز است از سه حال بیرون نیست یا میداند که آن یک نماز در حضر از او فوت شده است یا نمیداند که کدام نماز است و یا میداند که آن یک نماز در سفر از او فوت شده است اما نمیداند که کدام نماز است و یا مشتبه است براو یعنی نمیداند که آن یک نماز در سفر فوت شده است یا در حضر و همچنین اگر دو نماز فوت شده باشد و نداند که کدام دو نماز است یا سه نماز فوت شده باشد یا چهار نماز فوت شده باشد یا پنج نماز و بیان حکم هر یک از اینها در این جدول نوشته میشود

اگر در حضر یک نماز از شخصی فوت شده باشد و نداند که کدام نماز است	اگر در سفر از شخصی یک نماز فوت شده باشد و نداند که کدام نماز است	اگر مشتبه باشد نداند که آن یک نماز مجهول در سفر فوت شده یا در حضر
باید که نماز صبح و مغرب و نماز چهار رکعتی بگذارد و آنرا اطلاق کند میان ظهر و عصر و نماز عشا و در قرائت آن چهار رکعتی اختیار دارد خواهد جهر کند و خواهد اخفات کند	باید که دو نماز کند نماز مغرب و یک نماز دو رکعتی مطلق میان صبح و ظهر و عصر و عشا	باید که سه نماز بگذارد یک نماز دو رکعتی مطلق میانه صبح و ظهر و عصر و عشا و یک چهار رکعتی مطلق میانه ظهر و عصر و عشا و یک نماز مغرب نیز بجا آورد
اگر در حضر دو نماز از شخصی فوت شده باشد و نداند که کدام دو نماز است	اگر در سفر دو نماز از شخصی فوت شده باشد و نداند که کدام دو نماز است	اگر مشتبه باشد نداند که آن دو نماز مجهول در سفر فوت شده یا در حضر
باید که چهار نماز بگذارد صبح و چهار رکعتی دیگر و چهار رکعتی اول را اطلاق کند میان ظهر و عصر و چهار رکعتی دویم را اطلاق کند میان عصر و عشا و باید که نماز مغرب میان دو چهار رکعتی باشد	و باید که سه نماز بگذارد دو رکعت مطلق و بعد از آن نماز مغرب و بعد از آن باز دو رکعت مطلق و باید که نماز مغرب در میان دو نماز دو رکعتی باشد	باید که پنج نماز بگذارد دو رکعتی مطلق و بعد از آن چهار رکعتی مطلق و بعد از آن نماز مغرب و بعد از آن دو رکعتی مطلق و بعد از آن چهار رکعتی دیگر مطلق
اگر در حضر سه نماز از شخصی فوت شده باشد و نداند که کدام سه نماز است	اگر در سفر از شخصی سه نماز فوت شده باشد و نداند که کدام سه نماز است	اگر مشتبه باشد و نداند که آن سه نماز مجهول در سفر فوت شده یا در حضر
باید که پنج نماز شبانه روزی را بترتیب بگذارد	باید که چهار نماز بگذارد دو رکعتی مطلق باز دو رکعتی مطلق دیگر بعد از آن نماز مغرب و بعد از نماز مغرب باز دو رکعتی مطلق	باید که هفت نماز بگذارد دو رکعتی مطلق و بعد از آن ظهری و عصری تمام بعد از آن دو رکعتی مطلق بعد از آن مغرب بعد از آن دو رکعتی مطلق و بعد از آن نماز عشا تمام بگذارد
اگر در حضر چهار نماز فوت شده باشد	اگر در سفر چهار نماز مجهول فوت شده باشد	اگر چهار نماز فوت شود در حضر و سفر مشتبه باشد
باید که پنج نماز حاضر را بگذارد	باید که پنج نماز مسافر را بگذارد	هشت نماز بگذارد صبحی بعد از آن ظهری تمام بعد از آن ظهر قصری بعد از آن عصری تمام بعد از آن عصر قصری بعد از آن مغرب بعد از آن عشای تمام بعد از آن عشای قصری

وهمچنین اگر پنج نماز شبانه روزی فوت شود و نداند که در سفر فوت شده یا در حضر پس هشت نماز بهمان طریق بگذارد و اگر نمازی در حال صحت از شخصی فوت شده باشد و آن شخص در حال قادر بر ایستادن و همه افعال نماز باشد جایز است که قضای آنرا در حال بیماری که قادر بر ایستادن یا غیر آن نباشد قضا آنرا بجا آورد و افعال آنرا بحسب مقدور بجا آورد و لازم نیست براو که منتظر ایام صحت و قدرت باشد پس بیماری که قادر بر ایستادن نباشد جایز است که نشسته نماز کند خواه نماز ادا باشد و خواه قضا و اگر قادر بر نشستن نباشد بر جانب راست خوابیده نماز کند و اگر از آن نیز عاجز باشد بر جانب چپ و چون از آن نیز عاجز شود بر پشت بخوابد بطریق وقت احتضار و رکوع و سجود را باشاره سر بجا آورد و اگر از اشاره سر نیز عاجز شود بچشم اشاره کند پس پوشانیدن چشمها بجای رکوع و سجود است و گشودن چشمها بجای سر از رکوع و سجود برداشتن است اما باید که از برای سجود چشمها را بیشتر برهم گذارد و قرائت و باقی ذکرها را بجا آورد و گفته‌اند که اگر از آنهم عاجز شود باید که افعال نماز را بترتیب بخاطر بگذراند و اگر بیماری نشسته نماز بگذارد و در آن اثنا قدرت بایستادن بهم رساند باید که بایستد و قرائت کند اما باید که در حال برخواستن قطع قرائت بکند و چون برخیزد از همانجا که قطع کرده شروع کند و اگر قرائت را تمام کرده باشد بایستد از برای رکوع و شخصی که ایستاده نماز میکند اگر در اثنای قرائت عاجز شود از ایستادن باید که بنشیند و نماز را نشسته باتمام رساند که در حال نشستن قطع قرائت نکند موافق برای شهید اول علیه الرحمه و بعضی برآنند که در هر دو حال قطع کند و بعضی دیگر گفته‌اند که در هر دو حال باید که قطع قرائت نکند و در همین احکام فرقی نیست میان نماز ادا و قضا هرگاه قضای حال صحت را در حال مرض بطریق اضطرار بعمل آورد و بعد از آن تمکن و قدرت کیفیت اختیاری بهم رساند احوط آنست که قضا را اعاده کند مگر آنکه عذر او در حال مرض و اضطرار عذر مرضی لزوال نبوده باشد

فصل دویم در بیان احکام و کیفیت نماز خوف و احکام آن سه چیز است چنانکه در این جدول بیان شد

اول	دویم	سیم
خوف موجب قصر نماز گردد در سفر اجماعا و در حضر هرگاه آنرا بجماعت بگذارند و اگر در حضر به تنهائی بگذارند بعضی از علما برآنند که قصر نباید کرد و بعضی گفته‌اند که قصر باید کرد مشهور آنست که قصر باید نمود	واجبست باخود داشتن سلاح مثل شمشیر و نیزه و غیره و در برداشتن سلاح نجس خلاف کرده‌اند و بیشتر از علما برآنند که میباید برداشت هرچند که نجس باشد و اگر برداشتن آن مانع واجبی از واجبات نماز گردد برداشتن آن با عدم اضطرار جایز نیست	هرگاه خوف حاصل شود از دشمنی یا دزدی یا سبعی یعنی حیوان درنده جایز است که نماز خوف بگذارند هرچند در حضر باشد و اگر شخصی در گل فرو رفته باشد یا غرق شده باشد باید که بقدر امکان نماز را بجا آورد و ایما کند از برای رکوع و سجود اما باید که نماز را قصر نکند مگر آنکه در سفر باشد یا خوف حاصل کرده

دربیان کیفیت نماز خوف هرگاه که آنرا بجماعت بگذارند و خوف بمعنی ترس است

پس هرگاه که خوف حاصل گردد و دشمنان در غیر جهت قبله باشند و اهل اسلام اراده نمایند که نماز را بجماعت بجا آورند و ترسند که در اثنای نماز دشمنان برایشان حمله آورند باید که دو فرقه شوند اگر احتیاج بزیاده از دو فرقه نباشد یک فرقه نماز را بجماعت بگذارند و فرقه دیگر محافظت و حراست ایشان نمایند و پیشنماز با یک فرقه یک رکعت بگذارد و چون برکعت دویم برخیزد فرقه که اقتدا کرده‌اند قصد انفراد نمایند و رکعت دویم را منفرد بگذارند و چون فارغ شوند بحراست مشغول شوند و فرقه دیگر آیند و پیشنماز در اثنای قرائت رکعت دویم باشد در رکعت اول خود برکعت دویم پیشنماز اقتدا کنند و چون پیشنماز بتشهد بنشیند ایشان برخیزند و رکعت دویم را بانفراد یعنی بتنهائی بگذارند و پیشنماز تشهد را طول بدهد تا با ایشان سلام را بجا آورد و اگر نماز مغرب باشد پیشنماز اختیار دارد بهریک از این دو فرقه که خواهد یک رکعت را بگذارد و بفرقه دیگر دو رکعت را و جایز است که پیشنماز با یک فرقه نماز را باتمام رساند و بنوبت دیگران نماز را با فرقه دیگر بجا آورد و این نماز دویم پیشنماز نافله خواهد بود ... که جایز میدانند که اقتدای نماز فریضه بنماز سنتی نمایند و در اینجا خلاف کرده‌اند اقتدای فریضه بنافله جایز ...

دربیان کیفیت نماز مطارده و مطارده یعنی حمله آوردن بیکدیگر و آن نمازیست که در حال جنگ بجا آورند

پس هرگاه که جنگ در گیرد در آنوقت بهر طریق که ممکن باشد ایستاده یا سواره یا در حال راه رفتن نماز را بگذارند و اگر رو بقبله کردن در کل نماز مقدور نباشد در هر قدری که تواند رو بقبله کند اگرچه در تکبیر احرام باشد و بس و اگر در آن هم مقدور نباشد رو بقبله کردن ساقط گردد و باید که سجده بر پالان اسب یا کوهه زین کند و اگر رکوع و سجود متعذر باشد اشاره بسر کافیست و اگر نتواند اشاره بچشم کند و اگر از آن هم نتواند بدل هر رکعتی بجای قرائت و رکوع و سجود و واجبات آنها کافیست که سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر بگوید اما باید که اول نیت و تکبیر احرام بجا آورد و بعد از آن بجای هر رکعتی تسبیحات اربع بگوید و در آخر تشهد و تسلیم بجا آورد و در نماز مغرب باید که سه مرتبه تسبیحات اربع را بگوید بدل هر رکعتی یکمرتبه و در آن چهار دیگر در هر کدام دو مرتبه باید گفت بدل دو رکعت

فصل سیم در بیان نماز جمعه و واجبات آن و در وجوب نماز جمعه در زمان غیبت امام ع در میان علما خلاف است

بعضی از علما آنرا واجب تخییری میدانند یعنی مکلف در روز جمعه واجبست که یا نماز جمعه یا نماز ظهر را بگذارد و اما افضل آنست که نماز جمعه بگذارد و بعضی گذاردن نماز جمعه را در زمان غیبت حرام میدانند و جمعی از علما آنرا واجب عینی میدانند یعنی در روز جمعه واجبست که نماز جمعه بگذارند بجای نماز ظهر و مجتهد الزمانی آنرا واجب عینی میدانند و نماز جمعه دو رکعت نمازاست مثل نماز صبح اما در نماز صبح یک قنوت در رکعت دویم سنت است و در نماز جمعه دو قنوت سنت است در رکعت اول قنوت را بعد از قرائت و پیش از رکوع باید خواند و در رکعت دویم قنوت را بعد از رکوع باید خواند اما هر دو قنوت سنت است و باید که جمع میان نماز جمعه و نماز ظهر نکنند که اگر نماز جمعه صحیح واقع شود مجزیست از نماز ظهر و نماز جمعه با وجود وجوب آن از هشت نفر ساقطاست چنانکه در این جدول بیان میشود یعنی بر این هشت نفر واجب نیست که از برای نماز جمعه حاضر شوند و اما اگر حاضر شده باشند واجب میشود که نماز جمعه را بجا آورند و نماز جمعه نیز بسبب ایشان منعقد میگردد موافق مشهور بغیر زنان که بسبب ایشان نماز منعقد نمیشود بر ایشان نماز واجب نگردد هرچند که در جائی باشند که نماز جمعه بگذارند حاضر شوند و در بنده خلاف کرده اند و آن هشت نفر که نماز جمعه از ایشان ساقطاست در این جدول بیان میشود

اول	دویم	سیم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم
زن	بنده	مسافر	کور	پیر عاجز	بیمار عاجز	شلی که از رفتن عاجز باشد

هشتم کسی که از او تا جائی که نماز جمعه گذارده میشود زیاده بر دو فرسخ باشد

و واجبات مخصوصه نماز جمعه نه چیز است چنانکه در این جدول بیان هریک از آنها میشود

اول	دویم	سیم
ملاحظه وقت و وقت آن از زوال آفتاب تا آنکه سایه که بعد از زوال حاصل میشود مثل شاخص شود موافق قول مشهور و بعضی از علما برآنند که وقت نماز جمعه مثل وقت نماز ظهر است یعنی تا وقتی که نماز ظهر را [illegible] کرد نماز جمعه را نیز میتوان کرد خلاف احتیاط است	صحیح است نماز جمعه هرگاه شروع بآن کرده باشد پیش از بیرون رفتن وقت هرچند که همین تکبیر احرام گفته باشد بنای شهید اول و بعضی گفته اند که یک رکعت را در وقت بجا آورده باشد نماز جمعه صحیح است والا باید که نماز ظهر بجا آورند و قول ثالث موافق رای شهید ثانی اظهر است	باید که نماز جمعه را بجماعت بگذارند که به تنهائی گذاردن آن حرام است و گفته اند که اگر ماموم در وقت خطبه و رکعت اول نماز حاضر نشده باشد و وقتی حاضر شود که امام در رکعت دویم باشد که تکبیر بگوید و ملحق گردد و این رکعت را رکعت اول نماز خود حساب کند و باقی را بجا آورد
چهارم	**پنجم**	**ششم**
باید که جماعتی که نماز جمعه میگذارند کمتر از پنج نفر نباشند که یکی از ایشان پیشنماز باشد یعنی بغیر پیشنماز باید که چهار نفر دیگر باشند که مجموع پنج نفر باشند موافق مشهور و بعضی گفته اند که باید که با امام هفت نفر باشند یعنی مجموع هفت نفر باشند	واجبست که پیش از نماز دو خطبه بخوانند که هریک از آنها مشتمل باشد بر حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و وعظ و خواندن یک سوره کوتاه یا یک آیه تامة الفایده	باید که خطیب در وقت خطبه خواندن ایستاده باشد اگر قدرت بایستادن داشته باشد و در میان دو خطبه لحظه بنشیند و آیا طهارت شرطاست در خطبه یا نه خلاف کرده اند اما بنای شهید ثانی و بعضی از علما آنست که شرط باشد برای محقق آنست که شرط نباشد طهارت امام شرطاست
هفتم	**هشتم**	**نهم**
باید که خطبه را چنان بخوانند که عدد معتبر که پنج نفرند یا زیاده بر آن بشنوند موافق قول اکثر و آیا واجبست ترک حرف زدن در اثنای خطبه و متوجه شدن آن [illegible] در هر دو خلاف کرده اند بعضی هر دو را واجب میدانند و بعضی هر دو را سنت میدانند وجوب ثابت است اما احوط است	منعقد نمیگردد نماز جمعه مگر با امام یا نایب خاص آن یا با فقیه در هنگامی که اجتماع ممکن باشد در حال غیبت امام	هرگاه دو جماعت در دو جا نماز جمعه بگذارند باید که در میان ایشان یک فرسخ یا زیاده بر آن فاصله باشد که اگر فاصله کمتر از یک فرسخ باشد و هر دو یکبار شروع در نماز کرده باشند نماز هر دو باطل است و اگر یکی شروع کرده باشد پیشتر هرچند که همین تکبیر احرام گفته باشند نماز او صحیح و آخری باطل

فصل چهارم در بیان نماز عیدین یعنی نماز عید قربان و نماز عید رمضان و واجبند این دو نماز بشروط نماز جمعه

و باید که آنرا بجماعت بگذارند و با اختلال شروط سنت است گذاردن آن و افضل آنست که آنرا بجماعت بگذارند و بتنهائی نیز جایز است که نماز عید را بگذارند هرگاه که گذاردن آن سنت باشد و واجبات مخصوصه آن سه چیز است چنانکه در این جدول بیان آنها میشود و آن جدول اینست

اول	دویم	سیم
رعایت وقت و وقت آن از طلوع آفتاب روز عید است تا زوال و اگر شخصی این نماز را بجا نیاورد تا آنکه وقت فوت شود قضا ندارد خواه دانسته ترک کند و خواه از روی فراموشی چنانکه در مبحث قضا مذکور میشود	باید که پنج تکبیر بعد از قرائت در رکعت اول بگوید و چهار تکبیر بعد از قرائت رکعت دویم و بعد از هر تکبیری قنوت باید خواند و در وجوب نه تکبیر و قنوتها خلاف کرده اند بیشتر علما واجب و بعضی سنت میدانند و واجب	باید که بعد از نماز دو خطبه بخوانند و در وجوب این دو خطبه نیز خلاف کرده اند بعضی از علما واجب و اکثر سنت میدانند و باید که این دو خطبه را بعد از نماز بخوانند و مقدم داشتن آنها بر نماز بدعتست در صورت اجتماع شرایط وجوب خطبتان نیز واجب است

وکیفیت نماز چنین است که اول نیت کند و بعد از آن تکبیر احرام بگوید و بعد از آن حمد بخوانند و بعد از حمد هر سوره که خواهد بخوانند و بعد از آن پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیری یک قنوت بخوانند و بعد از آن تکبیر رکوع بگوید و برکوع میروند و بعد از رکوع دو سجده بجا آورند و برمیخیزند و حمد و سوره میخوانند و بعد از آن چهار تکبیر میگویند و بعد از هر تکبیری یک قنوت میخوانند و بعد از آن تکبیر رکوع را میگویند و برکوع میروند و بعد از آن دو سجده میکنند و تشهد میخوانند و سلام میدهند و در وقت که این نه قنوت را هر قنوتی که خواهد بخوانند مجزیست بقول اکثر علما و قنوت منقول اینست که اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَاَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَهْلَ التَّقْوَىٰ وَالْمَغْفِرَةِ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا وَلِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه وآله ذُخْرًا وَشَرَفًا وَكَرَامَةً وَمَزِيدًا اَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ خَيْرَ مَا سَئَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ پس تکبیرات زاید در این نماز نه تکبیراست بغیر تکبیر احرام و تکبیر رکوع و سجود و قنوت نیز نه است و واجبست این نماز بر جماعتی که نماز جمعه بر ایشان واجبست و از جماعتی که نماز جمعه ساقطاست مثل کور و زن و بنده و غیره

فصل پنجم در بیان نماز آیات یعنی گرفتن آفتاب و ماه و زلزله و بادهای سیاه و زرد و هر امر آسمانی که باعث خوف باشد

و واجبست نماز از برای گرفتن آفتاب و ماه و زلزله و در باقی آیات خلاف کرده اند بعضی نماز را از برای تمام آنها واجب میدانند و بعضی سنت و اما بنای شهید اول و بیشتر علما نماز از برای امور مذکور واجبست و در این جدول بیان وقت هریک از آنها میشود و جدول اینست

در بیان وقت نماز گرفتن آفتاب و ماه	در بیان وقت نماز زلزله	در بیان اوقات آیات دیگر
وقت نماز کسوف و خسوف از ابتدای گرفتن آفتاب و ماه است و آخر وقت آن شروع در انجلاست موافق قول علامه و سید مرتضی علیه الرحمة آخر وقت را انجلا میدانند شهید و اظهر آنست آخر وقت انجلاست نه شروع در انجلا اگر وقت وسعت نماز نداشته باشد نماز واجب نگردد موافق قول محقق و بعضی دیگر از علما واجب میدانند و احکام قضای نماز کسوف و خسوف پیش از این در مبحث قضا مذکور شد	هرگاه که زلزله واقع شود نماز واجب گردد هرچند که زمان آن طول نداشته باشد و نماز زلزله به نیت ادا باید گذارد هرچند که ساکن شده باشد و علما گفته اند که نماز زلزله در تمام عمر اداست پس هر وقت که از او بجا آورند به نیت ادا باید گذارد	در سایر آیات هرگاه که بهم رسند نماز واجب گردد بنا برای جماعتی که نماز از برای آنها واجب میدانند و در آنها نیز گفته اند اگر وسعت نماز داشته باشد نماز واجب گردد و اگر نداشته باشد نماز ساقط است و بعضی از علما برآنند که اگر وقت گنجایش طهارت و یک رکعت نماز داشته باشد نماز واجبست و اگر کمتر از این باشد ساقطاست اصح قول اولست

و نماز آیات دو رکعت است بطریقی که بعد از این مذکور میگردد و واجبات مخصوصه آن چهار چیز است چنانکه در این جدول بیان میشود

اول	دویم	سیم	چهارم
واجبست که در هر رکعتی پنج رکوع بجا آورند که در دو رکعت ده رکوع بجا آورده باشد و خواندن پنج قنوت در این نماز سنت است دو قنوت در رکعت اول و سه قنوت در رکعت دویم چنانکه مذکور گردد	باید که حمد را مکرر بخوانند در هر رکعتی هرگاه سوره را تمام بخوانند و اگر تبعیض سوره نمایند باید که در اول و دویم حمد بخوانند و در هرجا که سوره را تمام کنند بعد از آن حمد بخوانند چنانکه مذکور خواهد شد	جایزاست که در هر رکعتی تبعیض سوره نمایند یعنی پیشتر از هر رکوع یک آیه یا زیاده بخوانند و اما اگر تبعیض سوره نمایند میباید که در هر رکعتی یک سوره تمام خوانده شود یا زیاده و کمتر از سوره صحیح نیست	اگر در عدد رکوعهای این نماز شک کنند باید که بنا را بر کمتر گذارند و نماز را تمام کنند بنا بر مشهور و اگر شک در عدد رکعتهای نماز بهم رسد نماز باطل گردد چنانکه در مبحث شکیات نماز مذکور شد

و این نماز را بدو طریق میتوان گذارد یک طریق آنکه در هر رکعتی پیش از رکوع حمد و سوره تمام بخوانند و برکوع روند و چون سر از رکوع بردارند باز حمد و سوره تمام بخوانند و برکوع روند و چون سر بردارند باز حمد و سوره تمام بخوانند و همچنین تا پنج رکوع تمام شود و بسجود روند و بعد از آن رکعت دیگر مثل رکعت اول بجا آورند و بعد از سجود تشهد و سلام بخوانند و نماز را تمام کنند و اگر خواهند در هر رکعتی تبعیض سوره نمایند یعنی قدری از سوره بخوانند و هر دو طریق بعد از این در جدول مذکور میگردد تا فهم آن آسانتر شود بعون الله تعالی

در بیان کیفیت نماز آیات هرگاه که پیش از رکوع همه آن سوره را تمام بخوانند وخواندن قنوت سنت است وباقی افعال واجب

رکعت اول نماز اول نیت کند وبعد از آن تکبیر احرام بگوید

احکام رکوع اول	احکام رکوع دویم	احکام رکوع سیم	احکام رکوع چهارم	احکام رکوع پنجم
بعد از تکبیرة الاحرام الحمد وهر سوره که خواهد بخوانند وبعد از آن برکوع روند	وچون سر از رکوع بردارند باز حمد وسوره که خواهد بخوانند وبعد از آن قنوت بخوانند وبرکوع روند	وچون سر از رکوع بردارند حمد وسوره تمام بخوانند وبعد از آن باز برکوع روند	وچون سر از رکوع بردارند وحمد وسوره تمام بخوانند وبعد از آن قنوت بخوانند وبعد از آن برکوع روند	وچون سر از رکوع بردارند حمد وسوره تمام بخوانند وبرکوع روند وچون سر از رکوع بردارند بسجود روند دو سجده بطریق مقرر بجا آورند بعد از آن برکعت دویم برخیزند

رکعت دویم نماز

احکام رکوع اول	احکام رکوع دویم	احکام رکوع سیم	احکام رکوع چهارم	احکام رکوع پنجم
وچون سر از سجود بردارند برخیزند حمد وسوره تمام تمام بخوانند وبعد از آن قنوت بخوانند وبعد از آن برکوع روند	وچون سر از رکوع بردارند حمد وسوره تمام بخوانند وبعد از آن باز برکوع روند	وچون سر از رکوع بردارند حمد وسوره تمام بخوانند وقنوت بخوانند وبعد از آن برکوع روند	وچون سر از رکوع بردارند حمد وسوره تمام بخوانند وبعد از آن برکوع روند	چون سر از رکوع بردارد حمد وسوره تمام بخوانند وقنوت بخوانند وبرکوع رود وچون سر از رکوع بردارد بسجود رود وبعد از آن تشهد وتسلیم بجا آورد تمام شد نماز

واگر خواهند که در هر رکعتی تبعیض سوره کنند جایز است یعنی بعد از حمد یک آیه یا زیاده بران از سوره بخوانند وبرکوع روند وچون سر از رکوع بردارند از همانجا که سوره را قطع کرده اند یک آیه یا زیاده بران بی حمد بخوانند وبرکوع روند وهمچنین کنند تا رکوع پنجم سوره تمام شود واگر پیشتر از رکوع پنجم سوره را تمام کنند باید که چون برکوع روند وسر از رکوع بردارند وحمد بخوانند وضابطه آنست که در رکعت اول ودویم حمد باید خواند ودر هر جا که سوره تمام کنند بعد از تمام کردن سوره برکوع رود وچون سر از رکوع بردارند باید که حمد بخوانند وبعد از حمد اگر خواهند سوره تمام بخوانند واگر خواهند یک آیه یا بیشتر بخوانند واگر در اثنای رکوعها سوره را تمام نکنند باید که در رکوع آخر هر رکعتی یک سوره تمام بخوانند یا زیاده بران تمام کنند که در هر رکعتی کمترا یک سوره تمام خوانده شود واگر در رکعت اول یک سوره تمام کنند وقدری از سوره بخوانند وبقیه آن را در رکعت دویم بخوانند وتمام کنند میباید که یک سوره دیگر در رکعت دویم تمام کنند واکتفا ببقیه آن سوره نکند وبیان این احکام از این جدول ظاهر میشود

رکعت اول نماز چنین است که اول نیت کند وبعد از آن تکبیر احرام بگوید

احکام رکوع اول	احکام رکوع دویم	احکام رکوع سیم	احکام رکوع چهارم	احکام رکوع پنجم
بعد از تکبیر احرام حمد بخوانند وبعد از آن یک آیه یا بیشتر از سوره بخوانند وسوره را تمام نکنند وبرکوع روند	چون سر از رکوع بردارند از همانجا که سوره را قطع کرده یک آیه بخوانند بی حمد بعد از آن قنوت بخوانند و برکوع روند	وچون سر از رکوع بردارند از همانجا که سوره را قطع کرده اند بی حمد بخوانند واگر خواهند سوره را تمام کنند وبعد از آن برکوع روند	وچون سر از رکوع بردارند حمد بخوانند واگر خواهند یک آیه از سوره بخوانند بعد از آن قنوت بخوانند وبعد از آن باز برکوع روند	چون سر از رکوع بردارند سوره را از همانجا که قطع کرده اند یک آیه بی حمد بخوانند وبرکوع روند وچون سر از رکوع بردارند بسجود روند ودو سجده بطریق مقرر بجا آورند وبرکعت دویم برخیزند

رکعت دویم نماز [illegible]

احکام رکوع اول	احکام رکوع دویم	احکام رکوع سیم	احکام رکوع چهارم	احکام رکوع پنجم
وچون از سجود برخیزند حمد بخوانند وسوره از همانجا که قطع کرده بود یک آیه بخوانند وبعد از آن قنوت را بخوانند وبعد از آن برکوع رود	وچون سر از رکوع بردارد سوره را از همانجا که قطع کرده بود بخواند بی حمد واگر خواهد سوره را تمام کند وبعد از آن برکوع رود	چون سر از رکوع بردارد حمد بخواند واگر خواهد یک آیه از سوره بخواند بعد از آن قنوت بخواند وبعد از آن باز برکوع رود	وچون سر از رکوع بردارد یک آیه از سوره از همانجا که قطع کرده بی حمد بخواند وبعد از آن برکوع رود	وچون سر از رکوع بردارد تمام سوره را بخواند وباید که سوره را تمام کند بی حمد وبعد از آن قنوت بخواند وبرکوع رود وسر از رکوع بردارد وبسجود رود وبعد از دو سجده تشهد وتسلیم بجا آورد ونماز را تمام کند

فصل ششم در بیان نماز طواف خانه کعبه وواجبات مخصوصه آن دو چیز است

اول	دویم
آنکه این دو رکعت نماز را در مقام حضرت ابرهیم یا در پیش مقام یا در یکی از دو جانب آن بگذارد وبسبب ضرورت در جای دیگر هم توان گذارد	آنکه نماز را بعد از فراغ از طواف پیش از شروع در سعی بگذارند واما دو رکعت نماز زیارت را بعد از سعی بجا آورند

فصل هفتم در بیان واجبات وکیفیات نماز میت واین نماز واجب کفائیست یعنی هرگاه که یک کس بگذارد از همه کس ساقط است

وواجبست نماز گذاردن بر میت اگر مسلمان یا در حکم مسلمان باشد مثل طفل مسلمانان هرگاه که شش سال تمام داشته باشد واگر کمتر از شش سال داشته باشد نماز کردن بران سنت باشد هرگاه زنده متولد شده باشد وواجبات واحکام نماز ده چیز است چنانکه بیان هر یک از آنها در این جدول شده وجدول متعلقات وواجبات نماز میت اینست

اول	دویم	سیم
باید که نماز گذارد در وقت نماز از جنازه بیا رد دور نایستد	باید که نماز گذاردن بر میت بعد از غسل دادن وکفن کردن باشد اگر او را کفن باشد	باید که در وقت نماز گذاردن میت را بر پشت خوابانیده باشد نه بر پهلو
چهارم	**پنجم**	**ششم**
باید که سر میت در وقت نماز گذاردن بجانب دست راست نماز گذار باشد	طهارت در این نماز شرط نیست بلکه جنب وزن حایض نیز این نماز را میتواند گذارد	باید که نماز گذار در وقت نماز استقبال قبله نماید
هفتم	**هشتم**	**نهم**
این نماز رکوع وسجود ندارد وتشهد وسلام نیز ندارد وبعضی سلام را مکروه میدانند	باید که نماز را ایستاده بجا آورند اگر قدرت بر ایستادن داشته باشد والا هر قدری که تواند ایستاده بجا آورد بقول شهید	واجبست نیت کردن وبعد از نیت پنج نوبت تکبیر بگوید که یکی از آنها تکبیر احرام باشد در غیر مخالف ودر مخالف بچهار تکبیر ختم کنند

باید که بعد از تکبیر اول شهادتین بگوید وبعد از تکبیر دویم صلوات بر پیغمبر وآل او بفرستد وبعد از تکبیر سیم دعا کند از برای مؤمنین ومؤمنات وبعد از تکبیر چهارم دعا کند از برای میت اگر مؤمن ومکلف باشد واگر طفل مسلمان باشد دعا کند از برای پدر ومادر آن طفل ما بین تکبیرات واجب وبعد از تکبیر پنجم را بگوید ونماز را تمام کند موافق قول شهید واکثر علما ومحقق گفته که دعا در میان تکبیرات لازم نیست ولکن اگر قایل شویم بوجوب دعا در میان تکبیرات لفظ معینی واجب نیست

در بیان کیفیت نماز میت ودعاها که بعد از تکبیرات باید خواند که کمتر از آن مجزی نباشد برای جماعتی که خواندن دعا را بعد از تکبیرات واجب میدانند

نیت کند وتکبیر بگوید وبعد از تکبیر بگوید	تکبیر دویم را بگوید وبعد از تکبیر بگوید	وتکبیر سیم را بگوید وبعد از تکبیر سیم بگوید
اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا رسول الله	اللهم صل علی محمد وآل محمد	اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات

تکبیر چهارم را بگوید بعد از تکبیر بگوید اللهم اغفر لهذا المیت واگر زن باشد بگوید اللهم اغفر لهذه المیتة

واگر طفل باشد بگوید اللهم اجعله لابویه ولنا سلفا وفرطا واجرا وبعد از آن تکبیر پنجم را بگویند وفارغ شوند از نماز

در بیان نماز میت وادعیه آن نیت کند و	هرگاه خواهد دعای تکبیر دویم را بگوید	مطول را بخواند تکبیر سیم را بگوید
تکبیر اول را بگوید وبعد از آن بگوید	وبعد از تکبیر بگوید	وبعد از تکبیر سیم بگوید
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا صلی الله علیه وآله عبده ورسوله	اللهم صل علی محمد وآل محمد وبارک علی محمد وآل محمد وترحم علی محمد وآل محمد کافضل ما صلیت وبارکت وترحمت علی ابرهیم وآل ابرهیم انک حمید مجید	اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات تابع بیننا وبینهم بالخیرات انک مجیب الدعوات انک علی کل شیء قدیر

تکبیر چهارم را بگوید پس اگر میت مومن باشد بگوید اللهم عبدک وابن عبدک وابن امتک نزل بک وانت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا وانت اعلم به منا اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه وان کان مسیئا فتجاوز عنه واحشره مع من کان یتولاه من الائمة الطاهرین واگر مومنه باشد بگوید اللهم امتک وابنة امتک نزلت بک وانت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منها الا خیرا وانت اعلم بها منا اللهم ان کانت محسنة فزد فی احسانها وان کانت مسیئة فتجاوز عنها واحشرها مع من کانت تتولاه من الائمة الطاهرین وبعد از آن تکبیر پنجم را بگوید

فصل هشتم در بیان نمازی که بنذر یا شبه نذر واجب گردد مثل آنکه بعهد یا قسم واجب گرداند و نمازی که به نذر

و نمازی که بنذر یا شبه نذر واجب شود تابع نذر مشروط است بهر طریق که نذر کرده باشد باید که نماز را بهمان طریق بجا آورد و اگر نذر مشروع باشد و ضابطهٔ نذر مشروع آنست که فعل آن جایز باشد پس اگر نذر در وقت واقع ساختن آن پس هرگاه نذر کند هیأت مشروعی را نذر منعقد گردد اگر واقع ساختن آن هیأت در وقتش مشروع باشد هر چند که واقع ساختن آن هیأت در وقت نذر مشروع نباشد و اگر نذری کند از برای ترک واجب یا فعل حرام شکرا نذر منعقد نگردد و زجرا منعقد گردد و اگر نذری کند از برای ترک حرام یا فعل واجب زجرا منعقد نگردد و شکرا منعقد میگردد و صورتهائی که نذر منعقد گردد یا منعقد نگردد در این جدول بیان میشود بعون الله تعالی و جدول اینست

جدول در بیان نذرهائی که صحیح باشد	منعقد گردد	جدول در بیان نذرهائی که باطل گردد	و منعقد نگردد
اگر شخصی نذر کند که نماز دو رکعتی بدو رکوع و چهار سجود و یک سلام بجا آورد چون هیأت نماز چنین مشروع او مخالف هیأت نماز متعارف شرع نیست نذرش صحیحست	و منعقد گردد اگر از برای ترک واجب و فعل حرام شکر نباشد	و اگر نذر کند که دو رکعت نماز بچهار رکوع یا دو سجود و مانند آن بجا آورد چون هیأت این نماز مخالف نمازهای متعارف شرع است	نذرش صحیح نباشد
اگر شخصی نذر کند که دو رکعت نماز مثل نماز صبح بجا آورد	نذرش صحیح است	و اگر نذر کند که پنج رکعت نماز بیک سلام بجا آورد	نذرش صحیح نیست
اگر شخصی نذر کند که ... نماز ... بجا آورد ... منعقد میشود که سه رکعت نماز بیک سلام یا یک رکعت نماز بیک سلام بجا آورد اگرچه هیأت این دو نماز هیأت نمازهای متعارف شرع نیست	در صحت نذر خلاف کرده اند و اکثر صحیح میدانند	اگر شخصی نذر کند که نماز عید یا کسوف را مثلاً در غیر وقت عید یا غیر وقت کسوف بجا آورد	نذرش صحیح نیست
اگر شخصی نذر کند که دو سجده بجا آورد	نذرش صحیح است	و اگر نذر کند که رکوع یا تکبیر احرام بجا آورد	نذرش صحیح نیست
اگر زن حایض یا جنب نذر کند که دو رکعت نماز بعد از پاک شدن چنین از غسل بجا آورد آن نیز مشروع است که بعد از پاک شدن باشد چون هیأت نذر مشروع و وقت واقع ساختن	نذرشان صحیح است هرچند واقع ساختن آن در وقت نذر مشروع نیست	و اگر نذر کند که در حال حیض یا جنابت مثلاً دو رکعت نماز بجا آورند یا سورهٔ سجده بخوانند اگرچه هیأت نذر مشروع است اما چون وقت واقع ساختن آن مشروع نیست	نذرشان صحیح نیست
اگر شخصی نذر کند که اگر فعل واجبی را ترک کند زجرا دو رکعت نماز بگذارد	نذرش صحیح است	و اگر نذر کند که اگر فعل واجبی را ترک کند شکرا دو رکعت نماز بگذارد	نذرش صحیح نیست
و اگر نذر کند که اگر فعل واجبی را بجا آورد شکرا دو رکعت نماز بگذارد	نذرش صحیحست	و اگر نذر کند که اگر فعل واجبی را بجا آورد زجرا دو رکعت نماز بگذارد	نذرش صحیح نیست
و اگر نذر کند که اگر فعل واجبی را بجا آورد شکرا دو رکعت نماز بگذارد	نذرش صحیح است	و اگر نذر کند که اگر فعل واجبی را بجا آورد زجرا دو رکعت نماز بگذارد	نذرش صحیح نیست
اگر شخصی نذر کند که اگر حرامی بجا آورد زجرا دو رکعت نماز مثلاً بجا آورد	نذرش صحیح است	و اگر نذر کند که اگر فعل حرامی بجا آورد شکرا دو رکعت نماز بجا آورد	نذرش صحیح نیست
و اگر نذر کند که اگر ترک حرامی کند شکرا مثلاً دو رکعت نماز بگذارد	نذرش صحیح است	و اگر نذر کند که اگر ترک حرامی کند زجرا دو رکعت نماز بگذارد	نذرش صحیح نیست
و اگر شخصی نذر کند که دو رکعت نماز نشسته بگذارد یا سواره در حال راه رفتن یا سوره نخواند و هر چیز که مانند آن باشد	نذرش صحیح است	و اگر شخصی نذر کند که در روز عید رمضان یا عید قربان روزه بدارد و این مسئله سابق مذکور شد	نذرش صحیح نیست

اگر شخصی دو رکعت نماز مثلاً در وقت معینی نذر کند و واقع ساختن آن در وقت مشروع باشد واجبست که آنرا در آن وقت بجا آورد و اگر عمداً آنرا در آن وقت نگذارد باید که هم قضای آنرا بجا آورد و هم کفاره بدهد بقول شهید علیه الرحمه

و اگر شخصی نماز واجبی را نذر کند مثل آنکه یکی از نمازهای واجبی یومیه را نذر کند وجوب آن مؤکد گردد پس اگر آنرا بجا نیاورد کفاره بر او لازم گردد و چون کفاره بدهد گناه مخالف نذر تخفیف یابد اما گناه ترک نماز بحال خود باقیست و بکفاره دادن تخفیف نیابد موافق قول شیخ بهاء الدین

و اگر شخصی نذر کند دو رکعت نماز از نمازهای نافله کند بعضی از مجتهدین را مذهب آنست که واجبست که در هر رکعت بعد از فاتحه سوره بخوانند هرچند که در نماز نافله خواندن سوره واجب نیست این نماز قول شیخ بهاء الدین علیه الرحمه نقل شد تمام شد احکام نماز نذر و شبه نذر

فصل نهم در بیان نمازی که از پدر فوت شده باشد و بر پسر بزرگتر قضای آن واجب گردد و در آن سه مسئله است

مسئلهٔ اول	مسئلهٔ دویم	مسئلهٔ سیم
واجبست بر ولی که قضا کند نمازی را که فوت شده باشد از پدر و آیا نمازی که از مادر یا سایر اقارب فوت شده باشد قضای آن بر وارث واجب باشد یا نه اکثر علما بر آنند که واجب نباشد و بعضی از علما قایل بوجوب آن نیز شده اند	بر ولی واجبست که قضای نماز فوت شده پدر را بجا آورد و ولی پسر بزرگ میت است بقول اکثر علما و بعضی گفته اند که قضای نماز میت واجبست بر هر وارثی هرگاه که بعد پسر بزرگتر نباشد و اگر میت را دو پسر یا زیاده بوده باشد که هر دو در سن مساوی باشند واجبست که نماز میت را بالسویه قضا کنند و اگر یکنماز باقی ماند واجب کفائی گردد بعضی هر کدام آنرا بجا آورند از دیگران ساقط گردد مثل آنکه شخصی فوت شود و از او دو پسر باشد که هر دو هم سن باشند و از او سه نماز فوت شده باشد باید که هر پسری یکنماز از او قضا کنند و آن یکنماز که باقی ماند واجب کفائی است	واجب میشود قضای نمازهای فوت شدهٔ پدر بر پسر بزرگتر به سه شرط چنانکه در جدول بعد از این مذکور میگردد و آنچه از شروط خلافی بود ذکر خلاف نمودیم و جدول شروط مذکور اینست

شرط اول	شرط دویم	شرط سیم
واجبست بر پسر بزرگتر قضا کند آن نمازی را که در مرض موت از پدر فوت شده باشد بر پسر بزرگ نمازهای دیگر یا موافق قول بعضی از علما و بعضی دیگر گفته اند که نمازی که از پدر بسبب عذری فوت شده باشد بر پسر قضای آن واجب نه نمازی که عمداً از او فوت شده باشد و او را قدرت بگذاردن آن باشد و قول دیگر آنست که قضای نمازی که از پدر فوت شده باشد بر پسر واجب گردد مطلقا صحیح قول ثانی است و قول آخر برای شهید علیه الرحمه احوط است	واجب میشود قضای نماز پدر بر پسر بزرگتر هرگاه که پدر وصیت نکرده باشد که شخصی را از برای گذاردن نماز استیجار نمایند که اگر پدر وصیت کرده باشد و وصیت نافذ باشد قضا آن از پسر بزرگتر ساقط و اگر پدر وصیت کند که شخصی را استیجار کنند که بعضی از نمازهای فوت شده آنرا قضا کند واجبست که قضای آن باقی را پسر بزرگتر بجا آورد موافق قول شهید ثانی علیه الرحمه	بعضی از علما گفته اند که اگر پسر بزرگتر در وقت فوت پدر بالغ و عاقل باشد واجب میشود که نماز قضا فوت شدهٔ پدر را بجا آورد و اگر بعد از فوت پدر بالغ و عاقل شود قضای نماز پدر بر او واجب نیست و این قول موافق رای شهید است و در کتاب ذکری و بعضی از علما بالغ و عاقل بودن ولی را شرط نمیدانند در وقت فوت پدر بلکه میگویند اگر ولی بعد از فوت پدر بالغ و یا عاقل شود واجب میشود که نماز فوت شدهٔ پدر را قضا کند

و لازم نیست که پسر بزرگتر مشغول الذمه نباشد بنماز واجبی تا قضا نماز پدر بر او واجب گردد برای شهید ثانی تا بر پسر بزرگتر واجبست که مقدم دارد آن نمازی را که سبب آن مقدم باشد مختار شهید در ذکری آنست که باید رعایت ترتیب نماید و جواز استیجار در اینجا دور نیست و آیا پسر بزرگ میتواند که شخصی را باجاره گیرد که نماز فوت شدهٔ پدر را که بر او واجب شده قضا نماید مختار شهید در ذکری منع است و اقرب برای شهید ثانی آنست که حکم مخصوص بولی دارد

فصل دهم در بیان نمازی که باجاره واجب گردد و واجب میشود نماز بسبب اجاره خواه بوصیت میت شخصی را باجاره گیرند و خواه میت وصیت نکرده باشد و تبرعا شخصی باجاره گرفته باشد که قضای نماز میت را بجا آورد و چون شخصی را بجهت قضای نماز میت باجاره گیرند باید که وجه اجاره را از ثلث متروکات میت اخراج نمایند بقول بعضی از علما و گفته اند که اگر میت وصیت نکند بورثه اخراج آن لازم نیست و بعضی از علما بر آنند که وجه اجارهٔ نماز بطریق وجه اجارهٔ حج از اصل ترکه باید داد خواه میت وصیت کرده باشد و خواه نکرده باشد اصح قول اولست که وجه اجاره را از ثلث اخراج شود و مسائل ضروری نماز اجاره چهار مسئله است چنانکه در این جدول بیان میشود و جدول اینست

مسئلهٔ اول	مسئلهٔ دویم
هرگاه شخصی را باجاره گیرند که قضای نماز میت را بجا آورد باید که عادل باشد و مسائل ضروری نماز را بداند و عاجز از بعضی افعال نماز مثل قیام و غیر آن نباشد	واجب نیست برای شخصی که خود را باجاره میدهد که قضای نماز میت را بگذارد که بعد از وقوع اجاره علی الفور بآن اشتغال نماید یا اکثر اوقات بآن مشغول باشد بلکه همین قدر کافیست که بعض اوقات بآن مشغول باشد بحیثیتی که بحسب عرف گویند که بآن اشتغال دارد و کاهلی نمیکند

مسئلهٔ سیم	مسئلهٔ چهارم
جایز است که دو شخص را یا زیاده بر آن بجهت نماز یک شخص باجاره گیرند باید که وقت نماز هر یک از آن جماعت معین باشد تا دیگری در آن وقت بقضای نماز آن میت اشتغال ننماید و نماز او بترتیب قضا شود	هرگاه مرد خود را بجهت نماز زن باجاره دهد مختار است میان جهر و اخفات و همچنین اگر زن خود را بجهت نماز مرد باجاره دهد بشرط آنکه اگر جهر کند نامحرم آواز او را نشنود و این چهار مسئله موافق قول شیخ بهاء الدین محمد است علیه الرحمه سنه ۱۲۳۷ کتبه العبد المذنب علی محمد

